

مطبعه و اداره خانه **✦** اختر **✦**
 در راسته بهالی است **✦** ۲۵ **✦**
 در کارهای منطبق با اداره به آقا محمد ظاهر
 رجوع میشود .
 اسامی وکلای کرام در ممالک دور و نزدیک
 گاهی در صفحه آخرین نکاتنه خواهد شد .
 روز چهارشنبه ۱۲ ربيع الاول سنه ۱۲۹۶
 ۲۴ شباط روی ۵ مارس ۱۸۷۹



✦ تعرفه بدلات سالیانه **✦**
 دارالصفاه اسلامبول ۰۳ مجدی سیم
 دیگر ممالک بحروسة عثمانیه ۷۵ فروش صاع
 ممالک بحروسة ایران ۲۵ قران
 ممالک هندوستان و بنادر ۱۵ رویی نقره
 ممالک روس و قفقاز ۱۵ رویل کاغذی
 ممالک اروپا ۲۵ فرانک
 اجرت پوست همه جا بدهنده اداره است .

✦ این نامه از هر گونه وقایع و اخبار و از سیاسیات و پولیتیک و علم و ادب و دیگر منافع عامه سخن خواهد گفت . هفته یکبار طبع می شود . اوراق **✦**
✦ و نوشته های سودمند را بایستادن می برد . در نوشته های کاغذهایی که از خارج میرسد اداره آزاد است . کاغذی را که نوشته نمی شود **✦**
✦ صاحبش نباید استرداد بکند . کاغذهایی که پول پوست ندارد قبول نخواهد شد . **✦**

تکرارها

✦ از لندن ۴ ربيع الاول **✦** (آورد و فرین)
 سفیر تازه انگلیس به پترزبورگ امروز **✦**
 عازم پترزبورگ شد . کازت (دیلی تلگراف)
 برلین مینویسد دولت المان در خصوص تعیین
 حدود (جو برجه) جانبداری خیالات در
 روس را خواهد داشت .

✦ از قاهره ایضا **✦** عهدنامه صلح در میان
 خدیوی مصر و حکمران حبشستان منعقد شده
 به امضا رسیده است . جناب حسن پاشا فرزند جناب
 خدیو مصر که سردار لشکر مصر است از جهت
 بی اعتدالی حرکات صاحب منصبانی که در ۲۶
 صفر اتفاق افتاد بجناب وزیر مالیه افسوس خندی
 خود را اظهار نمود .

✦ از برلین ایضا **✦** موافق راو رتی
 که اداره صحیه منتشر کرده است بحالته ناخوشی
 طاعون از حاله روس بکلی رفع شده است .

✦ از لندن ۵ ربيع الاول **✦** شاهزاده
 ناپلین سوم امپراتور فرانسه فردا به (پورت نال)
 حرکت خواهد کرد که در ایام جنگ انگلیس
 با ژولوسها در آنجا ها بوده باشد .

✦ از طر نوی ۵ ربيع الاول **✦** (پرنس)
 دوئیکوف کورسا کوف (وال موقت بلغارستان)
 در مجلس معنبرین بلغارستان بیان نموده است
 که اجرای احکام عهدنامه برلین بطور قطعی ملتزم

میباشد . پرنس موی الیه از پذیرفتن هیئت فرستاد
 کلن بلغارین تراکی و ما کدونیا استنکاف کرده
 است .

✦ از پاریس ایضا **✦** (مسیور بیسون)
 ریاست کومیسون موازته دخل و خرج معین شده
 است .

✦ از وین ۵ ربيع الاول **✦** کازت پواینک
 کورسپوندانس (تلگرام ذیل را از طر نوی نقل
 کرده است .

کومیسر دولت اوستریا در بلغارستان مضبوطه
 مجلس معنبران بلغارستان را امضا نکرده است
 بجهت اینکه بزبان روسی نوشته شده اوهم زبان
 روسی نمیدانسته است ولی گفته اگر ترجمه صحیح آن
 در زبان دیگری که میدانم بوده باشد امضا خواهم
 کرد .

✦ از طر نوی ایضا **✦** مجلس معنبرین
 بلغارستان امروز بر اول بود که منعقد شد . در
 این مجلس رسیده کی انتخاب نامها مشغول شدند .
 مستدعیات اهالی روم ایللی شرقی را در بیرون
 از مجلس مذکور بواسطه کومیسون جدا گانه
 رسیده کی خواهد شد . اکثریت مجلس معنبرین
 از صاحبان افکار معتدل هستند .

✦ از لندن ۵ ربيع الاول **✦** جمعیت حاملان
 اسناد عثمانی در مجلس امر روزی تکلیف نامه مسیور
 نو کویل را با اتفاق آراء قبول کردند .

✦ از لندن ۵ ربيع الاول **✦** در غره
 ماه یکم را که ناخوشی طاعون گرفته بود

بخسته خانه آوردند . اطباء بگویند ناخوشی
 اوست گین نیست . درباره کسانی که با ناخوش
 مزبور مناسبت دارند قواعد حفظ بسختی مری
 می شود . اطباء روز از ناخوشی آن شخص
 راپورت خواهند داد .

✦ از پترزبورگ ۶ ربيع الاول **✦** خبرهایی
 که از طر نوی میرسد خوب است مجلس معنبران
 بلغارستان با اعتدال رفتار مکرده اند . هواخواهان
 ترقی از خیال بد درباره عهدنامه برلین صرف
 نظر میکنند .

✦ از بکرش ۶ ربيع الاول **✦** مجلس عمومی
 رومانی تا ۲۷ ماه مارس فرنی مذاکرات
 خودشان را در خصوص اصلاح و تمذیل قانون
 اساسی (کونستیتسیون) و اجرای احکام عهدنامه
 برلین امتداد خواهد داد .

✦ از پاریس ایضا **✦** وزیر مالیه فرانسه
 بیان کرده است که حکومت فرانسه خیال این را
 ندارد که سندات عهدی بجای را تغییر و تبدیلی بدهد
 یا بر این قیادت سندات ترقی کرده است .

✦ از لندن ۶ ربيع الاول **✦** وزیر جنگ
 انگلیس در مجلس معنبران بیان کرد که عهدنامه
 نوپ و نه هزار لشکری و هزار و هشتصد اسب
 بدماغه امید فرستاده ام .

وزیر مالیه در جواب سوال مسیور کامل از فقره
 مسیور نو کویل اظهار کرد که در باب تعیین
 کومیسرها برای سرکشی و نظارت سندات بدون
 عثمانیه که همه یکی خواهد شد . و برای اداره

بعض واردات و رسوم متناهیة با بمبالی با دولت انگلیس سخن دارد ولی هنوز در ایجاب فراری داده نشده است .

از لندن ۷ ربیع الاول ✽ موافق بیانات کازت (تایمس) دولت روس کاغذ عمومی بدوتهای دوست فرستاده و در آن کاغذ حل مسائل کیفیت ضبط و استیلای عثمانی بانکها را تعیین والی روم ایللی شرقی و تحسین حدود آنولایت و مطالب مرحدی قره طشاغ و رومانی و قرقه سلسله را خواسته شده است .

از مانظا ایضا ✽ قرار کرائینی که برای واردات از بانک عثمانیه و یونانستان و قبریس و مصر گذاشته شد بود ابطال شده کرائین را برای اما کن مذکور موقوف کرده اند . (ویه جیلاف) فرزند کرائندولک قسطنطین وفات کرده است .

از پترزبورگ ۷ ربیع الاول ✽ موافق راپورت اطباء مرد دهاتی که گفته در اول ماه رمضان گرفتار شده است ناخوشی طاعون نداشته تنها ناخوشی سورتک داشته است . با این جهت وحشت نفر از کسانی که بآن دهاتی ریزشگاه می نشستند و از آبش با مردم ممنوع بودند مرخص شدند .

از پاریس ۶ ربیع الاول ✽ لایحه که از جانب مجلس وکلا در خصوص عهدهای از مجوسین که در احتلال کومون منجیت داشته اند تنظیم شده بود در مجلس اعیان در مقابل هستند و شش رای با اکثریت یکصد و شصت و سه رای پذیرفته شده است .

از پترزبورگ ایضا ✽ لشکر یان روس که طالبی عرب را استیلا کرده اند موافق احکام عهدنامه برلین از یک هفته با نظر طرف ردهم و خراب کردن اسباب کابلی کنند .

لندن ایضا ✽ تخصیصاتی که حکومت بجهت جنگ زولووسها میخواست . در مجلس میخوان با اتفاق آرا پذیرفته شد .

از لندن ۸ ربیع الاول ✽ کازت تایمس میگوید که در باب مسئله مصر در میان فرانسه و انگلیس مؤالفت افکار حاصل شد .

برای اینکه نو بار پاشا در راه انداختن اصول جدید بجهت حکومت مصر لازم است لهذا دواتین انگلیس و فرانسه از جناب خدیو مصر خواهش خواهند نمود که مشارالیه دوباره داخل هیئت وزرا بشود .

از پترزبورگ ۸ ربیع الاول ✽ امیر شیر علی خان وفات کرد .

مرکز اردوی عساکر روس که در روم ایللی هستند در هفتم مارس (۱۴ ربیع الاول) بشبهه نقل خواهند شد .

از کلکتہ ۱۹ ربیع الاول ✽ احتمال می رود که یعقوب خان بجای مرحوم شبر علی خان حکمران بشود . مشارالیه در جنگ دوام خواهد کرد .

از حاجی ترخان ۸ ربیع الاول ✽ ناخوشی وی با انگلیه زایل شد .

از لندن ۹ ربیع الاول ✽ کازت (اوپس رور) اصرار دواتین انگلیس و فرانسه را در خصوص دوباره داخل شدن نو بار پاشا هیئت وزرا تکذیب می کند .

دواتین مشارالیهما تنها اجرای تعهدات جناب خدیو مصر را آرزو دارند .

بروایت تلگرافخانه که از مصر بکازت مذکور رسیده است بعد از انفصال نو بار پاشا از ماموریت خود باز در حق فلاحان آغاز بخت گیری شده است .

از مادرید ۹ ربیع الاول ✽ در خصوص تبدل هیئت وکلا بعضی شایعه های نزدیک بصدق در میان هست .

از طرنوی ۹ ربیع الاول ✽ مجلس معتبران بلغارستان در خصوص مقاصد معونان روم ایللی شرقی میخواهند (مه موراندام) ی یعنی لایحه مختصره بدوتهای بزرگ فرستند . ولی باز معاملات خودشان را تعطیل نخواهند کرد .

از اتان ۹ ربیع الاول ✽ از جانب مرخصان یونان مهلتی که بجناب مختار پاشای غازی داده شده بود دیروز با تمام رسیده است .

اگرچه جناب مشارالیه وعده کرده بود که در روز مذکور دستور العمل تازه با بمبالی را بمرخصان

یونان تسلیم نماید ولی عدم ورود دستور العمل تازه را بیان کرده است .

با وجود این بجهت تکلیف بعضی دواتها مرخصان یونان از جانب دولت متبوعه خودشان برای تمدید مدت اقامت در (پرورزه) دستور العمل گرفته اند .

از لندن ۱۰ ربیع الاول ✽ فرقه آخری قوه امدادیه که برای جنگ زولووسها معین شده بودند دیروز بسمت دعاغه امداد حرکت کردند .

بنا بر معتقدات کازت (تایمس) بلا حظه اینکه جنگ افغانستان تنها بر ضد امیر شیر علی خان باز شده بود اکنون (لورد لیتون) والی هندوستان یعقوب خان را برای مذاکرات صلحیه دعوت خواهد نمود .

داخلیه

سفارت وین بجناب آیت و دولتآب ادهم پاشا صدر اسبق توجه فرموده شده است .

جناب دولتآب اسماعیلی پاشا والی ارض روم که چند روز پیشتر باسلامبول آمده اند روز جمعه گذشته بحضور همایون پادشاهی رفته مورد التفات ملوکانه شده بیک قطعه نشان مرصع مجیدی و بیک قطعه مدال مشارالیه احسان فرموده شده است .

عهدنامه آخری ✽

ترجمه عهدنامه آخری است که در میان دولت عثمانیه و دولت روس بسته شده است .

چون املا حضرت شوکت مآب پادشاهی و ادلا حضرت امپراتور روس خواستند آنچه از احکام مقدمات صلحیه ایاستفاوس واکذار باتفاق و قرارداد مستقیمه دواتین شده بود بیک معاهده قطعیه مربوط ساخته بقراری صلح و مسالمت را رسماً تایید نمایند لهذا برای این کار از جانب سنی الجوانب حضرت پادشاهی جناب

دولت آلب الکساندر پاشا وزیر خارجه و جناب
دولت آلب علی پاشا رئیس شورای دولت و از طرف
اعلا حضرت امپراتور روس جناب پرنس لوبانوف
سفیر دولت مشارالیه در اسلامبول مرخص فرموده
شدند و جنابان مشارالیه در اسلامبول اختیار نامه های
خود شازرا بعد از آنکه موافق قاعده یافتند تعطیلی
و مبادله کرده مواد مفصله ذیل را قراردادند .

ماده اولی * بعد از این در میان دولت
علیه و دولت روس صلح و موالات برقرار خواهد
بود .

ماده دوم * دولتین معاهدتین منفعا
پیمان می کنند که آنچه از فصول مقدمات صلحیه
ایستقامتوس در کونکره فرجه و تعدیل شده است
بجسای آنها احکام عهدنامه برین که در میان هفت
دولت قرارداد شده است قائم خواهد بود .

ماده سوم * آنچه از احکام مقدمات
صلحیه ایستقامتوس بواسطه عهدنامه برین فرسخ
و تعدیل نشده است بموجب فصول آتی الذکر
بطور قطعی انجام داده می شود .

ماده چهارم * از باب خسارت
و تضییات جنگ قیمت اراضی که بموجب عهدنامه
برین از جناب دولت عثمانی بدولت روس ترک شده
است تزیل شده باقی تضییات جنگ در هشتصد
و دو میلیون و بانصد هزار فرانک قرارداد شده است
کیفیت ایضای این مبلغ و نامینسات و خاطر جمعی
مخصوص آن (بمطلب اراضی و حقوق طلبکاران
از جهت احکام بیانات پروتو کول (مضبوطه)
یازدهم کونکره بوجهی خلل نخواهد رساند) در تانی
در میان سلطنت سنییه و دولت روس باتفاق هم دیگر
قرارداده خواهد شد .

ماده پنجم * در باب بلخی که در عین
ضرد و خسارتی که در ایام جنگ آخری به تبعه
روس مقیم ممالک عثمانیه و مواقع مبراتشان رسیده
است سفارت روس مقیم در سعادت مطالب متفق
باین فقرات را رسیده می کرده بیامالی بیان و از آرو
کار سازی خواهد شد و مجموع این مطالب بوجهی
از بیست و شش میلیون و هفتصد و پنجاه فرانک بالاتر
نخواهد بود . مادامیکه از تاریخ مبادله تصدیق نامه های
این معاهده یکسال نکند آنکونه مطالب بیامالی
عرض نخواهد شد و بعد از آن تاریخ تا دو سال مدت

افظهار مطالب قرارداد شده بعد از دو سال اینگونه
دعواها موقع قبول نخواهد داشت .

ماده ششم * در خصوص رسیده می
و قرار مصارف و خوراک اسیران جنگ که دولت
روس کرده است کومیسرها معین خواهد شد که
تا روز امضای عهدنامه برین مقدار آن را معلوم
سازند و آنچه در روزهای اسیران روس خرج
کرده است از روسیه معروض شده باقی دیگر از جناب
بیامالی در ظرف مدت هفت سال در بیست و یک
قسط مساوی کار سازی خواهد شد .

ماده هفتم * اهالی جاهایی که بروس
وا گذار شده است هر گاه نخواهند در خارج آن
الکها اقامت نمایند اختیار دارند که املاک خود
شان را فروخته بروند و برای این کار سه سال از تاریخ
تصدیق همین معاهده مهلت داده می شود چنانکه
تا سه سال کسی املاک خود را ن فروخته کوچ نماید
در تابعیت روس خواهد ماند .

ماده هشتم * دولت علیه و دولت
روس متقابلا تعهد می کنند که در حق تبعه خود
شان که در اثنای جنگ بواسطه مناسبات با اردوهای
طرف مقابل متمم بوده باشند هیچ وجه بازخواست
و محازاتی نکنند و هم ماجرای محزاتی امر و رخصت
ندهند .

و کسانیکه را که نخواهند از پشت سر لشکر بان
روس یا خانواده خودشان بیرون بروند مأمورین
عثمانیه ضمانت نخواهند کرد .

ماده نهم * تبعه عثمانیه که در حدود
وقایع اتفاقیه در ایالات قطعه روم ابل عثمانی
مدخلیت داشته اند همه آنان را عفو عمومی و اطمینان
داده می شود .

ماده دهم * هر گونه معاهدات
و مقاولات و تعهدات دایر تجارت تبعه روس در ممالک
عثمانیه و حقوق و دعاوی و حال و موقع آنان در میان
طرفین متعاهدتین که پیشتر منعقد بوده و بواسطه
وقوع جنگ سمت بطلان یافته بود احکام مندرجات
همه آنها کافی السابق مرعی الاجرا خواهد بود
و دولتین متعاهدتین از جهت تعهدات و مناسبات
تجارتی و غیره بحالتی خواهد بر گشت که قبل از تاریخ
اخبار جنگ بود و احکامی که بموجب این عهدنامه

برین ابطال شده است از این کلیه مستثنا
است .

ماده یازدهم * در خصوص همه
کارهای عقب مانده تبعه روس که از چند سال است
فصل نیافتده است بیامالی اهتمام خواهد داشت
تدبیری بکار برد که بطور صلح و هر گاه مقتضی
بشود بطور عوض دادن از خود آنها را انجام
بدهد و اعلاجات و احکامی که در دست تبعه روس
است بی تاخیر بجزری بدارند .

ماده دوازدهم * این عهدنامه حاضر
تصدیق خواهد شد و تصدیق نامها در ظرف دو
هفته و اگر تکمیل باشد زودتر در نرسید و تک مبادله
خواهد شد . برای تصدیق این مطالب مرخصان
دولتین این معاهده را بپهرهای شخصی خودشان
امضا و مهر آرند .

این عهدنامه در ۲۷ کانون تانی روی
۱۲۹۲ و ۸ فوریه فرنگی ۱۸۷۹ در سعادت
سمت عقد و تنظیم یافت .

جنگ تصدوفت مآب منصف اقتصادی ناظر
معارف کومیسریونی قرارداد داده اند که آنچه
در کتابخانه من در سعادت از کتب و آثار رسیده است
همه را بدقت تمام رسیده می کرده یک کتابچه بسازند
و طبع نمایند . اعضای این کومیسریون چند نفر
از مأمورین نظارت معارف است و سعادت آلب حسین
اقتصادی که بیشتر متصرف مرکز طونه بوده است .
چون این نفر یکی از اسباب ترویج علم و آگاهی
است و برای طالبان دانش وسیله تسهیل عمل است
عرض تشکر خدمت جناب ناظر معارف می کنم .
در این ذیل زائد نمیدانیم یاد آوردی تا بر ایشان
و همه بزرگان و ارباب دانش این بای تخت را که
هر گاه یک کتابخانه عمومی چنانکه در ممالک اروپا
هم هست در وسط شهر انشا کرده شود که همه
اوقات باز بوده هر کسی بخواهد از آنجا از مطالعه
کتب موجوده آنجا بهره مند شود البته بهر و آثار
بزرگی در بای تخت خواهد بود و چنانکه در مقدمات
اجرای این تصور در سالهای پیش در نظر بود
از کتابخانه های دیگر از نسختهای متعدد و تکراری
که هست نسختهای زیاد میتوان با آنجا گذاشت
و همه اصحاب خیر و دانش پروران ملت و اهالی
بوجهی مضایفه نمی کنند کتابها با آنجا وقف

سازند و شك نیست که در اندک زمانی کتب خانه مذکور دارای چندین هزار جلد کتب می شود بصورتیکه مانند آن کتب خانه در روی زمین کمتر بوده باشد و فی الواقع لائق این بای تخت اعظم هست که همچنان کتب خانه عمومی ترتیب داده شود - و این مطلب را مخصوصاً بنظر دقت جناب ناظر مشار الیه که مری علم و آثار دانش هستند عرض میکنیم -

در نهضت های پیش فراموش کردیم بنویسیم که جناب امیر و دولتمآب محمود ندم پاشا صدر اعظم اسبق که بوالیکری موصل امور شده بودند استعفا کرده و استعفاى جناب مشار الیه در حضرت همایون ملوکانه پذیرفته شده است -

دفتر اعانه هندوستان

در انشای غوائل این چند سال آخری حیت مندان هندوستان اعانتها کرده نفوذ و اشیاى پادشاهان علییه فرستاده اند - در خصوص تفصیل و جوه اعانه و معلوم کردن رسید آنها چنانکه پیشتر اشعار کردیم در زیر ریاست اصلاح حضرت شوکت محات پاشاه اسلامیان پناه کومیسوئی تشکیل شده ریاست دوم آن کومیسوئی عالی بهیچ جناب امیر اعلی افندی انشونی ریاست محول بود کومیسوئی مذکور خدمت محول بهیچ خود شایسته و زرها انجمام و دفتر تنظیم آنرا ترتیب و جدولهای و جوه اعانه را در آن تفصیل داده است و نامی و جوه را با هم و رسم و نام و نشان دهندگان را اعانه و غیره ثبت کرده و بطبع رسانیده اند که بکلیت خطه را آنرا هر بموجب بنشیند که گرامی به مضای رئیس موی ایله پادارایه جریده ما فرستاده اند - و البته انجمنهای متعدد هم پادارایه ای اخبار نامهای معتبر هندوستان و بعضی برگان هندوستان که باین جمعیات اعانه پورده و در سینه خواهد شد و معلوم خواهد کردید که هرگاه و جوهی از اعانات را قبض نپسوده است رسیده پارسیده است - و اینکه نفس نفیس حضرت شوکت آب پادشاهانه ریاست این کومیسوئی را بهیچ سینه همایون گرفته در زیر نام نای شهنه قرار داده اند بعضی از روی توجه و انتفاع مخصوص مسلمانان هندوستان است که از راه دور رابطه مقدسه اسلامیه را نگاه داشته از جهت آنکه بجان و تن فداکاری نمی توانسته اند ببدل مال خدمت و اخلاص

خوبش را در راه اسلامیت و انسایت آشکارا ساخته اند - راستی از اینگونه همت حضرات اصحاب اعانات بنام اسلامیت و انسایت عرض سپاسداری خود را تکراری کنیم -

موافق شرحی که در بیان کتابچه داده شده است جناب وجوه اعانه نقدی هندوستان که داخل کتابچه رسمی مذکور شده است یکصد و بیست و چهار هزار و چهل و شش ایرای عثمانی شده است -

از جناب سفارت سنیه کبری دولت علییه ایران جنرال کونسولگری دولت علییه مشار الیها بهیچه مقرب الحاقان حاجی میرزا نجفعلی خان منشی اول سفارت کبری محول فرموده شده است -

اخبار نامه (وقت) مینویسد مذکور شد که شکایت نامه بهر چند نفر از مسلم و غیر مسلم در حق جناب دولتمآب ضیا پاشا والی ولایت اشته بیابالی آمده است -

در بعض اخبار نامها نوشته اند از والی حلب نیز کونسلهای دول تمناه خوشنود نبوده اند لکن نمیدانیم در باره مشار الیه هم شکایت نامه هست یا نه اگرچه اینقدر را محققاً میدانیم که کار پرداز و عموم مأمورین و شبه ایران که در خاک حلب هستند از جناب مشار الیه خوشنودی نداشته اند و بطوهای غریب شکایت آزادی کرده اند حتی در ایضاب بعضی تحریرات هم پادارایه اختر رسیده است و شایدیم که از جناب سفارت کبری ایران هم در ایضاب بعضی اظهارات بیابالی شده بوده است -

در نهضت پیش میبایست نوشته شود که روز سه شنبه گذشته ۲۶ ماه صفر جناب سیر لیارد سفیر کبیر دولت انگلیس برای وداع و تقدیم جانشین سفارت در ایام غیبت خود که (میو. تی. منشی) اول سفارت است بحضور همایون اعلا حضرت شوکت مآب شاهانه رسیده رسم وداع و معرفی موی ایله را بجا آورده است - روز جمعه بعد از ظهر در هنگام حرکت موی ایله بقدر یکی دو هزار مهاجران روم ایلی از زن و مرد و اطفال و میدان در سر راه مشار الیه جمع شده مبعوثانی از جناب خودشان برای اظهار تشکر از یکیکهای سفیر مشار

الیه وزن محترم ایشان فرستاده اند جناب سفیر ارتکالیکه پیاده شده بموئلن مهاجران را پذیرایی و اظهار امتنان نموده و دلداری و مواعید مناسبه بایشان داده اند - جناب سفیر ایران و جناب کونت دنجی ایلیچی بزرگ دولت اوستریا و جناب سفیر اسپانیا مشار الیه را در واپور ملاقات و مشابهت نموده اند - جناب مشار الیه از راه برندی ری عازم انگلستان شده اند -

کاغذ از بغداد

از بغداد کاغذی شکایت امیر از کردارها و اوضاع و اطوار نابین در رئیس تجارت بغداد نوشته که از آنجمله اشعار میکند که جناب دولتمآب عبد الرحمن پاشا (دو باره بوالیکری اینجا منصوب شده اند) در وایلیگری سابق خودشان بر حسب شکایت حسابی تجار مراتب را بیابالی اظهار کرده عزل رئیس محکمه تجارت که نامش عبدالرحمن چلبی است مقرر شده بود - مع ذلك بهر اسبابی که منوط بوده است در ثانی باز در اسلامبول راهی پیدا کرده کار خود را پیش برد و سالها است در بغداد همین طورها ریاست محکمه را بکمال آزادی و استبداد راه میبرد در حالیکه زبان رسمی دولت را نمیداند و مشاوران او هر گونه نسبتهای نا کوار در حق او و خانواده اش داده میشود و عجب این است که بجز دو نفر از منسوبان خود هم اعضا ندارد صاحب کاغذ بنامت مینویسد که از هر ملتی در خدمات دولت و حکومت هستند مگر از طایفه شیعیه و امامی که یک نفر هم در دوائر حکومت مستخدم نیست و در مجلس تجارت هم اعضا ندارند - مع ذلك مردمان نزدیک و محرم کارها خاصه در نزد رئیس تجارت بودیهای بغدادند -

و این نه با اسلامیت راست می آید و نه بقاعده مساوات و نمی دانیم تا کی ما ملت های اسلام غافل از صلاح اندیشی در کار خودمان خواهیم بود و عاقبت و پایان را ملاحظه نه خواهیم کرد معنی (ولا تركزوا الى الذين ظلموا) را اطاعت خواهیم نمود - بالجملة صاحب کاغذ درین فقرات عمده مقصودش شکایت از رئیس تجارت بود و خواهش داشت کاغذ او را بتفصیل در اینجا بنویسیم ولی چون عری است و ترجمه آن هم بآن لطافت نمی شد که ایشان می خواهند و باره ملاحظات هم

در ضمن بود. و آنکسی در صورتیکه مثل جناب عبد الرحمن پاشا کسی که بصیرت تمام بنا باظهار صاحب کاغذ باحوال آن رئیس تجارت داشته و خود طالب عزل او بوده است و الآن والی بغداد است و باره ملاحظات که آنوقت بود حال از میان برداشته شده است امید واری تمام توان داشت که رئیس مومی الیها اگر حقیقه مقتضی است تغییر میدهند و آنچه لازم است بیامالی و نظارت جلیله عدلیه می نویسد گذشته از اینها زمانهای استبداد گذشت حال عصر آزادی است یعنی زمانی است که اهالی مامور بمحفظ حقوق خودشان و حقوق هموطنان خودشان هستند در محبوسه بغداد رئیس محکمه که برای دادگتری گذاشته شد است پیداد را از حد بیرون نماند تا بکنند خیلی نقل است. باوصف این تفصیل در هر سال صفحات جریده ما بکمال بی غرضی و حق گوئی حاضر است آنچه از روی ماخذ درست در نیک خواهی ندگان خدا و تبه وزیرستان پادشاه عدالت کسرت بنویسد بینه درج نمائیم بعلمت اینکه تکلیف و وظیفه جز این نیست.

تفصیل حادثه مصر

از جریده (مصر) منطبق در بلده اسکندریه خلاصه ترجمه می شود. روز شنبه ۲۶ صفر خبر تلگرافی با اسکندریه رسید که ججی از صاحب منصبان نظامی بسرای وزارت مالیه حله رده اند و این خبر منتشر شده اراجیف هم داخل کار و باعث تشویش و اضطراب مردم گردید. آنگاه تلگرافی دیگر رسید که صاحب منصبان نظامی که از خدمت معاف شده بودند بسرای مالیه حله رده مقرریهای خودشان را خواستند و تعرض و بدزبانها از بابت کم کردن عساکر و خانه نشین ساختن آنان نمودند بعد از آن لشکریان آمده صاحب منصبان را برآکنده و ججی از آنان را گرفتار کردند. از این تلگرام هم مردم را اسباب آگاهی از حقیقت حال بدست نیامد. تا آنکه فردای آنروز تفصیل مطلب معلوم شد و دور نیست که مقرون بصحت باشد اگر چه خالی از اختلاف و قضا هم نیست. بنا بر این آنچه روزنامههای فرنگی اسکندریه و اخبار نویس مصر نوشته اند نگاشته می شود. که بقدر دویست و یروایتی چهارصد نفر من و این لشکری

که مقرری ده ماهه آنان در نزد حکومت بناخیر اقتضای بوده است دیروز (که ۲۶ صفر است) وقت ظهر در شارع (قصرانیل) جلو کانسکه جناب نو بار پاشا و (سیور بفریس و بلسون) را که برای حضور در مجلس وزرا می رفتند گرفته و ایشانرا بوعید و تهدید ناچار کرده اند بر اینکه بسرای مالیه برگردند کانسکه جی نو بار پاشا اینستاده کی کرده سراورا زخم زده اند و اطراف کانسکه را گرفته همانطور ایشانرا بسرای مالیه پس برده اند و راه سرای را گرفته نگذاشته اند حرکت کنند ساعنی نگذاشته جناب مستطاب خدیو مصر و جنرال کونسلهای انگلیس و فرانسه و ایتالی و وزرا و رؤسای مامورین بجای معرکه آمده اند و استقبال و احترام در حق ایشان بعمل آورده شده خدیو مشار الیه از ابوان مشرف بر آن صاحب منصبان شورش شده خطاب نموده اند که مقرریهای شما برودی داده می شود. و چون جناب خدیو خواسته اند برگردند صاحب منصبان مانع آمده آنگاه از روی سرای فوجی از قراولان خدیوی وارد و چاره منحصر شده است که باینترفنگ با آنان حله نمایند. صاحب منصبان شمشیرهای خود شانرا کشیده قراولان نیز تفنگها را با آنان خالی کرده اند و آنان را آکنده شده و بسیاری گرفتار آمده اند. در این اثنا از جناب خدیو اقدامی ظاهر شده که لائق اعتبار و اعتنا بوده است. پس از رفع این اغتشاش پیاده تشریف برده و جنرال کونسلهای هم همراه ایشان رفته اند. بعد در سرای (عابدین) مجلسی منعقد شده کونسلهای دول مقابله هم حضور داشته اند. و در خانگی وزرا برای احتیاط قراولهای عسکری گذاشتند و آرامی و امنیت حاصل شد است.

صاحب جریده (مصر) این فقرات را نقل کرده از قول اخبار نویس خود تفصیلی می نویسد که مآل آن نیز نزدیک براتب مذکور است و در ذیل این اخبار تلگرام استغای نو بار پاشا وزیر خارجه مصر و قبول شدن استغای او را نوشته میگوید تلگرام شرکتی بنا این خبر را داد که جناب خدیو استغای نو بار پاشا پذیرفتند و نزدیک بشام خبرهایی بصرفه خانه اسکندریه رسید که باعث اضطراب و وحشت بود که آنرا بجمله گفتند صاحب منصبان از حکومت رهایی زندانیان را می خواهند و اصرار هم می کنند. ولی دوز نیست این خبر صحیح باشد یا آنکه از جعلیات نویس

و صرفی برای اغراض منافع مالیه بوده باشد.

جریده (مصر) خبر میدهد از تعطیل جریده (الاهرام) که بموجب قرار و اختصار اداره مطبوعات پانزده روزه بسته شده است. در آن ذیل می نویسد خیلی افسوسمند هستیم که علت بسته شدن این روزنامه برای حجت وطنیه نبوده بل بجهت این بوده است که نواب و وکلای ملت مصر را سرزنش کرده و برخلاف شان ایشان سخن گفته است.

اخبارنامه (ریفورم) منطبقه در مصر می نویسد. شاید امر صادر شده است تعطیل دو جریده وطنیه که (الوطن) و (الجاره) اند و علت آن حجت و سخت نویسی در اعتراض با اداره تازه بوده است. افسوسمند هستیم که حکومت برای بستن آنها این وسیله را بدست گرفته است حال آنکه هیچ منفعتی از این تعطیل بحکومت حاصل نیست بل برای آن دو جریده سودمند تواند بود و باعث فزایش میل و اقبال مردم بمطالعه آنها خواهد شد و بیشتر رواج خواهند گرفت تا اینکه سخن خود را پایان آورده است بد کر آیت کریمه (وعسی ان تکره را الایه)

علیاً حضرت و بکنور یا ملکه انگلستان سیاحتی بطرف المان و ایتال در نظر داشته اند که در بیستم مارس فرنگی (۲۷ ربیع الاول) از لندن به (تورین) و از آنجا به (وندیک) بعد به (دارمشاد) عزیمت خواهند فرمود. (وقت)

خارجیه

چراغ گاز طهران

اوقاتی که املا حضرت پادشاه ایران در سیاحت دبی بار بس تشریف فرما شدند از جمله کارهایی که برای آبادی و رونق ملک ایران مقرر فرموده اند. روشنائی کوچههای شهر با نخت آن شهر بار معظّم بوده است اینروزها آگاهی حاصل گردید که برای اجرای اینکار فرزانانه نوشته شده می بود و اتالیق

فرانسه که از شاه پراهل این صنعت است جراحیهای کازی شهر پترسبورگ را هم او راه انداخته و اثرها در اروپا دارد اجبر کردند که انهران رفته اسباب روشنائی کوچها و پنجهها و خانهای شهر را را بپندازد . موی آلبه بدر هنتسار صندوق از آلات واسباب و اجزا از راه بندر آبی تم فرستاده خود همراه عیال هفت گذشته باسلامبول آمد در روز سه شنبه با شتر او پور فرانسه هازم ایران شده است یکصد و هفتاد صندوق نیز آنجا اسباب را همراه داشته است . از قرار که معلوم می شود در آنجا زمانی این کار راه خواهد افتاد و شهر انهران که پنجاه سال پیش مانند یک ده بزرگی بود و حال لاف همسری بشهرهای بسیار مزین و فستق دنیا میزند و آرایش تمام از روشنائی باشد . سرای همایون پادشاهی و دوآبایی که مربوط امرای سلطنت است جراحیهای اکثرینی که تازه اختراع شده و روشنائی آن مانند روشنائی آفتاب است روشن خواهد بود و از این جهت بسیار خوشحالی و امتنان برای ملت و مدنیات خودمان حاصل است . یک حسن دیگر که این است که چون آرایش و رونق سودمند در پای تخت راه افتاد کم کم در شهرهای بزرگ ایران مثل اصفهان و تبریز و شیراز و دیگر بلاد نیز راه می افتد این قسم کارها اشکاش همان در آغاز است هیکه دیده شد و معلوم کردید منافع آن چیست هیچ اشکالی نداشته است با نضع مردم میل زیاد کردن آن میکنند چنانکه تلگراف را از اول نمی دانستند چیست نقل پوست در ایران خیلی بی نظم بود و کسی تصور نمی توانست بکند اینطور منظم بشود حال می بیند بانک افغانی بکجا رسیده و چه قدر بهتر شده است از ایقرار باید قبلی کرد همه کارها را پس هر گاه راه آهی ساخته شود آنوقت پیدا شد منافع راه آهن چیست شهرهای دیوان اعلیائی کار نمی مانند سهل است دیوان اعلی و بزرگان مملکت باید چند مقابل آنچه دارند شتر و قاطر از ممالک دیگر خواهند تا آنکه محمولات و منقولات راه آهن را از ممالک دور و نزدیک برسانند و جب بویب ایران گلستان بشود رعیت پراکنده ایران جمع شوند و مان را همور سازند . اقوام وحشیه اطراف راه شهری و تمدن نمایند همین است ماخذ کارهایی که باید باقتضای زمان کرده شود و هر قدر اهمال بکنیم بیشتر باعث بشیانی خودمان خواهد بود .

✦ ورقه از طهران ✦

کاغذی از طهران با مضای (سه نفر از مشترکین اختر) مورخ دهم ماه صفر بنام اداره رضید . از جمله مندرجاتش نخست تعداد خدمات اهل آذربایجان از عهد شاهنشاه معفور قهملی شاه بود نحال و اختصاصی که از میان تمامی اهل ایران از جهت تربیت و محبتی مخصوص نایب السلطنه مرحوم بخانرا از اینجهه او را بمنزله پدر و مالک رقاب حقیقی خودشان می دانند پس تفصیل جان و مال فدا کردن خودشان در اغور دولت و مع ذلك مظهر التفات نرسن در این سالهای آخر از جانب اعلا حضرت پادشاهی در بعض مواقع و اغفال بعض بزرگان واقفان سده سنیه جلالتا در موادی که متعلق بمصالح مهمه آذربایجان است و نبودن کسی از اهل آذربایجان در سر شغلهای عمده و بزرگ دیوانی و مانند اینها که در این ذیل بشخصیات گذشته یکی را مدح و دیگری ذم و مبنای بیانات را با آزادی و خیر خواهی دولت و ملت قرار داده خواهش کرده اند که کاغذ مذکور در این جریده درج شود . چون در کاغذ مذکور تعداد و تفصیل چندکسای مرحوم نایب السلطنه شده است و جای نفسانیم ای آذربایجان که از آنجمله جگ تو براقی قلعه است و نوشق این قسم چیزها که یاد آور و بجز بروت و نقار در میان دولت و دولت اسلام تواند بود خارج از سبک و سلیقه ما است و از آنطرف شخصیات را خوش نداریم تعرض بشود که چه اصل مطلب را روی هم رفته ناشی از خبر خواهی اهل آذربایجان نوشته اند و مع ذلك صاحبان امضا نامه های کرامی خودشان را نوشته و خود را با آشکاری معرفی نموده اند در اینصورت اگر آن نامه را در اینجا نویسیم معذوریم ولی بکلیه مطالب آن کاغذ اشارتی و در این ذیل امتنان خود را از مشترکین کرامی این جریده عرض میکنیم که مردم هوشمند ایران بار نکات و دقائق را ملتفت شده و زبان اخبار نامه را دانسته اند و اقبال کرده اند بمساله صحایف اخبار که آگاه کننده دلهای اهل است و معرفی مدنی و یاد آور از فضایل انسانی که نوع بشر را هست بدین واسطه ترقی مقامات عالی را طالب باشند و بتدریج اصلاح معایب و انعام نواقص در اجرای کارهای رانده گانی ممکن گردد هر گاه حال چهار نفری یک مطلب را می گویند و می نویسند آنهم با احتیاط آنوقت

با کثرت هفتان حق را آشکارا گویند و بکوش ولی نعمت و سایه برتان که جز رعایت رعیت را منظور ندارند برسانند و فرصت برده کشمادرمیان نماند اشتباهکاری ممکن نشود . الحاصل از نقل این کاغذ در جریده بهین ملاحظات و مسودمند نبودن آن عجلاله صرف نظر کردم ولی میتوانیم بیک وسیله دیگر مواد آنرا بنظر دفت اربابای امور محض خیرخواهر و خلوص نیت عرض کنیم .

✦ اهالی روس و حالات آنان ✦

در اخبار نامه های هندوستان فصلی در این مطلب نوشته شده است که ما ترجمه آنرا بعبارت اخبار نامه کرامی (مفرح القلوب) بدون تعرض ببحر و تعطیل مطالب آن در اینجا عینا نقل میکنیم .

صاحب مهم پرنس آف ویلس کرت رأی خود را در باب حالات تهذیب و شایستگی قوم روس و نظم و نسق کورننت که در اخبار نامه خود شری فرموده است بنده وقایع نکار آرا بزور فارسی آراسته بجلوه ظهوری آورد . قبل از آنکه به نسبت این امر رأی خود ظاهر کرده آید که آیا بکتوم و مناک از سلطنت یا حکومت دیگر قوم مستفید خواهد شد یا نه ؟ از جمله ضروریات است که بر اصلی حالت آن قوم نظر کرده شود که بچه درجه ترقی علم و تهذیب و افعال حیده و خصالات پسندیده خود کرده است و اصول سلطنت چگونه دارد و ضرورت ترقی در امور و مرآتیی که در آن موجودی قوم محکوم مضمر باشد . زیرا انتظام و عهد و دولت او ممکن است یا نه ؟ پس ضرور شد که اصل کیفیت قوم روس بخمال تعلیم و تهذیب اصول سلطنت و سیادت مدن صناعی و تجارت دریافت کرده شود .

نسبت کیفیت ترقی علم پیدا است که تا الیوم روس در حالت ابتری است و از حکمای نامدار کسی نیست که ممکن او ملک روس باشد یا توالتشامل او به شخص روسی نسبت داشته باشد . در مقالات فلاسفه یاقن طبابت گاهی یافت نشده است که شخصی روسی شهرت داشته باشد و در ایجاد کدام آلت غریب اینچنین گاهی روس جرات نکرده که یورپ در اجرای آن مشکور باشد . شکی نیست که چند رؤسای ملک روس مثل پرنس کورچیکوف

و جزال اکتایف و کونت شو و الوف و غیره نهایت
 تعلیم یافته هستند مگر این کسان اکثر در فرانسه
 و جرمنی تعلیم یافته اند این قسم رؤسا معدودی
 پیش نیستند و متصور نمیتواند شد که بذریعہ چند
 اشخاص تعلیم یافته بکفوم تہذیب و تعلیم باید .
 جای تعجب است در حالتیکہ ملک روسی اینقدر در
 دریای جهالت مستغرق است هیچ سعی و کوشش
 از جانب کورننت در باب اشاعت علوم و فنون رخ
 نمی نماید و چہ آنست کہ سلطنت روس نوعی
 است و تخم آزادی در این سلطنت بالکل مفقود
 است و مدار اینقسم سلطنت محض بر جہانت و بیعتی
 رعایا میباشد چون رعایای روس تعلیم یابند و حقوق
 بفہم درآرد امکان دارد کہ خواہش طبیعی آنان
 جہت تحصیل آزادی پیدا خواہد شد در محدود
 کردن اختیارات پادشاہ مابقی خواہند شد .
 بناء علیہ اینقسم سلطنت پادشاہ را بر آن میدارد کہ
 کوشش ترقی علوم و فنون در رعایا هرگز نکند .
 اکثر سبحان در سفر نامہهای خود این امر را بہ
 تعجب نگاشته اند کہ در کارخانجات ملک ہنرم
 و افسر اعلی بظرورت از ملک غیر مقرر کردہ
 شدہ است زیرا کہ اینچنین شخص روسی کہ در فنون
 ساخت آلات کارخانجات کا حقمہ مهارت کلی
 داشته باشد در ملک روس دستیاب نیست و نہ کسی در
 این فنون دسترس دارد . لهذا اکثر تجار روس واقوام

دیگر آنک در کارخانجات خود افسر اعلی
 انگریز یا فرانسوی یا جرمن مقرر میکنند و دیگر
 این امر غور طلب است (غورسی میخواہد) کہ
 اصول سلطنت نسبت خاص باشند کان روس چیست
 و سلوک کورننت نسبت دیگر اقوام مفتوحہ چگونه
 قرار گرفته است ماقبل از این ذکر کردہ ام کہ
 سلطنت نوعی است مگر در سلطنت های نوعی نیز
 سلطنت روس را سبقت حاصل است هر قدر نظام
 و تمدنی از جانب حکام نسبت برعکس عمل می آید
 در وہم و خیال پادشاہ ایشان نیامدہ باشد . کیفیت
 انتظام روس این است یک مجلس یا فرقه نیست کہ
 بحسب بند رعایا جہت نظام و نسق منتخب شدہ
 باشد هر چہ پادشاہ بذات خود بالکل مختار است
 هر قانونی کہ خواہد اجرا بدهد و هر قانونی کہ
 خواہد منسوخ کند فی الواقع مالک کل جان و مال
 رعایا پادشاہ است کسی بر فعل پادشاہ و وزرای او
 معترض شدن نمیتواند و نام آزادی بدین درجہ
 مفقود است کہ در معاملات بولینگان (بولینگی)
 کسی رأی خود بخلاف اقوال یا آراء حکام وقت
 ظاهر کردن نمی تواند اگر کسی رأی خود ظاہر
 کند فوراً در جانب سلطنتی گرفتار آید نتیجتاً آن
 سخت بدندہ و رسید . لاریب قانون و عدالت در
 روس مقرر است اما فرق میان روس و دیگر
 سلطنتهای شایستہ یورپ آنست کہ سایر قوانین

و متولہ های عدالت روس مبنی بر خوشی و مرضی
 پادشاہ میباشد .

اخبار ذیل نیز در مفرح القلوب دیده شدہ کہ
 بعضی را ہم از اخبار نامہ های دیگر نقل کردہ
 است .

در اقوام اقوام افانہ است کہ چینیان صاحبزادہ
 بعقوب یک امیر کاشغر مرحوم کہ در قید شان
 بود بقتل رسانیدند کوزر چمران بدخشان از دست
 پسران مقتول شدہ است .

فوج انگریزی بمقام جلال آباد از شیخون را
 هر نان جلال آباد جانان بلب رسیده است .

در سال گذشتہ در ظرف مدت ہشت ماہ معادل
 قیمت ۲۶ کروڑ روپی (کروڑ باصطلاح
 ہندوستان ۲۰ میلیون است و یک کروڑ روپی
 تقریباً دو میلیون تیراں شماری است کہ بدین حساب
 ادخالات ہندوستان از تاجراج پنجاب و دو میلیون تیرا
 می شود و اخراجات ہفتاد و شش میلیون تیرا و از این

میرزا رستم بن عمر شیخ در ہشتصد و شش
 در اصفہان بمرد .

میرزا بابا کار محمد بن سلطان محمد بن بابینگر
 در ہشتصد و ہفتاد و پنج در ہرات بدست سلطان
 حسین باغرا کشته شد .

میرزا عمر بن میرانشاہ سہ سال در حکومت
 انار بپہچان استقلال داشتہ .

میرزا ابابکر بن میرانشاہ بن امیر تیمور مدنی
 در افر بپہچان کروفری داشتہ .

سلطان حسین میرزا ابن میرزا منصور بن
 باغرا از اولاد عمر شیخ بن امیر تیمور سی و ہشت سال
 در ہشتصد و شصت و سہ بعد از میرزا ابوسعد
 خان در ہرات جلوس کردہ بسلطنت رسید در

نہصد و یازدہ در موضع بابا الہی در درگذشت
 امیر علیشیر کہ از اجلہ وزراء و مردی بزرگ بودہ
 و شرحها در اوصاف او نگاشته اند وزیر ساہان
 حسین میرزا بودہ است .

بدیع زمان میرزا ابن سلطان حسین میرزا
 در نہصد سبزہ بد خدمت شاہ اسمعیل صفوی
 پیوستہ و در تیر ہفت سال زند در نہصد و بیست
 با سلطان سلیم خان باسلامبول رفتہ ہمیشہ ملاحظون
 درگذشت و این سلسلہ منقرض شدند .

در بعضی تواریخ چنین نگاشته اند کہ بدیع الزمان
 میرزا با پدر محاربات داشتہ توفیقی کہ محمد خان
 سیستانی را بت استعمال فرار داشت آنوقت پدر و پسر
 باہم متفق شدہ بدفع او عزم نمودند ولی قبل از
 محارہ باباشیانیان سلطان حسین درگذشت و بعد

از او بدیع الزمان و مظفر حسین متفقاً کمرانی
 جلوس نمودند و با محمد خان شیانی رزم کردند
 و محمد خان مظفر را فہد مظفر حسین باسزادہ رفتہ
 در آنجا درگذشت و بدیع الزمان بوضعی کہ ذکر
 شد در اسلامبول انتقال نمود و حضرت استاد
 امیر اشعرا عبد تیموریان را بیست و دو نفر بہ دست
 مکان را صد و پنجاہ سال نوشته اند .

تاریخ انار بپہچان فر فرہنگ و چهار نفر بودند
 در شصت و سہ سال .

چون انطایفہ بازلنگابان انساب داشتہ اند
 با امیر تیمور کورکان مخالفت نمودند .

اول امیر قرا بوسن بن قرا محمد بن جام
 خواجہ در ہشتصد و چہارادہ بود در ہرات

فرار منافع ملکیه معین می شود که چه قدر است (از مالک غیر مال و اشیاء و امنه در هندوستان آمده و از هند معادل ۳۸ کرور روپی بلذکهای غیر رفته است .

از راپورت جنرال بدلف صاحب معلوم شد که جنرال موصوف دره کوچک را بنصرف آورد و کسی هم بمقابله پیش نیامده در درستی سرتک آنجا مشغول شدند یقین است که در اندک روز سرتک به آسانی درست خواهد شد .

می گویند سلمان و رسد بسیار از طرف دولت روس به امیر کابل رسیده است .

در ضمن کاغذهای تبریز نوشته اند در اواسط ماه صفر چند نفر از او باش در دل شب بخانه حاجی میر سلیم نامی که سراغ پول در نزد او داشته اند داخل شده مبلغی از او خواسته اند صاحب خانه موجودی نداشته بمندر خواهی و عجز سوگندی می کند که وجه نقدی در خانه ندارم فردا شب بیا شب دیگر بیا باید بد هم دزدان پذیرفته اصرار کرده اند در آن اثنا فرزند بیست ساله موی الهه میگوید

تجور شهرم شده بروم رفته بعد از امیر تجور بیا نصد سوار همزیمت اذربایجان کرد و از حد مصر تا کنار فرات در صد و هشتاد مکان با کو توالان قلاح محاربه کرده در اغلب ظفر یافت و دیار بکر و اخلاط را غارت کرد و با میرزا ابو بکر ابن میرانشاه بن امیر تجور محاربه کرده غالب شد و در هشتصد و نه تبریز را تصرف آورد و اذربایجان و شیروان و کرستان و قزوین و سلطانیه و طارم را مطیع کرد و میرزا شاهرخ بن تجور را بدو بست هزار سوار از هرات سلطانیه رسید و در کال خوف قصد محاربه با او کرد ولی در منزل او جان بی مقدمه مرض قرا یوسف ببرد و اردوی او را ترکن غارت کردند حکمرانیش چهارده سال در هشتصد شازده در گذشت .

دوم امیر اسکندر بن قرا یوسف شازده سال

من دو نفر از اینها را شناختم چون این سخن را شنیده آن جوان را بقتل رسانیده و از پدر جوای نقد شده التماس کرده است که هر چه ائثار البیت هست ببرد و دست از من بردارد قبول نکرده تا آنکه کار او را هم بزنجهای کاری ساخته اند .

چون بماصله یکروز این خبر را اخبار نویس مانوشته است و ممکن نشده است تهیه واقعه و تفصیل و اختصار آن را بنویسند ما هم بمینقدر اکتفا کردیم در هر حال حکومت چاره این کارها را البته خواهد کرد و موافق وضعی که در آنجا هست خیلی آسان است اینگونه اشخاصرا که مایه وحشت و ناامنی مردم و بدنامی حکومت هم می شوند بدست آورده رفع اینی حالات نا کوار را نمایند آنچه در تالی معلوم شود خواهیم نوشت .

اعلان

عالیجاه عزت همراه میرزا عباس دکتز مشهور مشهور ایرانی که در معالجه اقسام ناخوشیهای

حکام و امرای کردستان و اخلاط را طیب و مطیع و در اذربایجان حکومت داشت .

سیر میرزا جهانشاه ترکان بیست سال با استقلال و جلال پادشاهی کرد بدست حسن بیک آق قویونلو کشته شد .

چهارم حسنعلی ابن میرزا جهانشاه در نزدیکی اذربایجان از حسن بیک شکست خورده آخر الامر در محاربه دیگر با حسن بیک در همدان اسیر شده خود را بکشت سلطنتش دو سال در هشتصد و هفتاد و سه در گذشت اینطایفه منقرض شدند .

تراکه آق قویونلو نه نفر بوده اند مدت ملکشان تقریباً بیست و دو سال

اول حسن بیک بیست و یکسال و بنو

چشم مهارت تمام دارد و از جانب دولت علیه ایران و دولت بیه روس شهادتنامه های فوق العاده دارد و حامل نشانهای متعدد از آن دو دولت است و سالهای دراز در پرتسبورگ و مسکونیز اجرای علم و صنعت کرده و نام و شهرت خود را بدرجه بلند رسانیده است و شهادت نامه های بسیار از بزرگان و شاعران کاکان عظام و کسائیکه مهارت موی الهه را برای العین مشاهده کرده اند دارد اکنون به نیت عزیمت بزیارت مکه معظمه و مدینه منوره بدر سعادت آمده است لهذا اعلان میشود کسائیکه محتاج معالجه امراض چشم باشند بمعالیجاه موی الهه مراجعت کنند . منزل موی الهه در نشانی هتیک در جاده موصلی که مصلی گفته میشود در زقاق شیخوس شماره (۱۵) است همه روزه تا ساعت نه در خانه مذکور موی الهه را میتوان دید .

مطالع

دوازده سال و پروایی پانزده سال پادشاهی نمود در عراق و فارس و کرمان و ایران و مغان و اذربایجان با استقلال تمام حکمرانی داشت دانا و مهربان بود مساجد و مدارس و پلها ساخت برد و پادشاه بزرگ غلبه کرد سلطان سعید و میرزا جهانشاه باصفوی به دوستی داشت و با ایشان وصلت نمود در اذربایجان در هشتصد و هشتاد و دو در گذشت اینطایفه خود را از نسل جوچی خان بن چنگیز خان دانند .

دوم سلطان خلیل بن حسن بیک ششماه حکمرانی کرده دیار بکر را بپیرادر خود بشعوب بیک داد بشعوب بیک با او سرکشی نمود و با اذربایجان آمد سلطان خلیل با او جنگ کرده شکست خورده کشته شد .

(باقی دارد)



مطالعہ وادارہ خانہ اختر ✦
 در راسته باعالم است عمره ✦ ۲۵ ✦
 در کارهای متعلق بداره به آقا محمد طاهر
 رجوع میشود .
 اسامی وکلای کرام در ممالک دور و نزدیک
 گاهی در صفحه آخر بنکاشته خواهد شد .
 روز چهارشنبه ۳ ربیع الثانی سنه ۱۲۹۶
 ۱۴ مارت ۱۲۹۵ و ۲۶ مارس ۱۸۷۹

تعارفہ بدلات سالیانہ ✦
 دارالسعاده اسلامبول ۰۳ بجیدی سیم
 دیگر ممالک محروسه عثمانیه ۷۵ قروش صاع
 ممالک محروسه ایران ۲۵ قران
 ممالک هندوستان و بنادر ۱۵ روپی نقره
 ممالک روس و قفقاز ۱۵ روبل کاغذی
 ممالک اروپا ۲۵ فرانک
 اجرت پوست همه جا مسموده اداره است .

✦ این نامه از هر گونه وقایع و اخبار و از سیاست و پولیتیک و علم و ادب و دیگر منافع عامه سخن خواهد گفت . هفته یکبار طبع می شود . اوراق ✦
 ✦ و نوشته های سودمند را بامتان می پذیرد . در نوشته های کاغذهایی که از خارج میرسد اداره آزاد است . کاغذی را که نوشته نمی شود ✦
 ✦ صاحبش نباید استرداد بکند . کاغذهایی که پول پوست ندارد قبول نخواهد شد . ✦

✦ مطالب مخصوصه ✦

ایمروزها که ایام عید نوروز فروراست
 و اعضای دارالانشای اختر تعطیل دارند این
 نشخرا در چهار صفحه را اخبار و وقایع ۶۴
 مختصر می سازیم .

موافق اعلان مخصوص که در آغاز سال عربی
 کرده شد آنکه از حضرات مشترکین و چه سالیان را
 بداره یا بکلای اداره رسانده و مستقیما هم رجوع
 بمرکز اداره نکرده اند این - نشخرا آخری نسخه
 خواهند دانست که برای ایشان فرستاده میشود .
 و بعد از این بر حسب قرار داد از ابفاد اخبار نامه
 خدمت ایشان اداره معذور است . هرگاه در تانی
 بواسطه وکلای با بلا واسطه طالب بوده باشند
 بقاعده مقرر خواهان بودن خودشانرا بمنالعه
 آن اطلاع بدهند بقرار پیش خدمت ایشان
 ارسال خواهد کردید . وکلایی که در اطراف
 داریم اگر چه بعضی صورت حساب بنفصیل
 نوشته اند و تقاضا بدلات را تماما نفرستاده اند
 لکن چون نوعی اطمینان داریم که بزودی تمام
 حساب را با وجه تقاضا خواهند رسانید لهذا
 عجله در وکالت پیش برقرارند . مگر وکیل
 بی بی که طالبیناب حاجی عبدالوهاب صاحب
 هستند و ایشان از قرار یکم معلوم می شود مشغله
 و رجوعات زیاد دارند و نمی توانند رسیده کی باین
 کار نمایند سهل است جعی از مشترکین آنصفت
 با اطلاع داده اند که ما و چه سالیان اخبار نامه را با اینجاب
 موی ایبه داده ایم حال آنکه از جانب صاحب
 موی ایبه تا حال نه تخریرات رسیده و نه وجوه

اخبار نامه را فرستاده اند و حساب هم معلوم نشده
 است بنابرین عجله حضرات مشترکین بی بی را
 زجت میدهم که هر کس تقاضای از بابت این
 جریده موی ایبه داده است بر ما ملوم نماید
 و هرگاه تقاضای از بابت امسال داده اند آگاهی
 بدهند که باز تا آخر مدت بقدر یکم وجه آنرا داده
 اند ارسال خواهیم کرد و بعد از این را هر کس
 طالب باشد بی واسطه بداره اینجا خبر داده خواهند
 و بدلات را بانگنوت انگلیس بفرستند که مال
 هندوستان در اینجا ضرر میشود .

از حضرات وکلای محترم خواهش داریم که
 صورت حسابها را با وجوهات تاسه ماه دیگر
 بداره برسانند .

بغیر از وکلایی که در نسخه آینه نوشته
 خواهد شد کسی حق مداخله بامر این جریده
 نخواهد داشت .

بجز اشخاصی که بطور مستنا اخبار نامه
 حضور ایشان تقدیم می شود و کلا با حدی نباید
 اخبار نامه بدهند مگر آنکه بدلات سالیانه را پیشکی
 بکنند والا ابفای آنچه لاوصول بماند در عهده
 خودشان خواهد بود .

تکرارها

✦ پاریس ۲۵ ربیع الاول ✦ خبرهای

که در خصوص کناره جوی کردن مسیو وادینگتون
 از ریاست وزیر و وقوع باره بدلات ذر هینت و کلا
 شایع شده بود بطور قطعی تکذیب کرده شد .

✦ ویر ۲۵ ربیع الاول ✦ حکومت از
 مجلس مبعوثان رخصت خواسته است که مالیات
 و بده دیوانی تمامه او ریل گرفته شده و بجهت
 بر کردن جانی بودجه (میزان دخل و خرج)
 سال ۱۲۹۹ صد میلیون فلورین استغراض
 کرده شود .

✦ برلین ۲۶ ربیع الاول ✦ اعلای حضرت
 امپراتور در روز مخصوص خود شان تبریک کنند
 کان را بحضور خودشان با ملاقات خواهند داد

✦ روم ۲۶ ربیع الاول ✦ (مسیو دبره
 تیس) رئیس وزرا در مجلس مبعوثان اظهار کرده
 است که هر چند امر تشبیهات دولت ایتالی
 در باب حفظ منافع صاحبان اسناد عثمانی اکنون
 معوق است ولی دولت ایتالی برای حصول این
 مقصد بطور لازم رفتار خواهد کرد .

✦ کونیه ۲۶ (پای تخت فلک)
 ربیع الاول ✦ در جوابی که دولت المان بدولت
 فلک داده است اظهار شده است که بموجب
 معاهده آخری که بادولت اوستریا بسته است
 مسئله (شلزویک) جزوی را تمام شده خواهد
 انکاشت .

✦ اتن ۲۶ ربیع الاول ✦ کومیسرهای
 عثمانی و یونان دیروز صبحی در پرویزه اجتماع

کردند . مرخصان عثمانی خواستند برخلاف مضبوطه سیزدهم کونکره برلین خط تصحیح حدود معین کرده شود مرخصین یونان خط مذکور را نیز برفته اظهار کردند که هرگونه مذاکرات که در خارج از اساس و مال مضبوطه مذکور باشد بیهوده است زیرا که مآذون نیستیم داخل آنگونه مذاکرات بشویم

✦ پترزبورگ ۲۶ ربیع الاول ✦ در میان انگلیس و روس در باب حل و انجام مسئله شرق حصول ابتلاف افکاری محتمل نظر میآید . بنسبت این موافقت افکار عجمانه بطوریکه اخلاص در عهدنامه برلین نماید رفاه حال عیسویان روم ایلی شرقی را خاطر جمعی داده امارت بلغارستان را نیز منظور داشته اند که در آینده بیشتر از این مختاریت اداره داده بشود .

✦ پترزبورگ ۲۷ ربیع الاول ✦ از جانب پرنس کورچا کوف تحریراتی بتاریخ هشتم شباط (۱۶ صفر) منشر کرده شده است که مآل تحریرات مذکور از این قرار است .

اگرچه در اساس تحریرات (مازکی دوسالسیری) مورخه ۲۶ کانون ثانی (۳ صفر) در باب اجرای احکام عهدنامه برلین چیزی مخالف افکار روس نبوده است ولی در خصوص اجرا و شرح و تفسیر معاهده مذکوره وقوع مباحثات افکار محتمل است .

مأمورین روس منافع عیسویانی را که از تبعیت عثمانی خلاصی یافته اند نگاهداری خواهند کرد . اهالی مرفومه از بیرون شدن عساکر روس قانع خواهند شد بر اینکه منافع آنها از جانب اروپا قویا نگاهداری بشود و در این صورت حصول مقصد مذکور آسان خواهد گردید . در باب اجرای احکام عهدنامه برلین بطور حقانیت و مسالمت هر چیزی که دولت انگلیس بخواهد در آن باب از جانب روس نیز معاونت خواهد شد .

✦ قاهره ۲۷ ربیع الاول ✦ جناب مستطاب خدیو مصر در برقراری جناب ریاض پاشا در وزارت داخلیه موافقت فرموده اند .

✦ بلگراد ایضا ✦ (کونت بره) مصیبتگذار

المان اعتمادنامه خود را بمسبو ریستج تقدیم نمود .

✦ جبل الطارق ۲۸ ربیع الاول ✦ چیزی هابی را که از سواحل عثمانی وارد می شود مدت هفت روز کرانفین داده خواهد شد .

✦ لندن ۲۸ ربیع الاول ✦ بنا بر روایت کازت تایس فقره اشغال قشون مختلط اروپا روم ایلی شرقی را بتازه کی بمیان آورده اند (که بعد از بیرون رفتن قشون روس از جانب دواتهای بزرگ در آن ولایت لشکری اقامت بدهند) .

✦ پاریس ۲۸ ربیع الاول ✦ عرض حال بر ضد لایحه (مسیورول فری) وزیر معارف نوشته می شود .

(ارانا ط) نام طایفه متحرک دریا روز چهارشنبه در پیشگاه جزیره های (هیر) خراب شده و چهل نفر نیز غرق شده است .

✦ بکرش ۲۸ ربیع الاول ✦ (مسیو کیفا) و (کوغالچیانو) و (مسیو اورانو) در مجلس اعیان در انجمن انتخابات تکلیف کردند که برای خاطر جمعی دادن با آزادی شخصیه هیئت مدیراتی مرکب از هر گروه تشکیل کرده شود . (مسیو استورجا) از اعضای مدیران بر ضد تکلیف مذکور اعتراض کرده است . در این باب مذاکرات را دوام کرده خواهد شد .

✦ بکرش ۲۹ ربیع الاول ✦ شایعه ظاهر شده است که نفس (موسیو کولا) سرهنگ ایالتی در نهر طونه نزدیک ماچین پیدا شده است .

✦ پترزبورگ ۲۹ ربیع الاول ✦ از جانب دولت روس قرار داده شده است که از شهر باد کوبه تا شهر (کراسنو وودسک) یک خط تلگرافی از زیر دریا کشیده بشود .

✦ پاریس ۲۹ ربیع الاول ✦ در اجتماع امر روزی مجلس معونان تشکیل کونکره را برای تعدیل یک ماده قانون اساسی که در باره بودن شهر (ورسای) محل اجتماع مجلس معونان بود در مقابل یکصد وسی و یک رای با کثرت سیصدوسی رای قرار داده است .

بعد از آن تکلیفی که از جانب (مسیو لشکله) از هواخواهان یونان پارت که در باره تحویل دیون

شده بود در مقابل هفتاد و هفت رای با کثرت سیصد و هجده رای مردود شد . (مسیولینو سایی) وزیر مالیه خطابه خوانده و جایبنداری خود را در محافظه حقوق حکومت در باره تحویل دیون بیان کرده و گفته است که در باب تحویل دیون احتیاط خود را از دست نخواهم داد و همچنین بکمال تأسف میکنم اتهاماتی را که در مسئله تحویل دیون نسبت بمن داده شده است . این خطابه را اعضای دست چپ مجلس معونان بصحبت و آفرینها تلقی کرده اند .

✦ قاهره ۲۹ ربیع الاول ✦ هیئت نظامی در زیر ریاست جناب محمد توفیق پاشا بطور قطعی تشکیل یافت . جناب ریاض پاشا در وزارت داخلیه برقرار مانده وزارت حقانیت را نیز وکالت اداره خواهد کرد .

ذوالفقار پاشا وزارت خارجه معین شده . افلاطون پاشا نیز وزارت جنگ منصوب و سایر وکلا در ماموریت خود شان برقرار هستند .

✦ اتن ۳۰ ربیع الاول ✦ روز پنجشنبه گذشته دولت یونان تذکر اخنامه بدولتهای بزرگ اروپا فرستاده و منقطع شدن مذاکرات حدودیه را بادوات عثمانی بیان کرده است . و علاوه بر این دیروز هم تحریرات عزمیه بسفرای خود که در نزد دولتهای بزرگ هستند فرستاده و ضمنا بیان کرده است که با اعلی امتناع دارد از اینکه در باب حدود یونان پروتوکول (مضبوطه) سیزدهم کونکره برلین اساس گرفته شود و در این باب توسط دواتهای بزرگ را طلب کرده است .

✦ اتن ایضا ✦ سفیر یونان مقیم پاریس در باب استقراض شصت ملیون فرانک بقرض دهندگان بیان کرده است که هرگاه شروط سه گانه اساسیه استقراض مذکور از جانب قرض دهندگان پذیرفته شود از طرف حکومت متبوعه خود مآذون است که مقابله نامه استقراض را امضا نماید . از قراریکه معلوم می شود آنان هم شروط مذکور را خواهند پذیرفت .

سه فروند کشتی زره دار انگلیس از جمله کشتیهایی که در لنگرگاه بشیکه دارد جدا شده بمالرسیده است .

پترسبورگ ایضا **﴿** اعلا حضرت
امپراتور و امپراتریس سیاحت خود شان را که
بلیوادیا در نظر داشتند تا چهاردهم ماه اوریل
فرنگی تاخیر انداخته اند .

قاهره ۳۰ ربیع الاول **﴿** در کاغذی که دهم
ماه مارس از دربارهای انگلیس و فرانسه بجناب
خدو مصر فرستاده شده بود نوشته اند که تا میثاق
جدیده جناب خدیوی پذیرفته شد . ولی مهم
بودن مسئولیتی را که در صورت عدم اجرای
آن جناب خدیوی بعهده گرفته اند و خطرناک
بودن نتیجه آن نیز اظهار کرده شده است .

داخلیت

متصرفی سنجاق قره سی بجناب سعادتآب
عزیز پاشا متصرف سابق طرابلس شام .

متصرفی سنجاقی برات بموده جناب
سعادتآب تیمور پاشا متصرف سابق یروزه .

متصرفی یروزه بجناب سعادتآب صلاح الدین
افندی متصرف سابق درامه توجیه و محمول فرموده
شده است .

روز جمعه گذشته هیئت وکلای فحام در زیر
ریاست جلیله اعلا حضرت پادشاهی عقد
انجمن مشورت نموده و در خصوص مسئله یونان
بارہ مذاکرات را فرموده اند .

(زرجان حقیقت) می نویسد چنانکه
مسموع شد جناب مصطفی پاشا که بیشتر و الیکری
ولایت ارضروم معین شده بودند از ماموریت خود
شان استعفا کرده اند .

از فرار بکه کازن تابع می نویسد از جانب
دولتهای بزرگ با باغالی اظهار شده است که .
گذرگاههای بالکان در دست عساکر عثمانی
خواهد بود هرگاه از جانب بلغارها برای داخل شدن
عساکر عثمانی با آنها مخالفت کرده شود عساکر
عثمانی حق ایضا خواهند داشت که قوه جبری
بکار ببرند و هر نتیجه که در این باب متولد بشود
مسئولیت آن را بجمع بان مامورین روس خواهد
شد که بلغاریان را اشغال کرده اند .

﴿ قاضی - مالیات ﴾

﴿ یونانیک ﴾

اینروزها امر قاضی یعنی کاغذی که از جانب
دولت بجای پول نقد در میان مردم آورده شده
بدلات آن را نفوذ گرفته اند چنان درهم و برایشان
شده که همه را باید حیرانی کرد و در راه دادوستد
بسته شد اصناف و کسبه هم پول کاغذی نتوانستند
قبول کنند . بکلیرای ملادر حوالی هشتصد
ونصد فروش کاغذی قیمت گرفت چند روزنان
که جان مردم بسته بوجود آن است عزت پیدا
کرد و کیاب شد اگر چه در ثانی از جانب حکومت
قراری دادند که بطور سابق تفاوت و ضرر
ناوای را دولت از تبسته خود بدهد در این اثنا
اعلان کرده شد که حکومت بعد ازین در عوض
مالیات و بده دیوانی پول نقره خواهد گرفت
و مجبوریه سیم از فرار بیست فروش و بجزاز رسوم
کرکها که باید پول سفید شود در سایر بده و مالیات
بچیک را پول کاغذی قبول خواهند کرد لکن
چهار کاغذ صدی در عوض یک لیرا و آنچه
باینطورها گرفته بشود در پیشروی چشم
صاحب پول جای مهر کاغذها سوراخ و ابطال
شده بوی خواهند داد . و چون استغراض
توکویل فی المثل سر بکیرد یک دفعه هر چه قاضی
در دست مردم است از فرار چهار صدی یک
اخراج کرده همه را خواهند سوخت .

اینها خلاصه قراردادها و اعلانات و تدابیر
این چند روز است که هر قدر جلو ترقی ایران
خواستند باینطورها بینند بدتر شد آری اینها همه
از تأثیرات بی نظمی و عدم استقرار وضع پولینیک

و مناسبات حقیقیه دولیه است . فقره یونانی بازار
اتریش در کتاکش است مامورین حدود یونان
از یروزه برگشتند . و دولت یونان بدولتهای
اروپا اظهار کرده منتظر جواب است بلغاریان
تا روم ایلی شرقی را با بلغارستان یکی نکرده
حکومت بزرگی در آنجا برپا نکنند آرام نخواهند
شد . اوستریا بجارستان می خواهد جلو خیالات
اسلاویزم را (یعنی اقوامی را که در روم ایلی از
جنس روس هستند) بگیرد . دولتهای دیگر
با آنکه دم از استلزام اجرای تمامی احکام بر این
میرتند اقتضات مقاصد آنان و اختلافی که در
مقاصد اساسیه است مانع از اجرای تمامی احکام
عهد برلین است خصوصا که دولت روس از این
عهد خوشنودی نداشت و دولت انگلیس و اتریش
یعنی اوستریا آشکار نمودند که مایه خواهیم راه
تسلط و استیلای نفوذ روس را از قضاة روم ایلی
کم کنیم و ظاهر هم کرده اند لکن غورچاقوف
استاد تر در کار بیرون آمده آنوقت اشکالی بر این
بیاورد و عهد را تا می توانست نزدیک بمقصد دولت
روس نمود ولی بقیه کار را خواست باقتضات
وقت و تدابیر آینده کند که از آن جمله فقره
تضمینات حرب و خسارت جنگ است که در عهد
خصوصی آخری قرار استیفای آن را هم معین
نمود و معلوم است که دولتی تا امر مالیات و دخل
و خرج و زندگانی داخلی خود را منظم نسازد
و از قروض طلب خواهان بی امان خود راه
خلاصی بخوید بوجهی بکارهای دیگر داخلی
و خارجا نتواند پرداخت . دولت انگلیس در این
میان خواست یک نیکی نماید مسئله استغراض
ولایحه توکویل بیان انداخت که بدین وسیلت
هم انکشت مداخله بکارهای داخلی عثمانی فرو
برد و هم عیالته اسباب انتظام حال مالی و آسایش
مملکت عثمانی را بقدر امکان ترتیب نماید .
که بدین وسیلت بتدریج مداخلات خود را
زیاد کرده در تحصیل مقصد تابع اقتضات وقت
باشد و دولت فرانسه را نیز با خود در این کار
سهیم و شریک نمود و قبول کردند که هر کدام یک
کومیسر و مامور برای اداره کرکها علی الحساب
باسلامبول بفرستند . از اینطرف که دولت روس
مطلب رامیداند مانع از این فقره شد پروتست
نمود با باغالی جواب داد دوباره دولت روس
رد کرد و معلوم است که باید رد نماید به علت آنکه

مقصود منها گرفتن خسارت جنگ نیست بل اصل مکتون خاطر منع انگلیس و فرانسه است از مداخله با بطوریهادر امور ممالک عثمانیه . این است که يك دفعه فقره استقراضی که تزیک بگذشتن بود نکس کرد فیت لیرا باقائه بالارفت عمل داخله بواسطه اغتشاش مدار همیشه عامه مشغوش شد . این است که حال فیت قائم خلی نازل و بی اعتبار است و کسی هم نمیخواهد بکیرد مگر آنکه استقراض دولت سر بکیرد و فراری در ابواب داده آید . و خبر تازه هم که شنیده شد این است که کویا دولت انگلیس و فرانسه میخواهند طوری بکنند که دولت علیه عثمانیه يك فرض بسیار بزرگی از انگلستان و فرانسه بخواند که بدان واسطه همه فرضهای پیش را بر داند و یکی نماید و هم قائم و امثال آنرا باطل سازد و هم فرار ایفای فرض خود بدوات روس را معین کرده از جنگ خسارت جنگ خلاصی جوید و انگلستان و فرانسه هم حاضر نداین بول راید هند لکن بشروطی که میخواهند و از آن جمله است که میخواهند اداره امر مالیات و دسومات خود را و خصوصاً با ایشان باشد و نمیتوان دانست که هرگاه این شروط بسیار ناآوار پذیرفته نشود چاره کار چه خواهد بود در مقابل این تدابیر روس چه خواهد کرد کار رقابت اوسه یا باروس در روم ایلی بکجا خواهد انجامید و مدتی هم برای بروز سر رشته کارها باقی نمانده است میتوان گفت نتیجه همه راز و نسی خواهد دید .

روز جمعه گذشته که عید نوروز فیروز بود تجار و معتبرین تيمه دولت علیه ایران بموجب دعوت و اخبار در هنگام ظهر در سفارتخانه دولت مشارالیه در صالون بزرگ حاضر شده جناب جلالهنگام معین الملک سفير کيردم اجلاله در حالتیکه همه اعضای سفارت کبری و صاحب منصبان بالیاسهای روسی و نشانهای خودشان حاضر بوده اند داخل مجلس شده جناب معزی الیه سالیکوفان جدید را تبریک و نطق بسیار طولانی بیان فرموده از صلح جویی دولت علیه ایران و خوش بختی تبعه و اهالی ایران باین صلح و حسن آمیزش و مناسبات بادوات علیه عثمانیه بیان فرموده در آخر نطق در خصوص لزوم تأسیس يك مکتب ایرانی بیاطت بسیار خوب

فرموده آقایان و تجار مومی الیه بعد از عرض تشکرات و دعا کوی اعلا حضرت اقدس پادشاه ایران و جناب جلالهنگام معزی الیه بکمال امتنان و میل قبول کرده اند که بزودی قرار مکتب را بگذارند . در آن مجلس جناب سفير کيردم قرب الحاقان جنرال فونسل را مامور داشته اند که بعد از ایام عید بصوابید معتبران تجار فرار تزیب صندوق ملتی را داده بنای تأسیس مکتب را آغاز کنند مجلس معاهده بکمال خوشی و انتهای اختتام یافته است .

خارجیه

فهرست حرکات ظفر بایه های انگلیس
در جنگ افغانستان

حله اول بلی مسجد شده قلعه آنجا مفتوح و چهارده نفر از عساکر انگلیس تلف شد . یورش دوم به جلال آباد و مضافات بدون جنگ و خونریزی تسلیم شدند . از طرف دیگر در خرم دره جنگ مختصری واقع و افغانان منهزم شدند و خرم دره مفتوح عساکر هند شدند . فندهار بدون سرکشی و بکمال فروتنی اهالی تسلیم شد . در کلات غلزی هفتصد نفر سپاه افغان ساخلو بودند مهابی جنگ شده خواستند توپهای خود را در مقابل توپ انگلیس ساز نمایند بجهت امتحان یکی از توپهای خود را برگردند جایی را نشان ساختند توپ آهنی زنک زده چندین ساله از زور باروت ترکیدریش سفیدان آنجا بطلب رابید اقبالی تصور کرده صلاح دیدند که بدون جنگ تسلیم شوند و منت متابعت برها کر انگلیس بگذارند لهذا تن تسلیم در دادند . فرقه از عساکر انگلیس از قندهار بکرشک حرکت کرد (کرشک نام شهر بست که در میان کابل و هرات واقع شده و بدرحد ایران یعنی قندهار نزدیک است بقدر یکصد میل فاصله است) اکثری از سوارهای افغان پناه برهه بردند عجماله لشکر انگلیس فرسنگها بدون هیچ مانع پیش میروند اکنون بقرب غزنین رسیده اند قلعه غزنین که گرفته شود توجه عساکر انگلیس رو به قلعه هرات است .

امیر کابل از کابل بسمت بلخ رفت و با جنرال دولت روس ملاقات نمود اصرار در رفتن پترسبورگ داشت جنرال مانع خیال او شد و فهماید رفتن شما از افغانستان خوب نیست بهترین است در این صفحات بنامید تا به بنیم انگلیس منزل گاه خود را تا کجا قرار خواهد داد ما حالی مامور تماشا هستیم جز تماشا کار دیگر نداریم که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلهای . از فرار تلکراف در روزی امیر افغان از بلخ حرکت کرده لشکری قلیل از طایفه قریجه بدور خود جمع کرده عازم هرات شده قرار داده است تا بعد چه شود . مجدده قوب خان و بعهد امیر در کابل است لکن تا بحال بدوات انگلیس نه اظهار موافقت و نه خیال مخالفت کرده است ساکت نشسته آثار حرکت او معلوم نیست و اغتشاش داخله کابل هنوز منظم نشده است فی ۱۱ صفر ۹۶
سید علی طهرانی از شهر بانس بریلی هند

اعلان

عالیجاه عزت همراه میرزا عباس دو کتر طبیب مشهور ایرانی که در معالجه اقام ناخوشیهای چشم مهارت تمام دارد و از جانب دولت علیه ایران و دولت علیه روس شهادتنامه های فوق العاده دارد و حامل نشانهای متعدد از آن دو دولت است و سالهای دراز در پترسبورگ و مسکو نیز اجرای علم و صنعت کرده و نام و شهرت خود را بدرجه بلند رسانیده است و شهادت نامه های بسیار از بزرگان و شاهزادگان عظام و کسانی که مهارت مومی الیه را برای العین مشاهده کرده اند دارد اکنون به نیت عزیمت بزیارت مکه معظمه و مدینه منوره بدر سعادت آمد است لهذا اعلان میشود کسانی که محتاج معالجه امراض چشم باشند بعالیجاه مومی الیه مراجعت کنند . منزل مومی الیه در شانجی عشق در جاده موصلی که مصلی گفته میشود در زقاق شیخوس شماره (۱۵) است همه روزه تا ساعت نه در خانه مذکور مومی الیه را میتوان دید .



مطبعه و اداره خانه اختر
 دروازه بابی است نمره ۲۵
 درکارهای متعلق به اداره به آقا محمد طاهر رجوع میشود.
 اسامی وکلای کرام در ممالک دور و نزدیک گاهی در صفحه آخرین نکاشته خواهد شد.
 روز چهارشنبه ۱۰ ربیع الثانی سنه ۱۲۹۶
 ۲۱ مارت ۱۳۹۵ و ۲ آوریل ۱۸۷۹

تعارف بدلات سالیانه
 دارالسعادة اسلامبول ۰۳ مجیدی سیم
 دیگر ممالک محروسه عثمانیه ۷۵ فروش صاع
 ممالک محروسه ایران ۲۵ قران
 ممالک هندوستان و بنادر ۱۵ رومی نقره
 ممالک روس و قفقاز ۱۵ روبل کاغذی
 ممالک اروپا ۲۵ فرانک
 اجرت پست همه جا بمهده اداره است .

این نامه از هر گونه وقایع و اخبار و از سیاسیات و پولیتیک و علم و ادب و دیگر منافع عامه سخن خواهد گفت . هفته یکبار طبع می شود . اوراق
 و نوشته ها سود مند را باستان می پذیرد . در نوشته کاغذهایی که از خارج می رسد اداره آزاد است . کاغذی را که نوشته نمی شود
 صاحبش نباید استرداد بکند . کاغذهایی که بول پست ندارد قبول نخواهد شد .

تکرارها

لندن ۱ ربیع الآخر (ماری ده
 سالبری) در اطلاق لوردها در جواب (لورد
 ستردن) گفت که برای اینکه روسها روم ایللی
 شرقی را تخلیه کردند سبب دیگر برای ماندن
 دو تنهای انگلیس در در بای سر مره باقی نماند
 است لهذا دو تنای مذکور نیز از آنجا بیرون شده
 است . و علاوه بر این نیز گفته است بملاحظه
 اینکه تاکنون روسها تعهدات واقعه خود را اجرا
 آورده اند بعد از این هم هیچ سببی که موجب
 عدم ایفاء تعهدات آنان باشد واقع نخواهد شد
 پس از آن مشارالیه در جواب سوال دیگری
 گفت که هرگاه مشاهده برین اجرا نشود اعلا
 حضرت سلطان میتواند که معاونت متفقهای خود را
 در این باب طلب نماید . باوجود این حکومت
 انگلیس معتقد است که اینگونه حالات را لزومی
 نخواهد شد .

برلین ۱ ربیع الآخر در تکرار اقامه
 که در ۲۲ مارس بوزرات هیئت المان رسیده است
 نوشته بوده است که در قریبه (وتلیانکا) ی
 روس بکفر بتلاره کی باخوشی طاهون مبتلا
 شده است .

پتسبورگ ۲ ربیع الآخر بموجب
 تکرار نامه که از طهران نوشته شده است
 در ۲۳ و ۲۴ ماه مارس فرنگی (۲۹

و ۳۰ ربیع الاول) زلزله شدیدی شده و یک هزار
 و یکصد نفر در زیر خرابیها مانده وقت یافته اند
 و مظلون این است که این زلزله در خود طهران
 اتفاق افتاده است .

اختر

از قرار تحقیق که کرده شد جناب جلالتاب
 معین الملک سفیر کبر و ات علیه ایران این قهره را بواسطه
 تلکراف از طهران سوال فرموده بود در جوابی که رسیده
 است این خبر یکی بی اصل بوده است ولی در تبریز
 جزوی زلزله شده و بمحمد الله کسی هم تلف
 نشده است .

پاریس ۲ ربیع الآخر ملکه
 انگلستان برای رفتن بیاتالی فردا پاریس
 خواهد آمد .

لندن ۳ ربیع الآخر (سیراستافورت
 نورثفوت) در اثنای باره گفتگوها اظهار کرد که
 در مصر بحران سابق برقرار است و تحریراتی که
 در این باب هست نمیتوانم عرض بکنم ولی اینقدر
 توانم گفت که در این مسئله در میان فرانسه و انگلیس
 اتفاق تمام هست .

پاریس ۱ ربیع الاول دولت های
 بزرگ در خصوص لایحه کدرباب وسعت دادن
 بداره و وظائف کومیسسیون روم ایللی شرقی و اشغال
 ایالت مذکوره از جانب عساکر مختلط اروپ
 از طرفی حکومت روس فرستاده شده بود باهم دیگر
 مشغول مذاکره و بخاره هستند .

پاریس ۳ ربیع الآخر ملکه انگلستان
 امروز پاریس رسیده است سیاحت علیا

حضرت مشارالیه در صورت غیر رسمی و ناشناسی
 بوده فردا بیاتالی عزیمت خواهد کرد .

قلبه ۳ ربیع الآخر روز پنجشنبه
 گذشته مسیو اشید و مسیو کوتولی از اسلبه بقلبه
 معاودت نموده اند . (جزال استولین) بیان کرده
 است که چون سیاحت مدیر مایه روم ایللی شرقی
 در (برغوص) محتاج باظهار شدت و استعمال
 قوه عسکره است لهذا نمیتوانم مشارالیه را حفظ
 نمایم . فردای آرزو (مسیو کوتولی) کیفیت
 وقوعات سیاحت خودشان را بکومیسسیون مذکور
 اظهار کرده و کومیسسیون نیز حرکات موسی الیه را
 تصدیق کرده است . روز شنبه مسیو اشید استعفا
 نامه مفصلی بکومیسسیون مذکور فرستاده و ضمن
 استعفا خود را از مدیری مایه روم ایللی شرقی
 نوشته و سببهای استعفا خود را بیکان یکان بیان
 کرده است .

کومیسسیون مذکور دیروز بطور فوق العاده
 اجتماع کرده و قرار مندرج ذیل را داده اند .

کومیسسیون روم ایللی شرقی برای اینکه از جانب
 بعضی مامورین روس که اهالی را بیجهان می آورند
 و کومیسسیون را دوچار مشکلات می کنند نتوانند
 احکام ماده نوزدهم عهدنامه برلین را بموقع اجرا
 بیاورند . کومیسسیون روم ایللی شرقی برای اظهار
 اینکه در این باب هیچ مسئولیتی را در عهده ندارند
 مجبور شدند بر اینکه در این خصوص نظر دولت
 دولتهای بزرگ را جلب نمایند . هیئت کومیسسیون
 مذکور از مسیو اشید در خواست خواهند کرد
 که تا هنگام متفرق شدن کومیسسیون در مامورین

خود برقرار بماند . کومیسر دوس برضد این قرار رای داده کومیسر المان اظهار رای خود نموده کومیسرهای دیگر این قرار را پذیرفته و تصدیق کرده اند .

چون پیش از آنکه قرار مذکور بموقع مذاکره گذاشته شود هیئت کومیسرین اتفاق داشتند بر اینکه اکثریت رای را بمنظور قانون دیده شود بنابراین قرار مذکور پذیرفته شده است .

قلب ۳ ربيع الاخر ۴ دیروز کومیسرین روم ایلی شرقی ماده دوم لایحه قانون امور مذاهب را پذیرفته است . اگسارخ بلغارحق اینها خواهد داشت که اجرای ماموریت بسته بوسه های بلغاریان روم ایلی شرقی را ازوالی روم ایلی شرقی طلب نماید . چونکه باامالی خواهش اگسارخ را در باب اجرای ماموریت بسته بوسه های بلغاریان سمت ما کدوتیا پذیرفته است کومیسر فرانسه تکلیف کرد که باامالی این فقره را قبول نماید .

ازلاهور ۵ ربيع الاخر ۴ بهمنوب خان امیرافغانستان مذاکرات صلحی را قبول نمیکند . بنا بر این مذاکرات منقطع شده اردوهای انگلیس مأمور شده اند بی تامل رو بکابل حرکت کنند .

از رسته ۴ ربيع الاخر ۴ مجلس مبعوثان بجزارتان عهدنامه برلین را با اکثریت آراء پذیرفته تصدیق کرده اند .

از برلین ۴ ربيع الاخر ۴ مجلس مبعوثان بجزارت اداره ایالات (الساس و نون) را تصدیق کرده است . برنس بسمالک وعده داده است که لایحه نظامنامه در ایضاب تقدم نماید .

پاریس ۴ ربيع الاخر ۴ امروز رئیس جمهور فرانسه از ملکه انگلستان دیدن کرد . کومیسرینی که برای تدقیق فقره تغییر محل اجتماع مجلس مبعوثان از شهر (ورسایل) پاریس تشکیل شده بود این مطلب را واژه اند .

از لندن ایضا ۴ سیراستافورت نوبت قوت وزیر مایه انگلیس در اطراف هوام پارلمنت در جواب سؤالی چندان گفته است که . دولت روس فرستاده شدن قسئون مختلف اروپا را روم ایلی شرقی تکلیف کرده است . بجهت اینکه

مذاکراتی که در ایضاب هست هنوز معوق است حالاً نمیتوان چیزی در این باب بمجلس اظهار بکنم .

از پترزبورگ ۳ ربيع الاول ۴ در باره گذاشته شدن قسئون مختلف در روم ایلی شرقی در میان دولتین انگلیس و روس بطور دلخواه و ایلتاف مذاکره می شود .

وین ۵ ربيع الاخر ۴ مجلس اعیان برای برگردن جاخالی بودجه سال ۱۸۷۹ حکومت را رخصت داده است که بکصد ملیون سندتات بتداول درآورد ولی مشروط بر اینکه فائضهای آن سکه های نقدی داده شود .

قاهره ۵ ربيع الاخر ۴ لایحه که بجهت تقابل فائضهای دیون مصر به از جانب (مسو رور ویلسون) وزیر مایه مصر نوشته شده بود جناب خدیو مصر از امضا کردن آن استنکاف نموده بیان کرده است که لایحه دیگری حاضر کرده ام که موجب رهایی مصر از افلاس است .

لندن ایضا ۴ سیراستافورت نورتون در مجلس مبعوثان در جواب سؤالی گفته است بیانی که کازت (استاندارد) در باب منقطع شدن مذاکرات صلحیه بایهمنوب خان امیر کابل و حرکت اردوی انگلیس رو بکابل نوشته است بیاناتی که حکومت در ایضاب داده است اصلاً موافق نیست .

ناپولی ۵ ربيع الاخر ۴ مجلس نیز استدعاینامه (پاساوانتی نام) را که پیشتر فصد جان اعتلا حضرت امپراتور را کرده بود پذیرفته است .

قلب ۵ ربيع الاخر ۴ دیروز اجتماع بجهت و هتم کومیسرین تنظیمات روم ایلی شرقی بود نظامنامه داخلی را که کومیسرهای فرانسه و المان در باب املاک غیر منقوله و خرید و فروخت املاک و قوقسه و فقره زعامات و تجارت نوشته بودند بجز از کومیسرهای عثمانی سایر کومیسرها پذیرفته و تصدیق کرده اند . کومیسرهای عثمانی بجهت اینکه در ایضاب دستور العمل مخصوص نداشته اند بیان رای نمکرده اند .

در اجتماع بجهت و هشتم کومیسرین مذکور

بموجب تکلیف (مسیورینگ) مرخص فرانسه رئیس روحانی جمعیت (بولین ۲) در مجلس عمری قلبه حضور خواهد داشت .

کومیسرین تخت میخواست که این حقوق را بر وسای اسلام و بلغار و کروه ارتودکس و روم منحصر نماید .

کومیسرین قرارداد بر اینکه بعد از آن که پاره مسائل معوق مانده را انجام داده و نظامنامه داخلی دفعه اول خوانده شود هفته آینده بدرسهادت بروند و هرگاه در ثانی مقضی بشود باز بقله مراجعت کنند .

در اجتماع بجهت و نهم کومیسرین که باز در همان روز واقع شده بود (مسیورینگ) از کومیسرهای عثمانی سؤال کرد که کومیسرین تنظیمات روم ایلی شرقی لایحه اصلاحاتی را که باامالی قههد کرده است در اروپ عثمانی که بیرون از روم ایلی شرقی است بکار ببرد میتواند بزر مذاکره بیاورد . و نیز اظهار کرده است که تا خبر اجرای احکام ماده بیست و سوم عهدنامه برلین مثل این است که بدست دشمنان باامالی سلاح ماده شود و نیز محتمل است که موجب حرکات اختلال امیر اهالی آنجاها بشود که خود آماده اختلال هستند .

کومیسرین در ختام اجتماع قرار داد که دائره اقتدار (مسیواشید) مدیر مایه روم ایلی شرقی را وسعت داده شود .

پاریس ۶ ربيع الاخر ۴ از قرار بیانات کازت (ره بوبلک) (مسیو وادیکتون) بدواتهای بزرگ که عهدنامه برلین را امضا کرده اند نوبتی فرستاده و در نوبت مذکور بنا بر اساسی که در کونکره در باب مسئله یونان گذاشته شده است توسط دولت های مشارالیهم را خواش خواهد کرد .

روم ایضا ۴ (پاسنی) نام شخصی که قصد جان املا حضرت امپراتور ایتالی کرده و از جانب محکمه اعدام او را حکم شده بود املا حضرت امپراتور از بیفر قتل او درگذشته و بجهت دائمی بودنش امر داده است .

داخلیه

شکرانه پادشاه

وجود اقدس سلاطین باعز و تمکین مظهر قدرت سبحان است و غایت پادشاهی حضرت پیران .

پادشاهان مظهر شاهی حق

پادشاهان باعدل و داد و درافت آیین علو طبع و بلندی عزم و پاکیزگی رای و برتری همت و جلاله اوصاف حمیده در خور بلندی و بزرگواری مقام تواند بود . از الطاف حضرت منان است تعالی شاه که پادشاه مهر بن داد کسرت این ملک اعظم برای متین و حزم و عزم قوی حوزه اسلام را در همینان تکتانی از حوادث زمان نگاهداری میفرمایند دین و دولت را آبروی بخشند . هر روز در این راه رانی صائب و عزمی بوقت مناسب از حضرت ایشان صادر می شود . آری حضرت شوکت پناه (عبدالحمید خان ثانی) که سایه حضرت یردانش دانیم در میان این قوایل خطرناک که از سالهای درازه قدمت آن مرتب بود ملک و مملکت را نجات داد جلوسیل حوادث را بدایر صائبه گرفت . هیچ کس باور نداشت که لشکر بیکران دشمن توانا و غالب با اقوامی که با او بودند از دروازه اسلامبول برگردند . مشغله کرور کرور مهاجران بی دست و پا که عالم را بحیرت انداخت یکسو شده همه جایجا شدند و در میان آنهمه گرفتار بها بر عایت سال آنان و اعاشه بیوایگان و انجام کارهای بزرگ بزرگ دیگر نیز پرداختند . این نقل قائم بی پیر که یک بلای عظیمی است و نزدیک بود شورشی در مملکت بیندازد روزانه مسافری از خزانه عامره پاتواها پول دادند که وقیه نان را عامه مردم در صد و پنجاه دینار که سی باره اینجا است خریده از جهت قوت لازم تنگی نکشند و در مقابل بی انصافی صرافان طمعکار و مردمان خسیس هر گونه تدبیری در اصلاح وضع قائمه بکار فرمودند بالاخره اسباب نجهل از اواتی و آلات سیم و نقره را که از زمانهای دور در سرای همایون وجهه دوار سلطنت عظمیا بودند و زوی نداشت همه بضر بخانه عامره فرستادند که نقد شده معاش و مقرری جا کران و مأمورین از سکه های جدید

نقره و طلا داده شود و با کاغذها مبادله گردد و در اینباب و برای جمع آوری اطانات و رسیدگی بحسابات و جوه اعانه که در اینباب خواهد شد کومیس بونی در سرای همایون ملوکانه لطفا و تنزلا مقرر فرموده اند تا اینکه تدابیری که در حق قائم هست پیش برود . باطلجه اینم نمونه مقامات عزم شاهانه و همت بلند پادشاهانه است چون دعای پادشاه و شکرانه ابادی او فرض ذمت جله زبردستان و اهالی است لهذا ما هم حسب الوظیفه بعرض ثنا و شکر و سپاسداری باجمله ابائی وطن بلند آوازم امیدوارم که بزودی این بقیه گرفتار بها از میان برداشته شده و قرارهایی که در نظم و اصلاح امور منظور نظر همایون است بحری شود و تأسیس اساس تازه برای احیای ملک و ملت کرده آید خداوند وجود مسعود همایون را در امان خویش داشته نگاه و آسایش عباد و بلاد را بدین وسیلت بدرجه بالاتر رساند .

این دعا از من و بر جله ملک آیین باد

امضا

یکی از چاکران دعا کوی

جناب سعادتآب علی بجهت یک افندی باش شهیندردوات علیه مقیم تبریز رتبه صنف ثانی اول اعطاسا فرموده شده است .

چند روز پیشتر جناب هو بارت پاشا امیرالمساء بحضور همایون اعلا حضرت پادشاهی شرفیاب و مورد انتفات سنبه گردیده یک قطعه نشان عثمانی از درجه اولی در باره موی ایه اعطاسا فرموده شده است .

اهالی قبریس از حرکات مستبدانه مأمورین انکلیس منشی بوماند در استعدا نامه که بوال جز به تقدیم کرده اند از اداره پیش عثمانی اظهار ممنونیت نموده و ناخشنودی خودشان را از اداره انکلیس بیان کرده اند . (حقیقت)

دولت ابائی قرارداد مدت کرانتین کشتهایی را که از سواحل عثمانی میرسد بکلی برداشته است .

اعانه ابطال قائم

جناب مستطاب صدراعظم معمود یکمزار

و دو بیست عدد قائم (پول کاغذی) صد فروشی برای اعانه ابطال قائم بخزانه جلیله مایه فرستاده اند . علیجاه حرم صدر مشاوار ایه هم چهار صد عدد قائم صد فروشی داده اند .

از جناب عالی جناب مستطاب شیخ الاسلام نیز چهار صد عدد قائم صد فروشی و پنجاه عدد حرم محترم جناب مشاوار ایه و پنجاه عدد نیز از جانب مخدوم عالی و حفید ایشان که جدا بانصد عدد صد فروشی باشد داده شده است .

جناب دولتآب علی صائب پاشا مشیر تو بخانه عامره نیز یکمزار عدد قائم صد فروشی داده اند .

جناب دولتآب نامق پاشا هم یکمزار قائم صد فروشی اعطاسا نموده اند .

از جناب دولت علیه ایران در حق مقرب الحاقان حاجی میرزا نجم علی خان نایب اول سفارت کبری و جنرال قونسل اسلامبول یک قطعه نشان شبر و خورشید از درجه دوم اعطاسا فرموده شده است .

از جناب سنی الجوانب اعلا حضرت پادشاهی برای تبریک علیا حضرت ملکه انگلستان که این اوقات دره الک اتالی سیاحت دارند جناب دولتآب رستم پاشا و سعادتآب هو بارت پاشا مأمور شده اند که بروم بروند (فاراد بوسفور)

جناب سعادتآب سری پاشا والی ولایت طرزون امروز بمحل مأموریت خودشان عزیمت خواهند کرد .

باز یکی ملت ارمنی کاتولیک بمهدی حادون اقتسادی محول فرموده شده مراتب از جناب باعالی موی ایه رسماً تبلیغ شده است .

(مسیورالی) نام از اعضای مجلس پارلمنت انگلیس بیان کرده است که اهالی اروپا که در عصر اقامت دارند معاف شدن آنان از مالیات و بده دیوانی خلاف حقانیت و در خارج عدالت است و برای جلب نظر قدرت همگان شرحی هم در این باب نوشته منتشر کرده است . اخبار نویسنده کازت (دهبا) از مصر می نویسد که اهالی بومی مصر مجبور بدادن هرگونه مالیات و بده دیوانی هستند در زیر این بارهای گران ماندنند ولی هر صنف از تبعه خارجی بجهت همین معافیت و امتیازات امتیازی صاحب ثروت و متمول شده اند بل وجود اینکه محاکم مختلط اروپا که در آنجا تشکیل یافته است میبایست این امتیازات را منع نماید ولی باز اکنون امتیازات جنرال کونسلسها و تبعه خارجی که فی السابق باقی است . هرگاه مقرر شود که تبعه خارجی نیز بده دیوانی بدهند در آن صورت تفیص فائضهای دیون مصر به راهیج وجه احتیاجی باقی نخواهد ماند .

خارجیه

بنامت وصول سال بیست و نهم از دواج اعلا حضرت امپراتور اوستریا چنانکه در اروپا معمول است از جانب عموم اهالی هدایای مخصوصه برای تبریک امپراتور و امپراتریس تقدم میکنند اعلا حضرت امپراتور امسال را مقرر کرده اند که هدایای مزبور را باهالی شهر (سکدین) که بجهت طغیان آب رودخانه (تیس) منضمر شده اند تقسیم بشود و علاوه بر این امپراتور مشار الیه مبلغ چهل هزار فلورین نیز از کیسه خودشان برسم اعانه باهالی شهر مذکور اعطاسا فرموده است .

تبعه یونان که در شهر مارسیل هستند برای تأسیس يك مکتب جراثقال در شهر (اتن) بجمع کردن وجهه اعانه مباشرت و زریده تا کنون ششصد هزار فرانک جمع کرده اند احتمال می رود تا یک میلیون فرانک جمع بشود .

اختر

چنانکه شنیده شد اهالی ایران در اسلابول بنای مکتب بزرگی دارند آری از مردم غیرتند ایران ماملول است که در اینگونه امور خیریه که مایه خوش بختی اینای وطن است بهمین طور هارفتار کرده نام خودشان را در جرح اسامی مردمان ملت پرست و وطن پرور بیاورند و آیین وطنداری را تاره کنند و برای خودشان در باره تأسیس مکتبی که بجهت اطفال اهالی ایران متصور است همین مطلب را نمونه بگیرند . انصاف باید کرد چند نفر از اهالی یونان که در مارسیل تجارت دارند لزوم همچنان مکتبی را در مملکت خودشان تفرس کرده وبدون اظهار تشویق و ترغیب از شخصی و از جایی محض بسائقه محبت و طینه دامن همت برگرزده از هیچ خدمتی بوطن و اینای وطن خود تغافل و تکاسل نمیورزند در راه وطن و اولاد وطن کرورها پول صرف میکنند و در تعمیر وطن و تربیت فرزندان وطن دقیقه فرو نمیگذارند این است که مدارج بلند ثروت و تجارت میروند و روز بروز بترقی و آگاهی خودشان میافزایند الحمد لله همشهریهای ما که در این مملکت هستند نه از جهت نفوس و نه از بابت ثروت از یونانیانی که در مارسیل میباشند کتر نیستند .

خلاصه امیدواریم که بحسن نیت و کمال همت عموم اهالی ایران از تجارت و کسبه و هر صنف که در این بایخت هستند در باره تأسیس مکتب متصور بویج وجه همت خودشان را دریغ نداشته این عمل خیر را به نیکوترین وجهی براه بندازند . و اثر بزرگ مقدسی باینای وطن بیادکار گذاشته نام بلند خود را در عنوان جریده و وطنداری و ملت پرستی ثبت نمایند . تا اینکه از تاثیر نیت پاک ایشان اینگونه اثرهای نیک عمومیت پیدا کرده سر مشق سایر برادران دینی و وطنی گردد .

اخترنامه تبریز - وظیفه شناسی
در نسخه چهارم اخبار نامه (تبریز) مطلبی متعلق باین جریده دیدیم که بجهت معلوم کردن وظیفه آن عیسارت آنرا عینسا در اینجای آوریم .

(چندی قبل که در روزنامه اختر بواسطه مکتوب غرض امیر اشتباهی تفصیلی درج شده بود اغاب اهالی تبریز از این تفصیل دلتنگ شده و بعضی از قبول نسخه اختر اظهار بی حلی کرده بودند و مباشرتین روزنامه اختر چنین تصور کرده اند که در اینباب از جانب حضرت اشرف ارفع امجد والا و ابیعهده ادام الله و لایته الکبری یا کار گذاران سرکاری قدغن و حکمی شده است لهذا اعلان میشود که ابتدا همجو حکمی و قدغنی نشده است هر کسی که طالب خریداری روزنامه اختر باشد به هر وجه مانعی رای اونیت .)

اختر

باید دانست که يك روزنامه هرگاه اعلانی متعلق بامر حکومت را منتشر نماید باید در صورت رسمیه و از روی يك نوشته و دستخطی نقل قول نماید و بنویسد رسمی است چنانکه در نسخهای اختر همیشه نوشته شده است . اما اینکه چندی قبل بواسطه مکتوب غرض امیر اشتباهی که در اختر درج شده بود و اغلب اهالی دلتنگی حاصل کرده بودند (اختر هیچ وقت از روی اشتباه کاغذ درج نمی کند و غرض امیر شدن کاغذ راهم بچسب نمی تواند حکم نماید مگر بعد از محاکمه مدعی و مدعی الیه و تحقیق غرض نفاقی در فقره بی میلی مردم تبریز از اختر بقوت قلب می گویم که اغلب اهل تبریز سهل است يك نفر هم از اهل تبریزی میل از مطالعه آن نشده بودند بل بیشتر شده بود مگر یکی دو نفر که ظاهر ارجح است اقتضای تکلیف چیزی گفتند و بر ما هم واضح بود که از چه بابت است . اما اینکه مباشرتین روزنامه اختر چنین تصور کرده اند که حضرت اشرف امجد والا و ابیعهده یا کار گذاران سرکاری در اینباب حکم و قدغنی فرموده اند هرگز مباشرتین روزنامه اختر همچنان تصوری نداشته اند و از خیالشان خطور نکرده است چه مباشرتین اداره اختر می دانند که حضرت اشرف والا من بجهت قدغنی نمی فرماید و کار گذاران سرکاری هم نمی توانند همچنان کاری را اقدام کنند فرضا اگر هم از یکجهت بخواهند برخلاف قوانین و حقوق دول و ملل رقبای نمایند ممکن است که چهار روزی از پیش برود لیکن سمت استقرار نتواند داشت و صرفه نخواهند برد

روزنامه تو پس تبریز که پس از تهیه مقدمات
مطلب اظهار دلجویی کرده اعلان میکند که
هر کس طالع اختر باشد مائنی برای او نیست
از مطالبی است که یمن شومنی بهج نظر آرا
نیتوان دید در هر حال موقوف نداشتیم که اخبار نامه
تبریز در بیرون از شمار ع تکلیف خود همچنان
اعلانی را نماید خصوصاً که گذشته از همه چیز
هر گاه از خارجه کسی این اعلان را به یمن اسباب
مضحکه قرار میدهد که حق غرض داشت و کی
شده بود و که حکم کرد غرض نیست تا اعلان
شود .

عرض ستایش و سپاسداری و تقدیم

صحیفه اخبار

مائیناب معلا القاب حضرت نواب کلبلی
شان بهادر سی اس ای فرزند دلیند دولت
انگلستان والی ملک دارالسرور (رامپور) که در
اخبار نلمهای هندوستان اوصاف جید و خصال
پسندیده ایشان را همیشه دیده و از مسافری
شنیده ام چنانچه در وجه اعانت زخمداران و تیمان
عساکر عثمانیه مبالغ کلی از طرف کاشکان ایشان
ارسال شده هشتاد هزار روپی سالیانه بعنوان
زکات بمسافران اعراب مدینه منوره و مکه معظمه
میدهند و از شرفا و شرای ایرانی غیر هم هر کس
بیدار الملك ایشان وارد می شود در باره آنان
بلوازم مهمان نوازی بطور شایسته میرداند
حضرت ایشان در علوم موله در میان عرب
و عجم از نظم و نثر و جید عصرند خصوصاً زبان
فارسی بسیار توجه و شوق دارند چند چند رساله
و کتب زبان فارسی نظم و نثر از طبع بلند خود
شان تصنیف فرموده اند که از جمله مصنفات
جناب مشارالیه شکوفه خسروی
قدیل حرم طراندغم و غیر
اینها است . جناب میری الله در کارهای
حکومت و سیاست و شعبه های امور ریاست همیشه
طرف تحسین سرکار انگلیس بوده است .
وجود معالی نمود ایشان واسطه آسوده کی
ورقاه و نهم اهالی . چون انسانی جنس ما را
شکرانه و ستایش همچنان بزرگواری مایه افتخار
است و ما را سائعه ارادت و جاذبه عقیدت میکشاند
باینکه در آنحضرت بحق شامی و از قول ابیای

جنس سپاسداری و شناختنی خود را معرفی کنیم
لازم دیدیم شرحی از این مطلب را در اینجا اظهار
کنیم و بر خود قرار دادیم نسخهای چند از این
اخبار نامه ارجند بحضرت ایشان بفرستیم که
بمطالعه مصاحبان کرامی برسد خواهش داریم
عالیجاه محبت و نبالت همراه اقامیرزا سید علی
صاحب طهرانی منشی سرکار فقامت آثار استیک
صاحب بهادر اجنت بجهت شهر بریلی زجت
کتیده حضور نواب و الارسانند و بعد از این اگر
اشارتی فرموده شود با استمرار و بلاقتضار بنوسط
پوستها انقاد خواهیم داشت و خود را بدین جهت
مفتخر خواهیم دانست .

کاغذ لطف آمیز از جانب جناب دانشمند
ادیب فاضل کامل حبیب اربیب آقای میرزا
ابوالقاسم فرهنگ دام لطفه العالی بافتخار این داعی
ارادتمند شرف صدور یافته است که برای انضای
راسمه سپاسداری عینا مینویسیم در جواب اشعاراتی
که لطفاً فرموده اند بعضی لغات و اسامی بلدان را
شرح بدیم و همچنین در فقره قصیده هندیه
که بواسطه شخص محترمی جدا گانه یاد آوری
فرموده اند همین قدر عرض می کنیم که بواسطه
خواهش حکومتی در ضمیمه اختر بناچار درج شد
و گرنه مسلک ما شعر نویسی نیست خصوصاً
چنان شعری و در باب لغت سازی آرا هم گاهی داریم
و شده است ولی در همه نسخها نمیتوان مکرر کرد
مع تلك باحسب الاشعار مضایقه ندارم در مواقع
لازمه پاره الفاظ فرنگی را شرح و ترجمه کنیم .
همین قدر که روزنامه اختر مظهر تحسین و تقدیر
دانشمندان ایران زمین افتاده و طرف توجه و رغبت
ایشان گشته است و از روی لطف با کمال نادمه بوی
آن میرداند ما را از موجبات افتخار و امیدواری
و تشکر و امتنان است این است که رفیق حضرت
فرهنگ عینا در اینجا ثبت می شود .

ای اختر برج دانش و اوج کمال
هرگز مرسان اختر بخت بوبال

کرکاشف اسرار جهانت خوانم
اخبار تو شاهداست بر صدق مقال

محبت نصاب تجذب انفساب اشرف الحاج
حاجی سید ابراهیم زیدعزه و مجده که از عهد

مهد و از روی زکار کمهوات باانش رابطه خلت
برقرار و بجان مودت استوار است چندی است
که نظر بمحقق دوستی سالیانه گاهگاهی مخلص را
بروز با محبت و صفحیات اخبار سرکاری قرین امتنان
داشته و خاطر محزون فقیر را بمطالعه آن مشغول
و مشغوف میدارند . الحقی گذشته از کلت شری
و عبارات نمکینش که کام جانرا حلاوت دهد و خاطر
خردمندان را طراوت بخشد حکم و مواعظی که در
طی مقالات و ضمن حکایات بیان شده شایسته هزار
گونه تجید و توصیف است .

خوشتر آن باشد که سردبران
گفته آید در حدیث دیگران

آنچه از مخلص بیانات و مطاوی کالت آنجناب
مفهوم و معلوم میشود این است که بر حسب فطرت
باله مقصود کلی التیام دولتی و ابتلاع مذهبین
و اصلاح ذات البین است فوایدی که مستلزم
مال این خیالات و نتایجی که مترتب بر این مقدمات
است بر همه کس واضح است و تحقیقات آنجناب
همه از روی صدق و بی غرضی است و هیچکس
انتکار آن نتواند کرد . البته شرط دینداری
و حق شناسی همین است که هر کس بقدری که
میتواند حایت دولت و تعصب ملت خود را از
دست ندهد امثال این فقیر ضعیفی گوشه گیرا که هیچ
گونه خدمتی از دست بر نمی آید چاره بجز این نیست
که شب و روز دعا کنیم و از خدا خواهیم که دین
مبدا بر قدرت و شوکت بفرزاید و پادشاهان اسلام را
بر دشمنان دین و دولت بفروری و نصرت دهد و آنچه
صلاح حال مسلمانان است پیش آورد . اللهم
اصلح کل فاسد من امور المسلمین آمین آمین
رب العالمین

اما مقصود ازین ذر بعد بدون سابقه آشنایی
و رابطه شناسایی اولاً این بود که بر حسب اشاره
مطالع مضمون جنساب حاجی معظم اظهار امتنان
و سپاسداری و شکر گذاری از زجات سرکاری
شده باشد تا با اینکه بخاطر م رسیده بود که اگر
مراعات این فقره شود بسیار رحمان آن خواهد
افزود خواستیم ازین فقره اشعاری کنیم و ضمناً فتح
بابی در دوستی قایمانه شده باشد . مختصر اینکه
اخبار سرکار در بلاد اسلام بلکه در هر ملک
که زبان فارسی مدلول است کجا تداول پوشه و
بهم رسانده اما اینکه بعضی اصطلاحات و الفاظ

و عنت اهل اروپا است بضرورت در روزنامه کار می‌رود و در این بلاد هنوز متعارف نیست و مردم معنی آن را نمی‌دانند باین واسطه آن ملو در بصیرت و اطلاع کامل از اخبار حاصل نمی‌کند و فایده که منفقور است نمی‌رند اگر صلاح بدانید يك فقره از صفحات را وقف ترجمه لغات و بیسان اصطلاحات مندرجه در آن روزنامه کنید که خیلی فایده عمومی خواهد بخشید با آنکه غالب لغات ترکی اسلامبول را هم این طرفها نمی‌دانند مثلاً هیتقدر نوشته شود کویسیون فلان معنی دارد بر این فلان شهر است انسان کدام مملکت است قاتله چه معنی دارد اینها همه بقدره و دو اوزده خطر بیشتر نمی شود ولی خیلی واضح مطلب است دیگر اختیار با آنجناب است .

۷ صفر ۹۶

العبد فرهنگ این اوصال

نمونه از ضمیر بلغاریان

از کانت (نای قزاقیه پرسه) منطقه شهریون نقلی شود که یکی از بلغاریان شهر ودین مسناتی را بقتل رسانیده قاتل در دیوان حرب حکومت روسیه محکوم و بسزای کردار خود رسیده اعدام می‌گردد . چون این حکم دیوانخانه جنکی و آشنه شدن بفقار قاتل بکیفر فعلی شیع قتل بکوش کشیش بلغاری می‌رسد پس از اظهار تاروتاً سفس می‌گوید (عجب است در حالتیکه يك بلغار بجهت کشتن مسلمانان در نزد خدای ماجور و مهابت است دیوانخانه روس حکم بقالی اومی کند انشاء الله روسها از اینجا میروند آوقت مارکار خودمان را مبدانیم .

(تلذکر افنامه های آخری)

بگوش ۷ ربیع الاخر ۶ لایحه که درباره انحصار توپون داده شده بود در مجلس معونان در مقابل بیست و دو رای بموجب شصت و شش رای مردود شد .

از قاهره ۷ ربیع الاخر ۶ لایحه مالیه که جناب مستطاب خدیو مصر نوشته اند و عد میدهد که فائض قروضات مصر را بتمامه ایضا کرده و رسم ادخالات را نیز بکمر نماید .

داده شدن بدلات کویون استغراض سال ۱۸۶۴ مصر تا یکم ماه مارس فرنگی تاخیر افتاده است .

از باریس ۶ ربیع الاخر ۶ جمعیت بزرگی مرکب از وکیل‌های جمعیت زراعت فرانسه منعقد شده درباره عهدنامه تجارت که تازه کی بسته شده است فراری داده شد .

از باریس ۷ ربیع الاخر ۶ مسو وادینکتون (رئیس وزرای فرانسه خط حدود تازه در رابطه بفرانسه تصور میکند که موافق رای پارلمانی و فراتر از آن می‌رود باشد .

مجلس اعیان روز سه شنبه آینده (دیروز) درباره بدن مجلس معونان و مجلس اعیان باریس مذاکره خواهند کرد . از قراریکه کازت (نان) می‌نویسد درباره گذاشته شدن عسا کر مختلط اروپ در روم ایلی شرقی دولت فرانسه بطور قطعی قرارداد داده است که عسا کر فرانسه داخل آنها نشود .

از وین ۷ ربیع الاخر ۶ کازت (رودیلوندی) می‌نویسد که برای وسعت دادن بداره افتداری و خاطر جمعی دادن از آسایش روم ایلی شرقی تکلیفی را که درباره بودن مقداری از عسا کر مختلط اروپ در زیر امر وائی روم ایلی شرقی از جناب دولت روس شده است از جناب دولتها قبول شده باید انکاشت .

از برلین ۶ ربیع الاخر ۶ بجهت رفع خطرهای ناخوشی طاعون از جناب امور صحیه برلین از حکومت خواهش شده است که قسمی از ممنوعیت امته و اشیائی که از ملک روس وارد می‌شود برداشته بشود .

از باریس ۸ ربیع الاخر ۶ در خصوص گذاشته شدن عسا کر مختلط اروپ در روم ایلی شرقی در میان دولت ابدین طریق اتفاق افتاد حاصل شده است که .

عسا کر عثمانی در سمت جنوب و لشکر روس در طرف شمال و عسا کر دولت‌های انگلیس و اوستریا و ایتالی در وسط آنجا اقامت نمایند .

مارسیل ۸ ربیع الاخر ۶ از جناب مجلس بلدیة مارسیل قرارداد شده که مدت کرانین کشتی‌هایی که از سمت بحریه وارد آنجا می‌شوند سه روز پایین آورده شود .

از پترسبورگ ایضا ۶ کیفیت گذاشته شدن عسا کر مختلط دولتها در روم ایلی شرقی در میان دولتها اساساً قرار پذیر شده است . گذاشته شدن عسا کر عثمانی و انگلیس و روس

مقررات . اگر چه دولت ایتالی نیز در این باب بادوتم همراهی دارد ولی فقره گذاشته شدن عسکر را با احتیاط قبول میکند . قرار دولت فرانسه در این خصوص معلوم نیست . ولی محقق است که دولت المان بوجهی در این باب بادوتم همراهی نخواهد کرد .

در کاغذهایی که بعضی اخبارنامه‌های فرانسه (زمینکت) فلنک گرفته اند نوشته اند که پرنس بسارک در خیال استیلای قطعه فلنک بوده است و این فقره در دستکاههای پوائنتک برلین نیز موزر افتاده است و نیز از جمله روایتها است که پرنس بسارک هشت سال پیش از این در شهر (امس) با (یارون هکرن) نام شخصی باره گفتگوها در ایجاب کرده است . و منشاء ظهور این شباهه بنسبت بسته شدن عهدنامه تازه در میان دولتین اوستریا و المان ووا گذار شدن ایالت (شلزویک شمالی) بدولت المان بوده است ولی در حالت اکنونی مظنون است که این فقره بی اصل باشد . کازت (ناسیونال زایتونک) منطقه برلین برای اینکه اهالی فلنک را خاطر جمعی بدهد اظهار میکند که هر کس در این باب هر چه میخواهد بگوید اهالی فلنک باید اینکه شایعه‌ها را بی اصل انکاشته و استراحت خود شان را از دست ندهند زیرا دولت المان در خیال توسیع ملک نیست منشاء این اراجف مطبوعات پترسبورک است . کازت (پوست) نیز در خصوص این فقره می‌نویسد که مطبوعات روس در این اوقات مودت تازه را که در میان اوستریا و المان بنسبت عهدنامه جدید واقع شده است حسد برده و بر ضد دولت المان باره شایعات غرض آمیز را نشر می‌کنند .

بر حسب اشعار اقای حضرت فرهنگ ترجمه بعضی لغات و عبارات در اینجا آورده می‌شود . لغت سازی

(دو تا) چند کشتی جنکی است بخاری باشد یابادی (لندن) پای تخت دولت انگلیس (برلین) پای تخت دولت پروس که المان باشد (المان) مملکت وسیعی است که چند حکومت مستقله مانند پادشاهی کوچک دارد ولی همه اتفاق کرده پادشاه پروس را که کلیسوم نام دارد بموجب قرار دادهای چند بر خودشان شاهنشاه یعنی امپراتور نامیده اند نه آنکه امپراتور هر طور نخواهد درباره آنان حکم کنند یا داخل و تصرفی در مملکت مملکت

آنها در خارج از قرار داد نماید که بقوت همین اتفاق دولت فرانسه و ناپلیون سوم را که در معنی حکم بر همه دولتها میکرد چند سال پیش در عرض چند روزی پریشان کرده خود ناپلیون را گرفتار نمودند.

آری باتفاق جهان میتوان گرفت

(وزارت صهی) وزارتنی است که متوجه صحت و تندرستی اهالی می شود. (ایتالی) مملکت ایتالیا است که پای تخت آنجا روم و روما نامیده می شود و ایتالی دولت بزرگی است که حال یکی از هفت دولت بزرگ اورای شمارند. (قلبه) از شهرهای قدیم روم ایل است بنا کرده فیلیپوس است که بفلپوس معرب شده و او جده اسکندر روی مشهور است. (کوبیسون) انجمن چند نفر است که از جانب دو کس یا هفت مجموعه چند نفر با حکومتها برای رسیده کی و تعیین فرار کاری معین شده باشند (کوپون) با کاف عربی اصطلاح فرنگی هست و آن باز چهای سندهای دیون دواتی است مثلاً که مابغاه باز یادتر معین شده و در ضلع همان اسناد جدا جدا چاپ میکند و در سر موعده بریده شده بمصرف میرسد و صرفاً آنها را خرید و فروش می نمایند چون این قسم سندها و کوپونها در ممالک اواسط (آسیا) یعنی مشرق زمین نیست حالی کردن معنی این سندها و کوپونها سبکاتی که ندریده اند

خالی از اشکال نیست مگر آنکه کسانی که دیده و فهمیده اند ایشان حال نمایند (وین) پای تخت دولت اوستریا است که در ایران نوس و نوسه هم میگویند.

عجالتاً به بتقدیر در اینها ترجمه بعضی لغتها کرده شد لکن تکرار آنها را لازم نباید شمرد در نسخهای دیگر بقدر امکان با تلفات دیگر را عالی التدریج ترجمه خواهیم کرد.

تصحیح

در نسخه هفتم گذشته در صفحه اول در اواخر ستون سوم بجای پای تخت دانمارک (پای تخت فلنک) نوشته شده است.

اسامی و کلای اختر در خارج

کسانیکه طالب خریدن سالیانه اختر باشند در طهران به عالیجناب سلاله الاطیاب حاجی سید خلف تاجر نجفی رجوع نمایند. در رشت بمدهه التجار محمد آقا تاجر اصفهان. در کرمان شاهان عالیجاه عزت همراه آقا حسن وکیل التجاره دوات فخریه دوات انگلیس. در همدان عالیجاه عزت همراه حاجی محمد سعید افندی شهیندر دولت علیه عثمانیه. در سنج جنوب و الاجاه نبات دستگاه حاجی

سید جابر وکیل شهیندر دوات علیه عثمانیه. در ارضروم به ایشان آقا ملا صادق تاجر دیباقانی. در بیرون به ایشان حاجی بابا تاجر دیباقانی. در حلب عالیشان آقا میرزا جواد کتابفروش تبریزی. در کراچی بندر سند جناب فضیلت مآب میرزا محمد شفیع صاحب مهمتم نامه مفرح القلوب. در بنکولر جناب فضایل مآب محمد قاسم صاحب مهمتم منشور محمدی. در مدرس عالیجناب فضیلت مآب نصیر الدین صاحب مشهر جریده شمس الاخبار. در شهر لکه نو جناب فضایل مآب فتح محمد صاحب مشهر جریده انوار الاخبار. در حیدرآباد هند در سرکار نظام به عالیجاه آقا میرزا نصرالله صاحب فدایی. مراجعت کرده و مشتری بودن خود شاترا بواسطه حضرات معزی الیهم و یا بواسطه پوست مستقیماً باناره اختر معلوم نمایند. همچنین در باره رسانیدن قیمت سالیانه و شش ماهه هر دو وسیله می توانند رسانند. دیگر اینکه سوای ممالک عثمانیه در هیچ جایی کمتر از سالیانه پونه و مقاطعه نخواهد بود.

و در آنوقت عبیدالله خان رسولی فرستاده خواش صلح کرد و شاه طهماسب با او صلح نموده بفرزین آمد بعد از آن لشکر بکرچستان کشیده و برادر خود انقاص میرزا را بشیروان فرستاد و چون بکرچستان رسید هرچه از اولایات بگرفت خاصه نعلیس را که پای تخت کرجستان است آتش زد و مردان را بگشت و زنار اسیر و امواش را تاراج نمود و مکر قلیلی که اهل تشیع بودند جان بدر بردند از گناه بفرزین باز گشت و انقاص میرزا نیز شیروان را بگرفت و خود را شیر وانشاه نامید بعد بعبایت جعی میانه دور برادر بهم خورده شاه طهماسب را بران داشتند که لشکر بشیروان کشد و انقاص میرزا تاب مفاومت نیاورده باسلامبول گریخت و شاه طهماسب شیروان شاهی را باهم بمسرح خود اسمعیل میرزا کرد و انقاص میرزا که باسلامبول رسید

سلطان سلیمان بکمان اینکه بدستگیری این شاهزاده ایران را میتواند متصرف شود بالشکری بدیناسوی روانه شده شاه طهماسب نیز وی را استقبال کرده در تبریز وارد پیل و زنجان جنگهای عظیم کردند و سلطان سلیمان روم بازگشت و انقاص میرزا به پنج هزار لشکر عثمانی که در تحت اطاعت او بودند گاه در بغداد و در همدان و سالی باندیشه شیراز و اصفهان تاخت و تاز و آشوب برپا میکرد آخر لشکر بان شاه طهماسب او را در سنج گرفته نزد شاه طهماسب آوردند و او را با پسرش در قلعه فقهه حبس کرد بعد از چندی باز سلطان سلیمان روی لشکر بایران کشید و شاه طهماسب مهالو جنگ شد این بار چون وزیر سلطان سلیمان محمد پاشا مردی عاقل بود کار را بصلح کنزاند و بممالک خود باز گشتند و عهد کردند که دیگر بممالک

بکدیگر چشم نداشته باشند و سالها از دانی این وزیر آن صلح برقرار بود و این دو کشور آسوده بودند و پادشاهان فرنگ هر چند تحریک کردند که شاه طهماسب دست از جنگ سلطان سلیمان نکند قول نکرد و سر بر کتر سلطان سلیمان بازید از تبریز بجایه بایران آمد و هرچه کرد لشکری از شاه طهماسب بگریزد و بیجاک پدرش شاه طهماسب انگار نمود و او را آخر شاه طهماسب از این شهر آوه بدگمان شده او را با چهار پسرش نزد سلطان سلیمان فرستاد و سلطان سلیمان هیچ از آن پسران نخواست و آنرا بکمان آن شاهزاده را در قزوین او را بخت نمودند ببرد بکر شاه طهماسب بمرم جهاد بکرچستان رفت و بشهر شهرهای آنها را خاصه کلیدها را خراب کرد و مردان را کشته و زنار را اسیر کرده بایران آورد چون از راه

اعلان

عاجیه حضرت همراه میرزا عباس دو کتر (طیب) مشهور ایرانی که در معالجه اقسام ناخوشبهای چشم مهارت تمام دارد و از اجابت و امانت علیّه ایران و دولت بهیبه روس شهادتنامه‌های فوق العاده دارد و حامل نشانهای متعدد از آن دو دولت است و سالهای دراز در پترزبورگ و مسکو نیز اجرای علم و صنعت کرده و نام و شهرت خود را بدرجه بلند رسانیده است و شهادت نامه‌های بسیار از بزرگان و شاهزادگان عظام و کسانیکه مهارت موی‌الیه را برای العین مشاهده کرده اند دارد اکنون به نیت عزیمت بزیارت مکه معظمه و مدینه منوره بدرسمادت آمد است لهذا اعلان میشود که آنیکه محتاج معالجه امراض چشم باشد بمعالجه موی‌الیه مراجعت کند . منزل موی‌الیه در نشانی عتیق در جاده موصلی که مصلی گفته میشود در زقانی شیخوس شماره (۱۵) است هم‌روزه تا ساعت نه در خانه مذکور موی‌الیه را میتوان دید .

حکایت طاهر

قهقهه طلبیده او را پادشاه نموده شد اسمعیل خواندند و او اول دست تصرف پر بجان خانم خواهر خود را که مایه سلطنت او شده بود کوتاه کرد و نیز وزیر بزرگی که مایه قتل حیدر میرزا شده بود و چشم داشت هاداشت گرفته بخراسان فرستاد و بنای قتل برادر از آنها دوصیت خویشی او بلند شده دور و نزدیک از او خایف شدند بدلی نداشت و باند و ختن مایل بود حکام را بی سبب معزول و فرومایگان را منصوب میکرد و چون بمنصوفه مایل نبود و در قزوین جمع شده بودند و چون سابق وظیفه و اجرا میخواستند وظایف ایشانرا قطع و ایشان شوریده لهذا بکر و دو اوزده هزار از این طایفه را بکشت و مقصودش این بود که تمام شاهزادگان صفوی را مقتول نماید تا سلطنت بطلان (باقی دارد)

نیست مانند ممالک ایران بحضرات وکلای کرای رجوع فرمایند . یا حواله تجارنی بدهند .

تعارف قیمت اختر

ممالک عثمانیه را سوای اجرت پوست سالانه سه مجیدیه سیم است . ششماه یک مجیدی و سه ربع مجیدی . اجرت پوست نیز سه ربع مجیدی در یک سال است .

ممالک ایران را عموماً بیست و پنج هزار دینار رایج ایران است بانضمام اجرت پوست .

ممالک اروپا را بیست و پنج فرانک نیز با اجرت پوست .

جهت بمی و هندوستان و کابلستان و بندرات فارس و ممالک مجاوره آنهاها بازرده عدد روی نقره و بجاها بی که سکه ایرانی هست همان بیست و پنج قران ایران است .

ممالک روسیه و قفقاز بازرده رو بل یعنی منات کاغذی است .

همه اینها که نوشته شد بانضمام اجرت پوست است که در صورت داد شدن مبالغ مسطوره اجرت پوست بای اداره است دیناری از این بابت تا آخر سال مطالبه نخواهد شد .

بجز اشخاص محترم و کسانیکه سمت استناد دارند در همه جای قیمت سالانه را و در ممالک عثمانیه اقل شده است را باید پیشکی لطف نماید نامدار انتظام و رونق کار جریده گردد .

نامه ماه از اول سال عربی گذشته بهمه مشترکین پیش نسخه‌های این جریده کاپی السابق فرستاده شد .

کسانیکه نا حال خبر رسیدن وجوهات از جانب وکلای اداره یا از خودشان نرسید فرستادن جریده موقوف و تنها قیمت سه ماه مذکور از اینان مطالبه شده و خواهد شد .

بعضی وکلا که در فرستادن حساب یا وجوه در یافتی نامه ماه از سال نو گذشته اهل و تکاسل ظاهر کردند زحمت و کالت از ایشان ریخته شد .

عموم مشترکین خاصه مشترکین صفحات هندوستان را زحمت اطلاع داده می شود که در صورت امکان وجوه جریده را بلا واسطه در ضمن پاکت بانکنوت انگلیس که پول کاغذی است با پوست خانها بجه کرده یکسر بمرکز اداره اسلامبول ارسال فرمایند و در جاها بی که بانکنوت

شکی گذشت آنجا را نیز تاخت و تاز نمود و ارتقل و خرابی فرو کرد و آشوب کرکان و خراسان و هرات که دائمی بود گام خود بد انسورفته دفع میکرد گاه اسمعیل میرزا پسر خود را که حاکم آنجا بود مامور نمود تا آنکه جمعی دور افتاد را گرفته و بر ابر کشی و نافرمانی پدر بداشتند شاه طهماسب که این خبر بشنید جمعی را فرستاده او را مغلوب نموده بگرفتند و در قلعه قهقهه محبوس کرد و در چند سال آخر پادشاهی از قزوین بیرون رفت و ملازمانش بآبادی آن شهر برداختند و در عهد اوهیج شهری بآبادی قزوین نبود گویند هشت سال مالیات نکرفت و میگفت حال که با کسی جنگی نداریم که وجهی لازم باشد برای گذران هم نخواه داریم تا جریمه نینسیم که آنچه کبریم بکار تجارت بریم یا سودا کر که از آن سودی حاصل

نمایم پس وجوه نزد رعیت باشد و از او سود برند بهتر از آنست که در خزینه ما محبوس باشد هر وقت محتاج شدیم از رعیت میتوانیم گرفت در وقتی که این پادشاه برض موت مبتلا شد بزرگان و علما و پرده کبان دو طایفه شدند گروهی خواهان حیدر میرزا پسر شاه طهماسب و گروهی طالب اسمعیل میرزای محبوس بودند و در شب وفات شاه طهماسب آشوبها کردند و آخر الامر حیدر میرزا کشته شد و اسمعیل میرزا را از قلعه قهقهه از حبس طلبیده بعد از شاه طهماسب پادشاه کردند و شاه طهماسب را جز حیدر میرزا نه پسر دیگر و ده وزیرای شاه طهماسب میر جعفر ساوه میر غیاث الدین احمد یک ترکان مدت عمرش هشتاد و شش سال پادشاهیش بنجده و پنجاه سال .

شاه اسمعیل ثانی

چنانکه مسطور شد اسمعیل میرزا را از قلعه



مطبیه و اداره خانه ✦ اختر ✦
 در راسته بایعالی است ✦ ۲۵ ✦
 در کارهای متعلق بداره به آقا محمد ظاهر
 رجوع میشود .
 آسای وکلای کرام در ممالک دور و نزدیک
 گاهی در صفحه آخرین نکاشته خواهد شد .
 روز چهارشنبه ۱۷ ربیع الثانی سنه ۱۲۹۶
 ۲۸ مارت روی و ۹ اوریل ۱۸۷۹

✦ تعرفه بدلات مسالیانه ✦
 دارالسلامه اسلامبول ۰۳ مجیدی سم
 دیگر ممالک هر روزه عثمانیه ۷۵ فروش صباغ
 ممالک محروسه ایران ۲۵ قران
 ممالک هندوستان و بنادر ۱۵ رویی نقره
 ممالک روس و قفقاز ۱۵ روبل کاغذی
 ممالک اروپا ۲۵ فرانک
 اجرت پوست همه جایه میده اداره است .

✦ این نامه از هر کونه وقایع و اخبار و از سیاست و بونیت و علم و ادب و دیگر منافع عامه سخن خواهد گفت . هفته یکبار طبع می شود . اوراق ✦
 ✦ و نوشتهات سودمند را بامتان می پذیرد . در نوشتهات کاغذهایی که از خارج می رسد اداره آزاد است . کاغذی را که نوشته نمی شود ✦
 ✦ صاحبش نباید استرداد بکند . کاغذهایی که بول پوست ندارد قبول نخواهد شد . ✦

شکر امها

✦ ازوین ۹ ربیع الاخر ✦ شخصی
 از اعضای مجلس مبعوثان اوستریا در گذشته
 شدن قشون مختلط در روم ایل شرقی از حکومت
 ایضاحات خواسته است که آیا موافق نظامات
 عسکری اوستریا هست که جاهایی که در روم ایل
 شرقی در زیر تابعیت دولت عثمانی هستند از جانب
 دولت اوستریا نیز در زیر اشغال لشکری آورده
 شود .

در باب همراهی کردن دولت اوستریا درباره
 اشغال مختلط روم ایل شرقی از هیئت وکلا
 سوالی خواهد شد .

✦ لندن ۱۰ ربیع الاخر ✦ از جانب
 دولت انگلیس (جنرال هاملی) بکومیسین
 مختلط بلغارستان کومیسر تعیین شده است .

✦ لندن ایضا ✦ برای اینکه حرکات
 امپراتور (برمان) تهدید آمیز بوده است دولت
 انگلیس در حدود مشغول جمع آوری لشکراست
 و در حال مدافعه خواهد بود .

✦ لندن ۹ ربیع الاخر ✦ تکلیفی که
 در اطاق عوام بناسبت وقوع جنگ زولوس
 در باب اتهام کردن هیئت دربار از جانب (مسیو
 هیکلر) شده بود در مقابل دو بیست و شصت

و شش رای با سیصد و شصت رای مردود
 شده است .

✦ پاریس ۹ ربیع الاخر ✦ تکلیفی که
 در خصوص تغییر محل اجتماع مجلس مبعوثان
 از شهر (ورسایل) پاریس شده بود از جانب
 مجلس سناتو در مقابل یکصد و بیست و شش
 رای با یکصد و پنجاه و هفت رای مردود گردیده
 است .

✦ لاهور ۹ ربیع الاخر ✦ تقدیر با خبری
 که از کابل می رسد یعقوب خان امیر افغانستان
 قرار داده است که تانفس آخر در جنگ
 ایستاده می نماید .

✦ لندن ۱۰ ربیع الاخر ✦ قبائلی که در
 اطراف جلال آباد با انگلیسها اطمینان خصوصت
 می کردند بگدسته سواره انگلیس مامور بتادیب
 آنها شده بودند سوارهای مزبور در گذرگاه
 نهری بسیل دوچار شده چهل نفر از آنان غرق
 شده اند .

✦ پشته ۱۰ ربیع الاخر ✦ لایحه که درباره
 الحاق راه آهن رومانیا داده شده بود از جانب
 مجلس مبعوثان پذیرفته شد .

✦ لندن ۱۱ ربیع الاخر ✦ کازت داینیوس
 میگوید در باب اشغال مختلط روم ایل شرقی
 دولت انگلیس آماده است که از دوهزار تا پنجم هزار
 نفر لشکر با نیجا بفرستد .

کازت تانفس می نویسد که دولت روس

شرکت دولت عثمانی را در باب اشغال روم ایل
 شرقی قبول کرده است .

✦ ازاتنی ۱۱ ربیع الاخر ✦ در باب تعیین
 خط حدود ناز و یونانستان توسط رئیس وزرای
 فرانسه و مسیو وادینکتون و وزیر خارجه دولت
 مشارالیهان تکمیل شده از پاریس باقی رسیده
 و درائی تاثیرنا کوار بخشیده است .

توسط هیئت مبعوثان از جانب مهاجرین سمت
 یانیه بیان نامه باصلاح حضرت پادشاه یونان داده
 شده است مدعا نموده اند که دولت یونان از دولت ایل
 که داخل کونگره بر این بوده اند خواهش نماید
 که در باب واگذار شدن یانیه و نواحی آن یونانستان
 بادولت فرانسه همراهی نمایند زیرا غیر این وضع
 علاوه بر اینکه باعث اخلال آسایش شرقی است
 موجب خرابی آن مملکت شده سبب محو و تانیم نیز
 خواهد شد .

اهلا حضرت مشارالیه در جواب فرستاده کان
 موسی الهم بیان کرده است حق را که اروپا بموجب
 عهدنامه بر این یونان داده است تمامی آنرا
 مریع الاجرا داشته و چون یونانستان را فراموش
 نخواهد کرد .

✦ از پشته ۱۱ ربیع الاخر ✦ برای راست
 (مسیو سیرلاوی) در مجلس مبعوثان از جمله
 دو بیست و هجده رای صمد و هفتاد رای داده
 شده است .

✦ از لندن ۱۱ ربیع الاخر ✦ سیراستاقورت
 نور تقوت وزیر مالیه انگلیس در مجلس مبعوثان

در جواب سوأنی گفته است که فقره گذاشتن عساکر بمخزنط اروپ در روم ایللی شرقی هنوز معوق است اکنون را از جانب حکومت چیزی در این باب بیان نمی شود .

اگر چه دولت انگلیس معتقد است بر اینکه دولت عثمانی بحفظ امن و اسایش آنجا مقدر است باوجود این دولت انگلیس آرزو مند است که برای منع وقوع باره شورش و اختلالات ندایه دیگر نیز بکار برده شود .

از کنگره ۱۳ ربيع الآخر * ماموری از جانب حکومت انگلیس بکابل فرستاده شده شرایط مصالحه مذاکره کرده می شود .

از لندن ۱۳ ربيع الآخر * کازت نامس بیان می کند توسط دولت اروپ در خصوص مسئله یونانستان اساسا قبول شده است اشکالاتی که حالا باقی مانده است در باره (یانیه) و اطراف آنجا است .

از پترزبورگ ۱۳ ربيع الآخر * جنرال توتلین با آنها رسید . در مجلس مذاکراتی که در خصوص گذاشته شدن عساکر بمخزنط اروپ در روم ایللی شرقی خواهد شد جنرال منسارالیه نیز حضور خواهد داشت .

وین ۱۳ ربيع الآخر * مجلس مبعوثان ملحق شدن (اسپینیا) را با ایت (دالماچیا) قبول کرده است .

از پشته ۱۳ ربيع الآخر * مجلس مبعوثان مجارستان قرارداد است کسانی را که بجهت طغیان آب بمصیبت زده کان شهر (سکین) اعانه داده اند تسکیر نامه نوشته شود .

از لندن ۱۳ ربيع الآخر * لورد سالسبری وزیر خارجه انگلیس در مجلس اعیان گفته است اگر چه نسبت بملاحظه عاداتی که حالادرمه بان اهالی مشرق جاری است مذاکرات در میان دولتین عثمانی و یونان چندین طول تکمیل باوجود این از موافقت افکار نیساید بکلی قطع امید کرد زیرا در میان دو م هنوز در این باب مذاکرات هست . انگلستان بعد از معاهده براین رفتار خود را بوجهی تغییر نداده است . دولت انگلیس بدوات عثمانی قبول کردن تصاح دولت های اروپ را سپارش میکند . حکومت

انگلیس حاضر است که با عالی را راهمائی بکند ولی بخواهائی دولت عثمانی و بطور قطعی بچنگ کردن مداخله نخواهد کرد .

(لورد بیکونفیلد) رئیس وزرای انگلیس هم این طور گفته است که در حین مذاکره معاهده برلین دولت فرانسه تنها بطور خواهش اظهار کرد که فقره حدود یونان را بطوری که ممکن باشد فراری داده شود دولتها هم تکلیف فرانسه را در این زمینه قبول کردند .

رئیس کونکره برلین نیز اظهار کرد که در خصوص مسئله یونان هیچ دواتی خصوصاً دولت عثمانی بوجهی عقید بقیدی نیستند بملاحظه تمایل بودن دولتها این تکلیف فرانسه با عالی تمایز عبارت از راهمائی بود اکنون قطع و فصل این مسئله تمایز است بر این است که دوات یونان خواهش خود را در این باب نزدیک بحقیقت نماید چنانکه در ضمن خواهش آن خللی بشان عالی دولت عثمانی وارد نیاید .

از پاریس ۱۳ ربيع الآخر * خبرهایی که در باره تبدیل هیئت وکلای فرانسه بود تکذیب کرده شد .

از لندن ۱۳ ربيع الآخر * سیر استافورت نورثورت (وزیر مالیه انگلیس در مجلس مبعوثان بیان کرده است که مخاربات صلیبه در میان انگلیس و یوسف خان امیر افغانستان هست ولی اکنون را حکومت در این باب بمجلس مبعوثان چیزی نمیتواند اظهار نماید .

از لندن ۱۳ ربيع الآخر * حکمران زولو طالب مذاکرات صلح بوده است .

از وین ۱۳ ربيع الآخر * اجتماع مجلس عمومی پنجم ماه اوریل (بیست و پنجم ربيع الآخر) بتاخیر افتاده است .

پاریس ۱۳ ربيع الآخر * اجتماع مجلس اعیان تا ۸ جادی الاول و مجلس مبعوثان تا ۲۱ ماه مزبور تاخیر کرده است .

لندن ۱۴ ربيع الآخر * بموجب خبر تلگرافی که از دیباغه امید رسیده است لشکر امدادی

که از جانب دولت انگلیس فرستاده شده بود با آنجا رسیده است .

شهر (اقوو) هنوز در زیر محاصره زولوسها است لشکر بان انگلیس که در داخل شهر مزبور هستند از بابت آذوقه خیلی تنگی دارند . چند دسته عساکر انگلیس که برای رهائیدن محصورین (اقوو) مامورند هنوز در راه هستند . برادر حکمران زولو بمسبقت نفر بدون شرط بانگلیسها تسلیم شده اند .

از اتن ۱۵ ربيع الآخر * خطابه های آخری لورد بیکونفیلد ولورد سالسبری در باره مسئله یونان در اینجا موجب هیجان افکار اهالی شده است .

دیشب بمناسبت بودن عید ملی در اینجا تمام شهر را چراغان کرده بودند . پشاه برده کان سمت (یانیه) و (ترعاله) برای اجرای تمامی احکام عهدنامه برلین در باره حدود یونانستان و خصوصا در باب ملحق کردن یانیه را بیونانستان باره خود نمایا کردند . در میان آنان دو بیرق بود که در یکی نوشته شده بود (یانیه را فراموش نکنید) اینها بعد از گشت و گذار از کوچهای (ارمس) و (بول) بمسرای حکومت رفته در باره یانیه و ترعاله بلفظ (او یوا) بلند آواز شده اند .

(مسجو کولو کوزونی) که یکی از اجودانها (یاوران) پادشاه یونان است در مسرای بودن پادشاه را با اهالی اظهار کرد پس از آن اهالی با آرمی متفرق شدند .

(مسجو کوندر بونی) وارد اتن شد . فرار کرانین اشپانی را که از ممالک عثمانی میرسد بسه روز یابین آوردند .

امروز (هورنی) امیر المراء انگلیس با (هلکساندر) نام کشتی زره دار جنگی از سلانیک بلنگرگاه (پیره) وارد خواهد شد .

در پیره دوفروند کشتی جنگی روس را نیز انتظار کشیده می شود .

داخلیه

والیکری ولایت ارضروم بمهد؛ جناب دولتآب مصطفی پاشا سرعسکر مابق توجه فرموده شده است .

جناب دولت و فضیلت مآب خیرالله اقتدی شیخ الاسلام اسبق که پیشتر بمآوربت جلیله مشیخت حرم حضرت نبوی منصوب شده بودند بمحل مآوربت خودشان عزیمت نموده اند .

روز جمعه گذشته ولیعهد دولت اسوج نوریج بسعت سیاحت بدرسعادت آمده است . از جناب سنی الجوانب اعلا حضرت پادشاهی جناب منیریک اقتدی نرجان دیوان همایون ومآوربتی تشریفات وزارت جلیله خارجه بهمراهی هیئت سفارت دولت مشار الیها تایشگاه قواق که درخلیج اسلامبول واقع است یرنس مشار الیها استقبال کرده اند .

از جناب سنی الجوانب همایونی برای اقامت ولیمهد مشار الیه قصر همایون (باغ حاجی حسین) نام آماده وتخصیص شده است .

یرنس مشار الیه همان روز بمابین همایون رفته درحالتیکه جناب مستطاب صدر اعظم وچنانان سرعسکر پاشا وفواد پاشا وبسعی از وکلای فحام نیز حاضر بوده اند بحضور همایون رسیده پس از ملاقات وشرفیاسی حضور مبارک بقصر همایون مذکور برکنته متعاقب آن اعلا حضرت پادشاهی بانجام تشریف فرما گردیده رسم بازدیدرا ایضا فرموده اند .

روز شنبه گذشته ولیمهد دولت اسوج نوریج باتابع خودشان بسفارتخانه علیة ایران آمده رسم وزیت را بمحل آورده اند .

اخبار نامها مینویسند که جناب مختار پاشا برای محافظت حوالی (بایسه) و (نحاله) از اسلامبول چهل هزار عسکر و یکصد عراده توپ خواسته است . ونیز اصرار داشته است کدر آنحوالی برای مدافعه استحکامات ساخته بشود .

هیئت کومیسینون تحدید حدود قره طاغ روز جمعه گذشته از اسلامبول بمحل مآوربت خودشان عزیمت کرده اند .

چند روز است جناب جلالآب مملین الملک مسفر کبیر دولت علیة ایران بواسطه عارضه کداشته اند از حرمخانه بیرون نیامده اند . تکمیر مزاج جناب مشار الیه از مدتی بوده است که نمیتوانسته اندرخت پوشند ولی بحمداه تعالی چهار روز است رو به بهبودی است وامروز فردا بکلی امیدهت بدیوانخانه سرای سفارت کبری تشریف یاورند .

مقرب الخاقان میرزا رضاخان نرجسان اول سفارت منیه ایران را بعلاوه مآوربت پیش منصب نیابت اولی در سفارت کبری اعطا فرموده شده است .

(مسیور اتابو) ایلمینی رومانی که پیشتر بهبکرش رفته بود اپزورها بدرسعادت برکنته است .

وزارت جلیله مالیه استراض موقتی معادل یکصد و پنجاه و پنج هزار لیرا از بانک (کره دی ززال اوتومان) کرده است . (مسیجر)

کومیسینون عالی که در مابین همایون ملوکه برای القای قوام تشکیل یافته بود بواسطه اداره بوسه مطبوعات روز بروز وجوهی را که رسم اطانه میرسد بموجب دفتر اعلان واکنتمار میدهد . که یک فقره آن در آذرماه روی از جناب جناب

صدر اعظم ووزرای فحام دربار و بهمن شاهزادگان عظام و مردمان محترم دیگر اعطاشده است وفقره دیگر نیز فردای آروز اعلان شده که چنان دوفقره درجهل ونه قلم بدت و سه هزار و شصت و شصت یک عدد فائمه صد فروشی بوده است و بعد ازان هم روز بروز اعلان کرده اند و بزک و کوچک بکمال میل واقدام اعانات میدهند و از جناب کار گذاران سلطنت سنی بطورهای دیگر نیز بکمال اهتمام کوشش در ترتیب اسباب ابطال قوام میفرمایند تفصیل اعانات بقرار ذیل فمداد شده است

کود فائمه صد فروشی

در ۱۸ و ۱۹ آذرماه روی	۲۳۶۶۱	۵۵
در ۲۳ آذرماه	۵۸۹۲	۱۰
در ۲۴	۱۲۳۵۳	۷۰
در ۲۵ و ۲۶ آذرماه	۱۲۹۶۷	۴۵
در ۷ آذرماه	۳۴۰۶	۵۰

۲۰ ۵۸۲۸۱ بکون

چنان پنجاه و هشت هزار و دو بست و هشتاد عدد فائمه صد فروشی و یکصد فائمه بست فروشی است .

از جناب کومیسر بزک بلغارستان در خصوص پاسپورت و تذکره های تبعه بیکانه تخریرات عمومی بقونسلکری بهای مملکت مذکور فرستاده شده اعلان نموده اند که خلاصه آن در اینجا ترجمه می شود که این قرار درباره پاسپورتها در ضمن دستور العملی متعلق بکلیه امور ولایت بوده است . (فقره دوم) تبعه بیکانه که در بلغارستان اقامت دارند و با سیاحت میکنند باید حامل تذکره و پاسپورت از جناب دولت خود باشند .

(۲۰) هرکس از تبعه خارجه به بلغارستان بیاید هرگاه مرکز حکومت است تذکره خود را در عرض سه روز از روز ورودش بمآوربت بویس وضبطیه بناید و در محالات ونواحی بدیر ونایب وحکام جزو که هستند وهمچنین بقونسل دولت منبوعه خودشان بفرستادن بدهند .

(۲۱) مآوربت بویس بانایب ومدیر نواحی که تذکره های تبعه خارجه را تصدیق وامضنا مینویسند مبلغ دوفرانک رسم قسیده یعنی پول ثبت دریافت خواهند کرد .

(۲۳) هرسایح و مسافری از تبعه خارجه که از قرار داد در قرقه یا ستم تخلف نموده تذکره خود را در عرض سه روز بمحل معین نشان نهد مبلغ چهل فرانک جزای نقدی خواهد داد .

(۲۴) کسیکه از تبعه خارجه بی تذکره و پاسپورت در بلغارستان اقامت داشته باشد علاوه بر آن جزای نقدی که گرفته خواهد شد خودشان مستحق این خواهند بود که از بلغارستان مطرود بشوند . و مخارج طرد هم بعهده خودشان خواهد بود .

(۲۵) هرگاه کسی از تبعه خارجه ثابت کند که نبوتن تذکره بی سبب فحری و فوت جبریه یا سببهای صحیحی بوده است از مجازات مطرود شدن مستقاومه ف خواهد شد و در این صورت بک شهادتنامه موقت از حکومت خواهد گرفت که در عرض چهار ماه تذکره دولت متبوعه خود را بگیرد .

پانز نوشته بودیم که مغرب الحضرة الحقایق حاجی میرزا حسن منشی و ترجمان سفارت سنیه ایران رساله مذهبه خوبی که بمخطباتهلیق در کمال خوش خطی بنام نامی اعلا حضرت اقدس شوکت پناه پادشاهانه نوشته بود تقدیم خاک کای همایونی کرده است اینروزها بعضی ابراز آثار عواطف سنیه در باره موی الیه بکدست خانه یاغیه که در همسایگی حضرت سبادت و دوایب شریف عبدالصناب در سمت یازید واقع است احسان و عنایت فرموده شده است . چون این احسان شاهانه و مکرمت خاص همایون علاوه بر همه ملاحظه بک نوع آثار توجه مخصوص حضرت فضل الهی در تأیید مبانی بکجهتی و اتحاد اسلام و دوائین اسلام است بنام اسلامیت عرض شکرانه کرده دست دعای مفروض الادارا بدرگاه بی نیاز احدیت تعالی شاه و سلامت و مصونیت وجود مسعود همایونی از مکاره زمان بدوام و استمرار در خواست می کنیم . چون سرکاتب موی الیه در شکرانه این احسان لوحه نوشته تقدیم خاک کای همایونی کرده است و دوسه قطعه فارسی و ترکی در آن لوحه نوشته است که شایسته نشر و اعلان است لهذا اینجانب می شود .

صورت قطعات لوحه تشکریه

انه حید مجید

- (کفتم بخرد زبندکان سلطان)
- (بر بنده خویش خانقشده احسان)

- (بر کوجه بشکرانه بکوم کفنا)
- (کوخانه احسان ملک آبادان)
- (خسرو حبطه دین اسلام)
- (که بدارین حقش باور باد)

- (خانه شغیرت فردوس برین)
- (از سر لطف بدین چا کر داد)
- (از درو بام و زسقف و دیوار)
- (بهر تاریخ دهانها بکشاد)

- (جمله گفتند بتأیید آله)
- (خانه و دولت سلطان آباد)

۱۲۹۶

- (ایلادی حضرت سلطان جهان بنده سته)
- (خانه احسان و پو یوزدن اوله شاد دیدی)

- (بونی هر کس که ایشندی او قویوب مدح و ثنا)
- (حبیدا پادشه منم باداد دیدی)
- (شکر انعامه تاریخنه پیر خردم)
- (خانه دولت سلطان اوله آباد دیدی)

۱۲۹۶

مکتوب کرامی ذیل از جناب فضیلت ماب محمدهدافتندی مدرس درس عام در جامع شریف یازید است که بعض خیرخواهی مال اسلامیة مرفوم فرموده اند و منشکرا در اینجا بیت میشود .

خدمت ادیب معلا کوه سره منشی اختر

(ای لند اختر همایون فال)

(چا کرد رکعت بود اقبال)

برای والای انور و منسب منیر هنر پرور مخنی و پوشیده نیست که یکی از ارکان کاخ محبت پدران بفرزندان آن است که چلکی نیت خاطر را بدان منوجه و مصروف دارند که لوح دانش فرزندان ایشان بزیبت فهم و کمال نکارش یافته اندام وجود ایشان بلباس کتب و پیشه که موافق رویه

و مسلک جبلی ایشان باشد آرایش پذیرد فارسان مضمار تمیز و آگاهی فرموده اند که دکان امتیاز و برکات آدمی را متاعی کران به سار جنتس نفیس هنر و کمال است و سپهر ارجندی و سعادت را اختزی درخشنده ترا قابلیت و استعداد و کتساب فضل و هنری نیست .

(کلید کنج سعادت قند بدست کسی)

(که نخل هستی اورا بود رهبری)

فی الحقیقه هر که را از ریاضه ریاحین این کاشن فردوس سرشت بویی بمشام ادراک رسیده کامیاب از لذت نعمتهای کونا کون و بهره مند شده ارجند و سر افراز گردد و آزا که از می خو شکوار این موهبت جرعده بکام استعدادش رسیده باشد همواره بدر در سر خار سفلیت ادبار گرفتار بوده بمی بار سنجشها پر دوش شرمساری و خفت کشد . کادسته بندان ریاض حقایق و عرفان بیکمالان و ناخرد منازرا از جمله ارادتی و سفله شمرده اند . و راقان صحایف هنر و هنروران خجسته سپرد هر ملک و کشور مانند طلای احمر عزیز و از شکر مراعات خاص و عام شیرین کام و بهره ور بوده اند حکما بی هنر این بال و پر نامیده اند یعنی آنقدر که مرغ را هنگام پرواز بال و پر لازم و در کار است هنر و علم و فضل نیز در جمیع مواد مرد و مردی را ضروری است پادشاهان ذوی الاقدار و صاحبان شوکت و الاتبار که مقصدار مال و نعمتشان با کرة ارض هم سنگ می باشد فرزندان خود را بتعلیم کالات و قابلیات ترغیب و اشاره میفرمایند پس سائر خلق را ضرور بل واجب است که فریاد گرفتن هنر را موجب انتظام سلسله رفاهیت و ذریعه معیشت خود سازند فی الواقع هنر رفیق است مهربان و یاری است مشفق و دایر بیت دلفریب فیض رسان مر کبی است که فارس خود را زود بسیر منزل راحت و اعتبار رساند و سپری است که از همه سهام آفتان مالک خود را حفظ و حراست نماید .

(بود فضل و هنر چون باغ دولت)

(وزان روشن شود بزم سعادت)

غرض از بسط مقال آنکه هفتة گذشته در باب تأسیس کردن نصاب مجتهدین ایرانی مکتب و مدرسه تعلیم و تربیت اطفال خودشان تشویق و ترغیب آنحضرت را بمشتم افتخار ملاحظه و مطالعه نمودم فی الحقیقه هنر و فضل و کمال و دانش بسد اول

(ان آثارنا بعد علینا) (فاسئلوا حالنا عن الاطلاع)
مصنفین عظام و مفسرین و محدثین کرام همی
از شرق و فارس ظهور کرده و از علوم اثنی عشر
مشکلی را لایهمل نگذاشته اند و ایکن حالا برعکس
این هنر و کمال و تالیف در اروپا یعنی در مملکت
اقرنج ظهور نموده این هم از بی مبالائی و بدبختی
ماست که ایشان هر روز در ترقی و ما هر روز در رتبی
هستیم بخصوص از فراری که شنیده ام در پارسی که
پای تخت فرنگ است فریب بچهار هزار مکتب
و مدرسه قون و رسوم موجود است و لکن در ممالک
شرق در اغلب ولایت و شهرها مکتب و مدرسه
و دارالعلم چون عتقا موجود الاسم و مفقود الجیم
است. حیف و افسوس که کویک و بزرگ و دختران
وزنان فرنگ همی بخواندن و نوشتن و کتب کمال
وزنی دادن هنرها از اراحت و تجارت و مدنیت شب روز
مشغول باشند و اهالی اناتولی و عراق عرب و عجم
روزگار خودشان را بگفتن - هفتان بزرگ یعنی
بگذرانند و دولت و ملت چند هزار ساله را بی سامان
سازند و از کینه خودشان صرف نکند و دائمی
چشم بدولت داشته باشند واقعا از کینه صرف
می کنند اما در جای بی موقع صرف میکنند بسم الله
اهالی شرق در راه تجارت و زراعت تا حال چه دستگاه
هارا بمیدان آورده اند چرا اروپا بکند چرا ما تکبیم
درین باب داعی کسزین زیاده ازین نمی تویم
جسارت نمودن همان حواله با فکارا حضرت کردم
در هر حال امیدوارم که اهل شرق در باب این
مکتبها اعتنا کرده و اولاد و جگر گوشه های خودشان را
از تازیکی جهل برهاند خصوصا در ولایتهای
کردستان و لرستان که اغلب اهالی آنها اعتنا
باین امر مهم نمی فرمایند خواهش دارم این جهل را
در گوشه اختر درج فرمایند .

الداعی

مدرس بازرید محمد سعید

خارجیه

اعلان استخفافه ایران

محض سهولت رسانیدن کاغذ و نوشتجات
مردم از جناب استخفافه مرکزی و لغوه در کار
و انبرای امیر که جناب جلال آقا اجل امین املاک

دام اجلاله عالی بنانهاده اند کاشتکان مخصوص
با جمعه ها در کل محلات شهر برقرار شده است که
همان کاغذها بوزن هر سه مثقالی یک شاهی و اگر
تجاوز کند بقیعت نمرقه که در نزد کاشتکان است
مهر چسبائیده بصاحبانش برسانند چون اکثر
مردم هنسوز فواید و خاصیت این جمعه ها را
ندانند برنجت و اشکال تمام نوشتجات خود شانرا
از راه های دور بکار و انبرایا ورنند و یا اینکه
بنوسط ادماهای خودشان بموقعش برسانند .
لهذا از عموم اعیان و تجار و کسبه استدعا می شود که
اگر بخوانند من بعد نوشتجات خودشان را بی
راحت و مرارت چه بدوستان خود در شهر
و چه در ممالک خارجه برسانند همین پوستهای
محلات از عهده اجرای خواهش ایشان خواهد
برآمد . باین معنی که روزی چهار دفعه برقرار
ذیل است .

قرار تسلیم و رساندن نوشتجات در اول بهار تا آخر تابستان

- دفعه دو ساعت از روز رفته .
- ایضا شش ساعت از روز رفته .
- ایضا دو ساعت بغروب مانده .
- ایضا دو ساعت از شب رفته .

قرار برداشت نوشتجات از جمعه ها از اول بهار تا آخر تابستان

- دفعه دو ساعت پیش از طلوع آفتاب .
- ایضا دو ساعت از روز رفته .
- ایضا شش ساعت از روز رفته .
- ایضا دو ساعت از غروب رفته .

ملازمان مخصوص در جمعه ها اینکه مردم
کاغذهای خودشان را گذاشته باشند در وقت همین
در فوق باز کرده بصاحبانش خواهند رسانید و اگر
جوایی داشته باشند بهمان نحو بواسطه پوست
محله نزدیک بایشان تسلیم خواهند کرد مشروط
براینکه از کاشتکان پوست محلات بوزن و قیمت
معین در نمرقه مهر خریداری بروی پاکت های خود
چسبائیده اسم و خانه و منزل و محله و شخصیکه
باید کاغذ باو برسد باین طریق بنویسند .

- بجهت داخله شهر .
- در محله فلان .
- در کوچه فلان .
- فلانکس ملاحظه نماید .
- بجهت ممالک .
- در فلان شهر .
- در کوچه فلان .
- نمره خانه فلان .

اوقات و ساعات تسلیم و برداشت نوشتجات
از اول پاییز تا آخر زمستان مجددا اعلان خواهد
شد .

شرح بعضی اوقات و اصطلاحات این جریده که
ممکن است در ممالک بعیده دور از فهم بنظر بیاید
بر حسب اشعار ادیب کامل فاضل آقا میرزا فرهنگ
دام لطفه العالی عرض می شود

فائده

اصل فائده در لغت یعنی ورقه از کتاب آمده در
اصطلاح اینجها پارچه کاغذهایی است که بطور
مخصوص و بملقهای متفاوت چاپ زده شده بجای
سند و سند دوات بدست مردم داده اند فی المثل
از یک فروش که در ایران دو بست دینار یا یک (عباسی)
میگویم تا صد قروش که صد عباسی باشد دارد
این قسم پول در عهد حضرت خلیفه دوم هم بت
کرده شد لکن از پیش رفت و باطل گردید .
در دولتهای اسلام گاهی خواستند این قسم تدابیر
در امر سکه ها و اسباب تسهیل معاملات مردم
نمایند ولی دوا می نگردد در اندک وقت معایب چند
هم بر آن مرتب شده آخر بکلی ابطال و افوشده
است و جهات و اسباب این کار هم معلوم است
در زمان سلطان عبدالحمید خان مرحوم همین
بلای فائده باین درجه های نا کوار که حالا هست
رسید و به تدبیر برای ابطال آن اندیشیده شده
از میان برداشتن ولی آن تدبیر استقرضات و بدون
دولت را روز بروز باعث افزودن شد که همه
خرایبهای ملک و مملکت بواسطه همین قرضهای
خارج و تنزیل و سودی است که داده میشود
آنوقت بهر طریق که بود فائده را برداشتنند و باز
بدون مضاعفه هم گذاشتند این بار هم که بواسطه

چنگ نك دستي حاصل بود قائمه را موفت اقرار شد دريك ميزاني كه عجانة كفايت رفع حاجت را نكند بازند و بجاي پول نقد خرج بشود لکن مدت احتياج امتداد يافت و مشهور بارانندي نكند پذيرفت بي آنكه در مقابل اين قرض چيزي گذاشته باشند و بگويند كه هر كس اين سند را ببرد بلك و مأمورين خزانه عامه پول نقد خواهد گرفت و بضرور غير محدودی چاپ کرده برون می آورند تا آنكه كار قائمه روز بروز درهم شد و كار بجای رسيد كه يك قائمه كه صد فروش قيمت داشت و بنام دولت در دست اهالی است در عوض ده فروش و دوازده فروش مسيم يعنی دوربال صاحبقران ايران زوركي بخرج ميرفت . اين است كه امروز تمامی همت ارکان دولت مصروف بر اين است كه بهر وسيله و تدبيري كه ممكن است اين نقل قائمه بلكي اصلاح بشود بل بلكجا از میان برداشته شود اگر چه بعض مردم را خبيلي ضرر دارد لکن چون طرف نفع غالب است و باعث نجات ورهائي هيت مجموعه اهالی از اين محضه ميشود البته حكيم غائب را خواهد بود خصوصاً كه تجارت و دادوستد عموم اصناف و كسبه بدین واسطه بسته شده دادوستد بلكي ايستاده است .

این قسم کاغذها باختلاف انواع درهمه تانك اروپا همت ولی چنان مرتب و منظم است كه هیچ محذوری از آن تصور نیست بل باعث آسان شدن معاملات كارهای زنده گانی است . هرگاه کسی نخواهد ده كرور تومان ناصد كرور تومان پول همراه خود بطور امانت بجای ببرد ممكن است در میان جعبه گذاشته حل و نقل نماید .

پارچه کاغذی كه صدبهارار تومان قيمت آن است درهمه جای فرنگستان بی تفاوت فاحشی صرف و خرج ميشود و جاهای بسیار هست كه هرگاه بدهنی و عجله جات پول نقره و طلا بدهی قبول نمی کنند و گاهست قيمت آن را هم نمیدانند به علت آنكه در میان مردم نیست مگر در دكان صرافها و بانكها . ولی كار را طوری کرده اند كه هرگاه شخصی میخواهد صد كرور پول طلا و نقره در يكجا حاضر نماید برای او ممكن است و آن كاغذ را نزد هر كدام از صرافان ببرد بی ايستاده کی و تأمل عوض آن را نقد خواهد داد این است كه كارهای زنده گانی بواسطه این كاغذ های معتبر در اطراف فرنگستان بسیار سهل شده است .

و چون ماها هنوز خودمان را با مقامات نرسانیده ایم و نمیدانیم اين چه ترتيب و وضعی است كه با بطور منظم است اين است درست تصور آنرا نمی توانيم سكرد . كارهای هر ملك و گروهی متناسب است اهل مشرق زمين از اوضاع علم ابدان و عقل معاش باندي قانع شده و در زنده گانی بسیار بسیار با زحمت عمر خودشان را با خرم رسانند . افسوس كه عمرها و هوشها و ادراكات مشرق قيان بهوده تلف می شود و وقتها بباطل ميكردند و هیچ در خيال منقسم ساختن كارهای خودمان به هيت مجموعه نیستيم نه از جهت دنیا و نه از جهت عبا (ذلك هو الخسران المبين) .

آری ما مشرقیان تنها نهایی خواهيم زیست و نمیش كنیم و همه مقاصد شخصی خودمان را منفر دالموظمی داریم حال آنكه مدنی بالطبع هستیم و تمدن و مدنی بودن را معنی جز معاونت نیست يعنی همه افراد اول سعادت و نيك بخنی هيت مجموعه را بايد ملاحظه نماید اگر چه بقدا كردن اشخاص خود شان باشند . در اینجا سخنها داریم لکن اين دفتر را كنجایش نیست صحایف اخبار را متناسب نمی آید از اين مقوله سخن گفته شود اگر تنها وضع شهادت شهدای اسلام و شهدای كربلا و فضیلت شهادت را کسی تصور نماید معلوم تواند نمود كه امر دين و نگاهداری صلاح کلیه كارچه قدر مهم و معتنا است و از اين قرار میران تعیش و امر تمدن و وطن داری و امر کلیه معاش انبای جنس را بدست تواند آورد حال آنكه دين هم قائم نمی شود مگر با اشخاص و اشخاص هم قائم نمی شود مگر با نظم در امر معاش خاصه در اين زمان كه بايد همه موافق وقت و مناسب اقتضای زمان باشد چنانكه ديگران ارمل و اقوام رفتار می کنند ما هم بايد اوضاع زندگانی خود را ترتيب نمایيم و بخوش بخنی زندگانی كنیم و اين هم ممكن نخواهد بود مگر آنكه منافع اشخاص خودمان را ملاحظه نكرده نظر همت را بر تحصیل منافع نوع ملت و سعادت وطن بكناریم .

فرعه پنجم و نهم راه آهن روم ایلی است كه روز سه شنبه گذشته در ضربه خانه عامه كشیده شده و نمره های اكرامیه بقراردیل درآمده است . نمره كشتی صدر افرانك اكرامیه دارد

(سند)

۱
۱۷۱۵۹۵

نمره كشتی صدر افرانك اكرامیه دارد

(سند)

۱
۷۴۳۶۳۳

نمره های كشتی صدر افرانك اكرامیه دارند

(سند)

۲

۷۱۰۳۳۳ ۱۸۹۶۹۸۳

نمره های كشتی صدر افرانك اكرامیه دارند

(سند)

۶

۳۵۱۲۹۸ ۳۰۷۲۰۲ ۷۲۴۳۲۶
۷۷۲۵۱۲ ۱۲۱۱۲۷۴ ۱۲۵۹۲۷۰

نمره های كسبه صدر افرانك اكرامیه دارند

(سند)

۱۳

۱۲۱۹۲۳ ۲۵۱۳۰۰ ۳۰۷۲۰۴
۳۲۷۵۲۵ ۳۳۲۱۳۵ ۳۴۳۱۹۹
۳۸۵۲۲۷ ۴۷۴۶۸۱ ۷۴۴۳۲۷
۱۲۸۲۸۶۱ ۱۵۷۱۶۸۴ ۱۷۸۳۴۳۱

نمره های كشتی صدر افرانك اكرامیه دارند

(سند)

۲۸

۲۰۴۰۷ ۵۱۷۳۷۳ ۸۰۸۳۱۴
۵۶۹۰۴ ۷۰۴۹۶۶ ۹۷۹۵۸۱
۲۰۹۳۲۱ ۷۰۴۹۷۰ ۱۰۷۸۸۶۵
۲۳۲۶۷۸ ۷۲۸۷۲۴ ۱۲۰۴۸۹۷
۲۱۰۰۲۷ ۷۴۴۳۳۰ ۱۲۷۲۸۶۱
۳۴۰۰۳۰ ۷۵۶۹۷۴ ۱۵۹۹۶۳۵
۲۵۱۷۵۲ ۷۶۱۳۹۲ ۱۶۷۰۰۴۴
۲۵۱۷۵۹ ۷۵۳۳۱۴ ۱۶۷۴۴۷۷
۴۰۷۱۸۷ ۸۰۸۳۱۲ ۱۷۴۵۰۹۷
۱۷۱۵۲۰۴

نمره های كشتی صدر افرانك اكرامیه دارند

(سند)

۴۰۰

۲۰۴۰۶ ۲۱۶۸۸۹ ۲۵۱۷۵۸ ۳۴۳۱۹۹

مشهور ایرانی که در مساجد اقسام ناخوشیهای چشم مهارت تمام دارد و از جانب دولت علیه ایران و دولت حبشه روس شهادتنامههای فوق العاده دارد و حامل نشانیهای متعدد از آن دودوات است و سالهای دراز در برنسبورگ و مسکو نیز اجرای علم و صنعت کرده و نام و شهرت خود را بدرجه بلند رسانیده است و شهادت نامه های بسیار از بزرگان و شاهزادگان نظام و کسانیکه مهارت موی الیه را برای العین مشاهده کرده اند دارد اکنون به نیت عزیمت بزیارت مکه معظمه و مدینه منوره بدر سعادت آمد است لهذا اعلان میشود کسانیکه محتاج معالجه امراض چشم باشند بمآلجه موی الیه مراجعت کنند . منزل موی الیه در نشانی عنیق در جاده موصلی که مصلی گفته میشود در زقاق شیخوس شماره (۱۵) است همروزه تا ساعت نه در خانه مذکور موی الیه را میتوان دید .

۱۹۶۳۳۲۷	۱۷۱-۱۰۳	۱-۱۸۷۲	۶۷۳۰۱۳
۱۹۶۳۳۲۸	۱۷۱-۱۰۴	۱-۱۸۷۳	۶۷۳۰۱۴
۱۹۶۳۳۲۹	۱۷۱-۱۰۵	۱-۱۸۷۴	۶۷۳۰۱۵
۱۹۶۳۳۳۰	۱۷۱-۱۰۶	۱-۱۸۷۵	۶۷۳۰۱۶
			۶۷۳۰۱۷
			۶۷۳۰۱۸
			۶۷۳۰۱۹
			۶۷۳۰۲۰

از جانب جنرال فونسلگری دولت علیه ایران در خصوص نفی و تبیین اشخاص بی سرو پا و مجهول الحال که حالانسان محل دقت بوده است کمال اهتمام و مراقبت کرده می شود و نظارت جلیله ضابطه نیز در معاونت با اجرای خواهشهای جنرال فونسلگری کمال همراهی ظاهری سازد الحقی اینگونه اهتمام منفه عام مردم باناموس و آبرومند را که خواهان نظم هستند مایه تشکر و امتنان است .

۱۸۷۳۳۹۱	۱۰-۰۳۵۱	۰-۱۱۱۷	۵۹۸۱۰۲
۱۸۷۳۳۹۲	۱۰-۰۳۵۲	۰-۱۱۱۷	۵۹۸۱۰۳
۱۸۷۳۳۹۳	۱۰-۰۳۵۳	۰-۱۱۱۸	۷-۲۹۶۷
۱۸۷۳۳۹۴	۱۰-۰۳۵۴	۰-۱۱۱۹	۷-۲۹۶۸
۱۸۷۳۳۹۵	۱۰-۰۳۵۵	۰-۱۱۲۰	۷-۲۹۶۹
۱۸۷۳۳۹۶	۱۰-۰۳۵۶	۰-۱۱۲۱	۷-۲۹۷۰
۱۸۷۳۳۹۷	۱۰-۰۳۵۷	۰-۱۱۲۲	۷-۲۹۷۱
۱۸۷۳۳۹۸	۱۰-۰۳۵۸	۰-۱۱۲۳	۷-۲۹۷۲
۱۸۷۳۳۹۹	۱۰-۰۳۵۹	۰-۱۱۲۴	۷-۲۹۷۳
۱۸۷۳۴۰۰	۱۰-۰۳۶۰	۰-۱۱۲۵	۷-۲۹۷۴
۱۸۷۳۴۰۱	۱۰-۰۳۶۱	۰-۱۱۲۶	۷-۲۹۷۵
۱۸۷۳۴۰۲	۱۰-۰۳۶۲	۰-۱۱۲۷	۷-۲۹۷۶
۱۸۷۳۴۰۳	۱۰-۰۳۶۳	۰-۱۱۲۸	۷-۲۹۷۷
۱۸۷۳۴۰۴	۱۰-۰۳۶۴	۰-۱۱۲۹	۷-۲۹۷۸
۱۸۷۳۴۰۵	۱۰-۰۳۶۵	۰-۱۱۳۰	۷-۲۹۷۹
۱۸۷۳۴۰۶	۱۰-۰۳۶۶	۰-۱۱۳۱	۷-۲۹۸۰
۱۸۷۳۴۰۷	۱۰-۰۳۶۷	۰-۱۱۳۲	۷-۲۹۸۱
۱۸۷۳۴۰۸	۱۰-۰۳۶۸	۰-۱۱۳۳	۷-۲۹۸۲
۱۸۷۳۴۰۹	۱۰-۰۳۶۹	۰-۱۱۳۴	۷-۲۹۸۳
۱۸۷۳۴۱۰	۱۰-۰۳۷۰	۰-۱۱۳۵	۷-۲۹۸۴
۱۸۷۳۴۱۱	۱۰-۰۳۷۱	۰-۱۱۳۶	۷-۲۹۸۵
۱۸۷۳۴۱۲	۱۰-۰۳۷۲	۰-۱۱۳۷	۷-۲۹۸۶
۱۸۷۳۴۱۳	۱۰-۰۳۷۳	۰-۱۱۳۸	۷-۲۹۸۷
۱۸۷۳۴۱۴	۱۰-۰۳۷۴	۰-۱۱۳۹	۷-۲۹۸۸
۱۸۷۳۴۱۵	۱۰-۰۳۷۵	۰-۱۱۴۰	۷-۲۹۸۹
۱۸۷۳۴۱۶	۱۰-۰۳۷۶	۰-۱۱۴۱	۷-۲۹۹۰
۱۸۷۳۴۱۷	۱۰-۰۳۷۷	۰-۱۱۴۲	۷-۲۹۹۱
۱۸۷۳۴۱۸	۱۰-۰۳۷۸	۰-۱۱۴۳	۷-۲۹۹۲
۱۸۷۳۴۱۹	۱۰-۰۳۷۹	۰-۱۱۴۴	۷-۲۹۹۳
۱۸۷۳۴۲۰	۱۰-۰۳۸۰	۰-۱۱۴۵	۷-۲۹۹۴
۱۸۷۳۴۲۱	۱۰-۰۳۸۱	۰-۱۱۴۶	۷-۲۹۹۵
۱۸۷۳۴۲۲	۱۰-۰۳۸۲	۰-۱۱۴۷	۷-۲۹۹۶
۱۸۷۳۴۲۳	۱۰-۰۳۸۳	۰-۱۱۴۸	۷-۲۹۹۷
۱۸۷۳۴۲۴	۱۰-۰۳۸۴	۰-۱۱۴۹	۷-۲۹۹۸
۱۸۷۳۴۲۵	۱۰-۰۳۸۵	۰-۱۱۵۰	۷-۲۹۹۹
۱۸۷۳۴۲۶	۱۰-۰۳۸۶	۰-۱۱۵۱	۷-۳۰۰۰

اعلان

عالیجاه عزت همراه میرزا عباس دوکته (ملیب)



و بعد نماد چون شاه عباس و مرشد قلینان از این فقره آگاه شدند باسباهی بقزوین شتافته و در راه جمعی بدیشان پیوسته پای تخت را مسخر کردند و چون این خبر در تبریز بشاه محمد و همراهانش رسید جز چندتن از سرکردگان هیچکس نزد او نماند و همه او بقزوین آوردند شاه محمد نیز چون از سلطنت جز نامی برای او مانده خرسند شد و با فرزند و دیگران بقزوین آمد عباس میرزا پدر را استقبال کرده شاه فرزند را در آغوش کشیده بدست خود تاج بر سر او نهاد و خود متزوی و بعبادت مشغول بود و پس از آن سه سال زندگانی کرده در گذشت بمیرزاهای او عباس میرزا و حیره میرزا و ابو طالب میرزا و طهماسب میرزا بودند .

(باقی دارد)

نیرمسموع ایشان شده بشاه محمد بقزوین برگشتند و باز قلینان بشاه عباس و سپاهی بخراسان آمده مرشد قلینان حاکم مشهد بچنگ ایشان شتافته شاه عباس را از ایشان گرفته با خود بمشهد آورد اسباب سلطنت برای او مهیا و خود با هم وی پادشاهی مشغول شد و شاه محمد و حیره میرزا اغلب بچنگ عثمانی گرفتار بودند و آشوب جاهای دیگر را رفع نمیتوانستند نمود و چون بعضی سرداران پسر سیم شاه محمد را بولیمهدی اختیار کردند حیره میرزا بالشکری بدیشان ناخنه بسیاری را بگشت و برادر را گرفته در قلعه الموت حبس نمود و نزد پدر که بکار چنگ عثمانی مشغول بود آمد بار سرداران غدیری کرده پسر دلای را که حیره میرزا بد و مایل بود بران داشتند که شی آن شاهزاده را بگشت و محمد شاه را مجبور کردند که ابوطالب میرزا پسر بزرگ خود را

در ویشی که شباهت منظر با یکی از پسرهای شاه طهماسب داشت در اصفهان خروج و دعوی پسر شاه طهماسب و ریاست میکرد و بشکرها او را دفع و هلاک کردند و علیقلی خان سردار که در هرات عباس میرزا را نگاهداشته با هم او حکمرانی میکرد در سال نهم صد و هشتاد و نه او را بر تخت پادشاهی نشاندند بالشکری و بر بخراسان نهضت داد و این خبر بقزوین رسیده شاه و بزرگان خاصه میرزا سلیمان وزیر که دخترش در حیره حیره میرزا بود متوحش شدند و با شاه و سپاه رو بخراسان آوردند علیقلی قلینان چون چنین دید بشاه عباس بمهرات بازگشت و شاه محمد و وزیر هرات را محاصره نمودند نه ماه سکذشت و کاری از پیش نرفت سرداران به تنگ آمده وزیر را که مایه این جنگ بود بگشتند و آوازه آمدن لشکر مصطفی پاشا پتیریز

مطبعه و اداره خانه اختر

در راسته باغالی است نمرة ۲۵
در کارهای متعلق بداره به آقا محمد طاهر
رجوع میشود .

اسامی و کلاهی کرام در ممالک دور و نزدیک
گاهی در صفحه آخر بنکاشته خواهد شد .
روز چهارشنبه ۲۴ ربیع الثانی سنه ۱۲۹۶
۴ نisan روی و ۱۶ اوریل ۱۸۷۹



تعمیر بدلات سالیان

دارالمعاده اسلامبول ۰۳ مجیدی سم
دیگر ممالک محروسه عثمانیه ۷۵ فروش صاع
ممالک محروسه ایران ۲۵ قران
ممالک هندوستان و بندر ۱۵ روی نقره
ممالک روس و قفقاز ۱۵ روبل کاغذی
ممالک اروپا ۲۵ فرانک
اجرت پوست همه بجا آمده اداره است .

این نامه از هر گونه وقایع و اخبار و از سیاست و پولیتیک و علم و ادب و دیگر منافع عامه سخن خواهد گفت . هفته یکبار طبع می شود . اوراق
و نوشتهجات سودمند را بامتان می پذیرد . در نوشتهجات کاغذهایی که از خارج میرسد اداره آزاد است . کاغذی را که نوشته نمی شود
صاحبش نباید استرداد بکند . کاغذهایی که بول پوست ندارد قبول نخواهد شد .

مکر امحا

از مصر ۱۷ ربیع الاخر هیئت
و کلاهی تازه بدین قرار تشکیل یافت . وزارت
داخلیه و خارجه بانضمام ریاست و کلاهی جناب
محمد شریف پاشا . وزارت عدایه بجناب نوالفقار
پاشا . وزارت معارف بجناب واعقب پاشا .
وزارت ناطقه بجناب زکی پاشا . وزارت جنگ
بجناب شاهین پاشا مشغول شده است .

از قاهره ایضا (مسبو و یلسون)
(مسبو بلینار) تا از جناب حکومت های
خودشان امر صادر نشود از دادن استعفاي خود
امتناع دارند .

از لندن ۱۷ ربیع الاخر اخبار نامه های
انگلیس معتقدات خودشان را چنین بیان میکنند
که نتیجه عزل مسبو و یلسون و مسبو بلینار
از جناب خدیو مصر یک نوع تحقیر میباشد .
کازت (مورینگ پوست) رفتار دولت انگلیس
را بر ضد خدیو مصر مسلم نداشته است ولی عزل
خدیو را از جناب باغالی صواب می داند . کازت
(تیس) را اعتقاد چنان است که در باب
قرارهائی که خدیو گذاشته است آنچه دولتین
فرانسه و انگلیس مطالبه کند باغالی اعتراض
نخواهد کرد .

از لندن ۱۸ ربیع الاخر خیالات
عامه مشغول بطلب مصر است . هیئت و کلا

فوق المعاده انجمنی کرده در باب قرار داد پولیتیک
در باره مصر سه ساعت مشغول مذاکره
شدند .

از لندن ۱۸ ربیع الاخر در اجتماع
دیروزی مجلس و کلاب اتفاق حکومت فرانسه قرار
دادند که اکنون را مسبو و یلسون رخصت بیرون شدن
از مصر ندهند و در باب بیرون شدن مأمور های
انگلیس و فرانسه بجزاز و مسائل بسیار بزرگ هیچ
سبب اجباری و ابروی نکنند .

از پاریس ۱۸ ربیع الاخر (مسبو
بورک) مستشار وزارت خارجه انگلیس
برای مذاکره مسئله مصر بیاریس آمده است .

از پاریس ایضا از قرار بکه
اخبار نامه (پاری) نام مسبو بدو در این ترتیبی
اعلا حضرت پادشاه اسپانیا بایکی از خانم های
خانواده دولت اوستریا ازدواج خواهند کرد .

از لندن ۱۷ ربیع الاخر کازت تیس
میگوید در باره خدیو مصر معامله اجباری
محمول نیست . کازت مذکور میگوید بد این رفتار
خدیو مصر بی رضا و باغالی نباید بوده باشد .
از قرار بکه معلوم می شود دولت انگلیس استعفا
دادن مسبو و یلسون را قبول نخواهد کرد .

بوجب خبرهایی که از مدافع امید میرسد
زولو سها روی یک قاتله انگلیس هجوم آورده
قافله را ضبط و بجهت نفر از لشکر بیان انگلیس را
کنده اند .

از پرتسبورگ ۱۷ ربیع الاخر کومیسونی
که در باب اشغال مسکری مخطط ووم البلی شرق
منعقد شده است مشغول مذاکره بودند بر ضد
داخل شدن عساکر عثمانی با نجاها بانفاق آراه
رای دادند .

از مارسیل ۱۸ ربیع الاخر (مسبو
فوریه) سفیر فرانسه مقیم اسلامبول دینیب
بانجا وارد شد .

از قاهره ۱۸ ربیع الاخر اعضای
کومیسونی هیئت تقییس استعفا نامه خود تان را
دادند .

از پاریس ۱۸ ربیع الاخر اخبار نامه
(نان) می نویسند . مسبو بورک مستشار وزارت
خارجه انگلیس در نزد حکومت فرانسه هیچ
مأموریتی نداشته است .

از قاهره ۱۸ ربیع الاخر (مسبو
رور و یلسون) و مسبو بلینار (بر ضد تدابیری
که جناب خدیو مصر اتخاذ کرده است پروتست
نموده اند .

از لندن ۱۷ ربیع الاخر کازت استعفا
می نویسد از جناب دولت فرانسه و انگلیس
در باب اصلاح تازه خطیبات که از خدیو مصر
بوقوع رسید است بدو دوستانه باره تبرهات
شده است اگر این تدابیر تاثیر بخشد دولتین مدار
البها استمرار در عزل خدیو مشار آلیه خواهد
کرد .

اخبارنامه (دیلی نوز) میگوید وکلای مصر
بجهت رفع احتیاجات عاجله مابین مصر برای
دادن دولتیون برای انگلیس از کسبه خودشان
نامه‌های خودشان را در دفتر که مخصوص این کار
شد ثبت نمودند .

در تلگرافنامه که از (طرنوی) باخبرنامه
تایس رسیده است مندرج بوده است که برای
تسریع انتخاب حکمران بلغارستان از پترسبورگ
پوالی موافقت بلغارستان اوامر لازم داده شده
است .

از وین ۲۰ ربیع الاخر (کازت
وین) نام اخبارنامه میگوید که فقره تعیین
شدن (علقو پاشا) را بوالکری ولایات روم ایلی
شرقی انتظار کشیده می شود که در صورت وقوع
این سال اجرای احکام عهدنامه برلین را خطوه پیش
گذاشته بایست انگاشت .

از آن ۲۰ ربیع الاخر (از اهالی
(بانیه) وحوالی آن هیئت مبعوثه مرکب از
(اسپروملو) و مسیو (لودویوتی)
(ارویتینو) نامان برای رفتن بروم و پاریس
و سایر پایتختهای دول اروپ امروز از آن
حرکت کردند . ماموریت اینها در خصوص
بانیه وحوالی آنجا خواستن حایت دولتها
بوده است .

از لندن ۲۰ ربیع الاخر (کازت تابس
میگوید تنها بجهت خاطر جمع شدن از راه
هندوستان عزل خدیو مصر باید خواسته شود .

بنابر روایت کازت (دیلی تکراف) برخلاف
تکلیف پاپالی در مسئله گذاشته شدن عساکر
مخلط در روم ایلی شرقی دوباره بسذا کرات
آنگاز شده است .

از پاریس ۲۰ ربیع الاخر که در خصوص
مسئله مصر دولتیون فرانسه و انگلیس کمال اتفاق را
دارند . (مسیو و بلسان) دیرکتور کازت (فیکارو)
وفات کرده است .

ایمبارتیس پورتنکیز از ناخوشی ذات الزبه
بستری شده است .

از پترسبورگ ۲۰ ربیع الاخر (کومیسون

تازه که در اینجا تشکیل یافته است میگوید برای
اینکه گذاشته شدن عساکر مخلط در روم ایلی
شرقی خارج از امکان است لهذا تشکیل
کونفرانسی را لزوم دیده می شود .

از لندن ۱۹ ربیع الاخر (بنا بر روایت
کازت (دیلی نوز) جنرال (طوتلین)
گفته است که اشکالاتی را که از جهت گذاشته شدن
عساکر مخلط در روم ایلی شرقی ظاهر خواهد
شدتها وقوع جنگی آنرا بر طرف تواند کرد .

از لندن ۱۹ ربیع الاخر (موثوقا
روایت می شود که (کونت شوالوف) ایلیچی
روس مقیم لندن دولتها ی بزرگ تشکیل کونفرانسی
را تکلیف خواهد کرد .

از پاریس ۹ ربیع الاخر (بموجب
اطلاعات مخصوصی که از پترسبورگ گرفته
شده است دولت روس در روم ایلی شرقی تمها
گذاشته شدن فرقه از عساکر دولت ایالی را تکلیف
میکنند .

از پترسبورگ ۱۹ ربیع الاخر (اخبارنامه
(ارناس وس) بیان میکند در خصوص تعیین
شدن علقو پاشا و الگری روم ایلی شرقی و داخل
شدن عساکر عثمانی بیابانها تا کمال و همپین
در باب طول دادن مدت ماموریت کومیسون
مخلط روم ایلی شرقی تا کمال از جانب پاپالی
تکلیفی شده در بین دولتها هم در این خصوص
مذاکرات را دوام کرده می شود .

دوات رهس مامورین خود را که در مسالک
عثمانی و و ایلی ، بلغارستان هستند دستور العمل
تازه فرستاده است .

قاهره ایضا (ریاض پاشا رئیس
کوبه) چون تفش مایه عزل شده . دو نفر
کومیسر نیز استعفا کردند . با وین بحر املک
ومقتش واردات هم استعفا از ماموریتهای خود
شان کردند .

لندن ۲۰ ربیع الاخر (امروز در لندن
و پاریس مجالس وکلا منعقد شده و مذاکرات
داشتند که باعلا حضرت پادشاهی تکلیف نمایند
که جناب خدیو مصر را معزول و جناب حلیم پاشا را
بخدمت دیوت منصوب و به همراهی یک فروند

کنتی زوهدار عثمانی با مسکنندریه فرستاده
شود .

داخلیه

روز شنبه گذشته برای تدقیق و حل مسائل
مهمه متاوله نامه (ینکی بازار) و فقره روم ایلی
شرقی و تحدید حدود یونان هیئت وکلای فحسام
دزسرای همابون (یلدیز) در زیر ریاست اعلا
حضرت پادشاهی بطور فوق العاده عقد انجمن
مشورت فرموده اند .

جناب جلالتآب معین الملک سفیر کبیر ایران
که عارضه داشتند بمحمداه تعالی بکلی رفع عارضه
شده سه چهار روز است بدیوانخانه سفارت کبری
تشریف میآورند .

سرکار نواب جلالت مدار والاقبال الدوله
دام اجلاله العالی که چند ماه پیشتر از بغداد
بدر سعادت آمده و عازم اروپ شده بودند اینروزها
عودت فرموده پرروز وارد دار السلطنه العلیه
شده اند .

امشب که شب پنجشنبه است سرکار نواب
مشاویه باعضی از وکلا و رجاء دولت علیه
در سفارتخانه عالییه ایران معین جناب جلالتآب
سفیر کبیر هستند .

عالیه مقام قرب الحضرت العلیه محمد آقا منشی
و دفتر دار سفارت علیه ایران بابقای دفتر داری در
صهده موی الیه منصب نیابت دوم سفارت کبری
اعطاشده است .

در خصوص مسئله مصر و جناب خدیو
از جانب دولتیون انگلیس و فرانسه با اعلی هنوز

بطور رسمی هیچ گونه تکلیفی واقع نشده است ولی از طرف جناب خدیو ابضاحات مفصله در این باب بایعالی رسیده است .

بدیهی است که بایعالی در این مسئله منافع دوات علیه را منظور خواهد داشت . وقت

ترجمه تلگرافی است صکه روز دوشنبه گذشته ۲۳ ربیع الاخر از پترزبورگ در اسلامبول بفرست روسیه صادر شد از اینجا بایعالی تلغاف کرده شده است . روز یکشنبه گذشته که روز اول عید عیسویان بود اخلا حضرت امپراتور در میدانی که در پیش روی سرای امپراتوری واقع است طرف صبح درحالتیکه در یک طرف میدان هیئت ماسورین خارجییه و در سمت دیگر ارکان حرب و صاحب منصبان دأره حریه ایستاده بودند دوسه ساعت از روز گذشته امپراتور مشار الیه در آن میدان گردش میکرد از طرف دأره حریه یک نفر بناگاه باروولور **طایفه شش لوله** چهار تیر بقصد امپراتور خالی کرد ولی خطا کرده از هیچ کدام صدهه باعلا حضرت مشار الیه نرسیده است . و شخص مزبور در همان جا گرفتار شده است . کویا این حرکت از تحریک نهاییتها بوده است .

این سوه قصد در باره امپراتور روس دفعه سوم بود که بوقوع پیوست بار اول در سال ۱۸۶۷ در بازار عمومی پاریس از یک نفر پرزوسکی نام . دومی در پترزبورگ از جناب (قراقرزوف) نام دومی این بود که در تلگراف هتور نام او تصریح نشده است .

در هفته گذشته تصواهی که برای اعانه ابطال قوام از جناب وکلای فحلم و شامزادگان عظام داده شده بود نوشته شده است و آنچه بعد از ۲۷ اذرماه روی تادپروز وجه اعانه بکومیسون ابطال قوام رسیده است بقرائذیل قلمداد می شود .

کسور قاقه صدقروش جمع هفته گذشته	
۵۸۲۸۱	
۵۵	۳۳۰۷ در ۲۸ اذرماه روی
	۱۶۳۷۸ در ۲۹ ذرماه روی
۵۵	۷۷۹۶۶ بکون

چنان هفتاد و سه هزار و نه صد و شصت و شش عدد قاقه صدقروش و پنجاه پنج فروش است .

پولیتیک

مشقه تازه مصر و پولیتیک

گرفتاری مصر بدون مستر که باعث این شده که دولتهای فرانسه و انگلیس مداخله در کار مالباتی و دیگر منابع ثروت مملکت خواستند و خدیو مصر را واداشتند بر اینکه خواهش و قبول نمایند گذاشته شدن وزیر مالیات و فوائد عامه مصر را از انگلیس و فرانسه . و همین طور خواستند و گذاشتند و چندین بدین منوال این دو وزیر بیکانه در کار داخله مصر از جهت مالیات و فوائد عامه استقرار حاصل نمودند . و زمام امور را در دست گرفتند و تصرفاتی که در تنظیم و ترتیب مقصود لازم دیدند بکار بردند . در این اواخر از یک طرف سخت گیری در حق بعضی ارکان حکومت و چا زان خدیوی و دلگیری بعضی از طبقات نوکر از جهت قطع مقرری و یاکم کردن معاشات با تاخیر در ارسال وظائف و از طرف دیگر وفق ندادن اداره بیکانه با وضع قدیم ملک و مملکت و مختلف بودن طبایع آنان با کسانیکه از اهل ملک طرف علاقه مطالب هستند . و جهات و اسباب دیگر که از اصل مقاصد مکنونه محسوس میشد باعث این گردید که حضرت خدیو معظم بیک طور ضربه منتظر آن دو وزیر را که بخواهش و مقابله از اروپا آورده و دو وزارت عمده مملکت را بدست آنان سپرده خود را نیز تابع رای و قرار داد آنان ساخته بودند بکدهمه از شغل خودشان معزول کردند .

این است که در تلگرامهای از انسی چند روز است در صراحتی مطلب کشاکش است و گفتگوها دارند . و اخبار نویسان اروپا و اینچاهای رای و مطالعات خودشان را بیان می کنند . و در بیان سخن میگویند بایاد خدیو از عهدینه کار بر آید و دلائل حقه خود را در مقابل دولتین انگلیس و فرانسه اقامه کرده از تدابیر مالیاتی اطینتی بدهد و با اینکه کار خدیو مصر مطلقا در معرض تفرقهها خواهد افتاد . و تمام که در این میان است . که این سخن را در این شش ماه گذشته و نام کرده و از این بی خبری و تاخیر فکرمند و حضرت خدیو مصر در مقابل . و در این زمان در حال اروپا این کار را بجهت ملاحظه اقدام نمودند . اگر همین (مسو وین و پاریس و لندن) انگلیس با امر مالیات و (مسو وین) فرانسه بوزارت فوائد عامه بجهت مقابله و قرار داد رسمی شده است و تعیین مان و عزل و نصب مفیدی بین وزارت از بد افکار خدیوی بیرون بوده است چگونه می شود که در همه خدیو مشار الیه آنرا معزول نمایند و بختیاری هم با کسب نکنند . پس معلوم است که ملک ناز در این زمینهها نیست و خدیو مصر مقید و مشروط بر این نبوده اند که آن سووزر را بناچار در خدمت همین مملکت استخدام نمایند و عزل و نصب آنان در بد اقتدار شان نباشد . بعلت آنکه این مطالب منافی با فوائد حقوق دوله و مال است و اروپا را حتی بیست همچنان تکالیفی بخیو مشار الیه نباید خصوصاً که خدیو خود در دادن اختیار دو شصت عمده حکومت دولتها دیگر اختیار مطلق ندارد . در این حال معلوم است که رحما حضرت خدیو علی الظاهر نباید طرف مسئولیت باشند . و البته تدبیری اندیشیده و خیالی کرده اند که جناب انگلیس و فرانسه را از آتروی بدهند و اسکاگت نمایند چنانکه از تلگرامها هم تفصیل این مطالب اشعار شده است . اینها جهات ظاهری مطلب است که مخفی است که در روزنامهها و تلگرامها بطورهای مختلف مشروح است . ولی از جهت پولیتیک نیز ملاحظاتی در این مطلب باید کرد .

دوات انگلیس که منافع خود را میخواهد بدستباری دولت فرانسه نگاهداری کند او را در امر مصر سهم ساخته مشترکا امر مالیات و فوائد عامه را برعهده گرفته و این را مقدمه مداخله در کلیات امور مصر دانستند و برای رو

تاریک و تیره اش ساختند . و مع ذلك بصورهای
 که خیلی بخنکی پدیدانند کاری باخدیویم بسته
 اقدام باجرای آن نمودند ولی ثغبه زود در ز کرد
 از آن طرف هر دولت روس این قدر هائمی بیست
 تعاقب از تدابیر انگلیس و فرانسه داشته باشد پیشا
 در جزو انگلیس در توی کار داشت و دارد . و دولت
 روس نمی گذارد دولتین مشارالیهما بی دخل
 و غرض در خاک مصر و شامات را محکم نمایند دولت
 روس غافل از یونان و رقیبان خود نیست روس
 بحسن تدبیر که بدست یاری قوت کارها در جهان تواند
 کرد که سرد راه تدابیر انگلیس و فرانسه بشود .
 یاری در همچنان وقت نازک که موعد اجرای بعضی
 احکام عهدنامه برلین در روم ایلی شرقی و بیرون
 رفتن عساکر روس از آنجاها رسیده است این
 مطلب بایستی معلوم بشود که دولت انگلیس
 و فرانسه تا چه درجه در امر مصر حق مداخله
 دارند و مقصودشان تا کجا است . و از آن طرف
 هم مامورین دولتین مشارالیهما در عمل خودشان
 اقتدار و استقلال بزرگی نشان میدادند که بخود
 خدیو هم برمی خورد در این حال هم نمی توان
 گفت عزل کردن خدیو (رپور و پلسون)
 و مسیو (بلینیر) را از وزارت مالیه و فواید عامه
 تنها از ملاحظاتی داخلی و تخصیص شده بل یاد
 آوری هم از خارج شده است تا آنکه حرکات
 طرف مقابل یعنی انگلیس و فرانسه در این میان
 معلوم بشود و حد مداخلات فهمیده آید .
 دولت های اروپا با همه اطمینانی که از وضع کار و از
 آگاهی و قدرت دولت روس از جهت پولنیک
 و عملیات دارند باز بغافل باغفلت می خواهند
 کاری از پیش ببرند ولی تا کارها چنان است و اتفاق
 در رعایت حقوق در میان دولت های بیست و همه
 آنوقت این کارها هستند و منافع خودشان را مقدم
 بر هر ملاحظه می دانند و تجاوز بحدود حقوق
 دیگران را آیین دیرین کرده اند بحال است دولت
 روس آرام بنشیند و بگذارد انگلیس و فرانسه
 باراضی مقدسه که مرجع همه طوایف و ملل عیسویه
 است تسلط یابند با آنکه اگر داعیه جم تکبری
 است که میکوبند دولت روس را است و تا اراضی
 مقدسه در دست وی نباشد چگونه می تواند
 مقصود را حاصل نماید اروپا از مدنیّت و عدالت
 و حریت لاف میزند لکن حرکات و اطوار این
 معانی را نمی پروراند . می گویند دولت روس غیر
 مشروطه است و وضع آن منافات با حریت و عدل

و مدنیّت دارد و تسلط او در خطه زمین باعث عقب
 ماندن تمدن و حریت است مع ذلك اسباب تسلط
 او را ترتیب میدهند . آری اگر دولت های بک دل
 و یک زبان حدی برای حق هر کسی معین کرده
 و همه متکفل نگاهداری آن حدود می شدند از
 عهدی کفالت هم بیرون می آمدند ممکن بود کار
 جهان بنظم و اعتدال برود و جهان یان آسوده باشد
 ولی نه همچنان حدی برای حقوق معین کرده اند
 و نه آنچه را معین است تکفل و رزیده اند و نه
 آنچه را تکفل دارند در عهدی شاخته حق کفالت را
 بجا آورده اند زیرا هر کدای یک تدبیری جلب
 منافع خود را منظور دارند و بس . و در این حالت
 البته کسی که قوت و دست بیشتر دارد کار را بیشتر
 خواهد گرفت و دست او بالای دستها خواهد بود
 پس مقصود او زودتر حاصل خواهد شد بنابراین
 چه در کار مصر و شام و چه در مطالب دیگر با این
 وضع شک نیست پولنیک روس را قوت هست
 و روز بروز قویتر خواهد شد مگر آنکه تدبیر دیگری
 بیندیشند و اساس دیگر در کار بگذارند تحقیق این
 مطلب از جهت بیگانگان همین است که اجالا
 معلوم است اما از جهت خودمان نیز باید اعتراف
 کنیم و برخود هم مستند نسازیم که تا دولتهای
 اسلام تابع خیالات و تدابیر بیگانگان در امور
 داخلی خودشان هستند و علاوه بر این یک نفاق
 و اختلاف در هیات دولتها و حکومتها و در میان
 افراد واجناس و طوایف اهل شرق زمین و ملتها
 و طوایف اسلام هست در آنکه زمانی خودمان
 ولایت و دیانت خودمان را در معرض هلاکت
 دانسته و خود را زبون و خوار شده در دست
 بیگانگان بینکاریم با جمله باقی این مطلب را
 حوله بوجودمان و حیثیات آحاد و افراد اسلامیان
 می کنیم و غیرت آنان را در این میان حکم فرار داده
 در اینجا سخن را پایان میرسانیم .

خارجیه

در (جریده عسکریه) که از اخبار نامهای
 نیم رسمی اینرهای تخت عالی است کاغذی از اخبار
 نیکار طهران نوشته شده است که بفرار ذیل ترجمه
 میشود .

معلوم است که چندی پیش از این سیزده نفر
 از صاحب منصبان و امرای عسکریه اوستریا
 بطهران آمده اند چند نفر آن صاحب منصبان
 که منسوب بصنف توپچگری بودند بامر رسیده می
 توپها و تفنگهای که در طهران هستند آغاز
 کرده اند تا عسکرون در ایران برای نشستن
 لشکریان (سر باز خانه) مخصوصی نبود و غالباً
 لشکریان را در پاره کار و انصرافهای اجاره
 سر باز خانه نامیده می نشانند . این بار از جانب
 اشرف اعلا حضرت پادشاه ایران امر و اراده
 فرموده شده است که در حوالی شهر سر باز خانه
 که هفت هزار نظام پیاده را کنجاایش داشته باشد
 ساخته شود و امر سرکشی انشای سر باز خانه
 مذکور نیز یکی از صاحب منصبان اوستریا
 محول شده است که در امر ساخته شدن استحکامات
 مهارت داشته است .

سیزده عرانه توپ (اوختیوس) که از
 اوستریا خریده شده است بی درنی بطهران میرسد
 و این توپها تماماً رسیده خواهد بود .

اراده اعلا حضرت پادشاهی بطور قطعی
 شرف تملق گرفته است که در طهران (جاندارم)
 گذاشته شود لهذا (کونت مونه فورنه) نام
 صاحب منصب جاندارم که از اروپا آورده شده است
 بایضای ماموریت خود می بردازد اگر چه در این
 فقرات بعضی از حضرات بجهتین موافقت نباید
 داشته باشند ولی در مقابل اراده قطعیه اعلا
 حضرت پادشاه اجتناب از مقابله می نمایند .

این توپها جریده رسمی بنام (مرغیج)
 در اینجا احداث شده است و تا کنون سه نسخه
 بیرون آمده بود که هر سه نسخه آنرا برای اینکه
 منظور شما بشود فرستادم .

جریده عسکریه

جریده رسمی عسکریه که در طهران بنا
 شده است اگر چه هفته یکبار و در دستگاه چاپ
 سنگی (لیتوگرافی) طبع و نشر می شود ولی
 متدرجاتش شایان مطالعه است و علاوه بر اینکه
 جامع پاره نوادر ادبیات و اوضاع عسکریه است
 تاریخ قیصره و جنگهای تازه و قدیم عثمانی و روس
 را نیز می نویسد .

در نسخه شماره سوم (مرغیج) مقاله درباره

مبادی تنسیقات عسکری دیده شد که ترجمه آن را بطور اختصار درج صحیفه افتخاری کنیم .

برای اینکه تنسیقات عسکر به از قوه بفعل آورده شود از جانب حضرت اشرف سپهسالار اعظم بجهت اطلاع دادن بصاحب منصبان اوسترابی از اوضاع حاضره اداره عسکر به که تاکنون در ایران جاری است لایحه نوشته شده بمرتبه که رئیس صاحب منصبان مومی الیم است داده شد در ثانی از صاحب منصب مومی الیم نیز متعلق به تنسیقات عسکر به که حالا در عملکات آنها جاری است لایحه خواسته شده است که در خصوص مشق و تعلیم هفت هزار از عساکر پیاده و توپچی ایران نمونه گرفته بشود . لهذا بملاحظه اینکه صاحب منصبان خارجه بفرهنگد که لشکریان ایران از تعلیم عسکری بی بهره نیستند از جانب حضرت سپهسالار اعظم آنها بمیدان مشق دعوت شده بعد از مشق در حالتیکه موریک نظامی مترجم بود رسم عرض لشکری بجا آورده شده چنانکه حرکات لشکریان موجب تحسین و تقدیر حاضرین شد صاحب منصبان خارجه نیز بجز از اینکه صاحب منصبان کوچک عساکر ایران خواندن و نوشتن میدانستند عیبی منظور نکردند و افراد لشکریان را با آواز بلند تحسین و آفرین گفتند .

جریده عسکر به در ختام این مطلب مینویسد . (اثرهای جلبله کار آگاهی که از جانب دولت علیه ایران در باره نظم و نسق قوه عسکر به که مابه القوام شوکت و قدرت اسلام و اسلامیان است دیده می شود شایسته هر گونه تحسین و تقدیر دانی است و بر مقتضای جهت جامعه اسلامیه آرزو مندیم که در این تشبثات عسکر به موفق شده عساکر ظفر ماژر دولین علیین اسلام در اعلائی کلمه الله همباز وی وفاق شده باشند)

از اخبار نامه موسوم به (زهر ریدبارا) یعنی ذرات نور منطبع در ارومی آذربایجان بزبان سرباتی گاهی ترجمه می کنیم تا آنکه معلوم بشود که روزنامه مذکور از همان مردم را گاهی بیداری سازد و آگاهی میدهد از مطالبی که آنان را در امر زندگانی لازم است :

از اخبار نامه زهر ریدبارا

حکومت فرانسه در بسیاری از کارهای پولیتیک بسبب جمهوری امریک است در فرانسه دو مجلس برای کارهای دولت و ملت انتخاب میشود یکی عمومی و یکی خصوصی . رئیس جمهور موقتا معین می شود و مدت ریاستش ناهفت سال است ولی در امریک مدت ریاست رئیس جمهور از چهار سال زیاد تر نیست . هر قانون تازه که گذاشته می شود در مجلس مذاکره شده بعد از تصویب و مناسب دانستن مجلس رئیس جمهور اظهار می کند و رئیس تصدیق و امضای نماید . در انگلستان نیز دو مجلس هست یکی مجلس عمومی که پارلمنت نامیده می شود دیگری مجلس وکلا و وزرای دولت . در فرانسه وزرای که بجهت اداره امور مملکت و انتظام و آسایش اهالی منتخب می شوند باید اشخاصی باشند که هم از طرف مجلس یا اکثریت آرام تصدیق باشند و رئیس نیز قبول و تصدیق نماید اگر این وزرا کاری بکنند که منافی بودن آن بامناف دولت ظاهر گردد باید دست از منصب خود بکشند یا این همیشه سعی میکنند که خدمتی بر آستی در راه دولت و ملت خود بکنند .

و چون وزیری از منصب خود دست کشید رئیس جمهور را است انتخاب و زردیگری بجای او و بعد از آن در باره او قبول یا عدم قبول خود را اظهار می کند حال در فرانسه دو فرقه هست یکی هواخواهان جمهوری است و دیگری هواخواهان پادشاهی . این قسم آخری هم دو گروهند یکی طالبان سلطنت یک خانواده اند و دیگری طالبان خانواده دیگری بخلاف آن . هواخواهان پادشاهی میگویند ملت فرانسه بر نخوت و دیر رانند یک پادشاهی مقتدر با قدرت و سطوت لازم است که اداره ملک و ملت را بطور دلوخواه راه اندازد . ولی هواخواهان جمهوری حالا خیلی زیاد شده اند . مارشال ما کاهون دوست جمهوری بودند و وزیران او هواخواهان جمهوری بودند او خود میدانست .

دو علت بود که مشارا بیه استعفا نمود یکی برای نبودن وزیران یا او دیگری ایستادگی او در عزل صاحب منصبان بزرگ نظامی که در باطن هواخواهان جمهوری نبودند . در انتخاب اعضای مجلس بمیثان حامیان جمهوری خیلی قوت داشته اند و چنان معلوم می شود که طرف مقابل خیلی ضعیف شده است و بعضی میگویند هواخواهان جمهوری

چندان جسارت پیدا کرده اند که عاقبت کار دوز نیست که باهت خرابی کار خودشان بشوند .

اختر

اخبار نامه مذکور فوق اگر چه ذر خصوص مجلسان دولتی و ولتی و عمومی و خصوصی فرانسه و انگلیس با جلال و ابهام گذشته است لکن همیشه در که نوعا اطلاعات خود را در یک گوشه ایران منشر می سازد باز ما بده امتنان است مطالب فوق را مادر نسخهای اختر بتفصیل تمام بارها نوشته و اسباب نظم و آبادی و ترقی ممالک غریبه را هم معلوم داشته ایم . وضع جمهوری و پادشاهی و دو قسم بودن کلیه این دو مذهب و طبی و مقیدی پادشاهی و غیره مشروط بودن سلطنتها مطالبی است که در اروپا معلوم و معهود الامساس است و چون اهالی مشرق زمین از این سوالم دورند و اگر برای آنان از این مطالب سخنی گفته شود مانند حکایت و امثال بنظر می آید این است که پری شرح و بسط دادن هم باعث ملالت خاطر ایشان تواند بود . هنوز ما مشرقیان معنی اشخصاص و مقامات را با فرق میان هیئت و نوع با افراد و آحاد بطور لایق تفهیمیده ایم حال آنکه اساس دین ما هم بر این است . فرضا میگوید هرگاه یک وزیر یا جله و وزرای دولت کاری کند که وکلای ملت اعتراض نمایند و رسانند که آن کار منافی مصالح ملت بوده است آن همه وزرا باید معزول بشوند مارشال ما کاهون که چندین سال ریاست دولت فرانسه را داشت دست کشید چرا ؟ بعلت آنکه او هواخواهان جمهوری نبود ماها کارها را بشخصیات و اشخاص تابع می کنیم ملت های مغرب زمین اشخاص را تابع کارهای سازند . در فرانسه برای کارهای ملک و مملکت آدمی خواهند و ما برای آدمها کاری خواهیم پیدا کنیم می بینیم نوکری با یک والی و مقام مقامی دور روز در خانه نشست اسباب فراهم می آوریم که بعرض وکلای دولت برسانیم که این شخص مدتی است بیکار است برای او یک کاری باید پیدا کرد و ما مورقی باید داد و هیچ کس نمی گوید فلان کار مهم و عده دولت و مملکت

بی صاحب است و در دست اهلیش نیست آدمی که
 لایق این مقام است باید پیدا کرده کاشته بشود !
 و بدین قرار است کارهای دیگر ماکه همه از یک
 سرچشمه آب برمی دارد حال آنکه باید این شخص
 را ملاحظه بکنیم و کار و مقام و حفظ نوع و همت
 راهبش ملحوظ داشته از حدود شخصیه صرفی
 فقیر داشته باشیم .

اهل معنی و سالکان طریقت در بیان باره
 مطالب چنان داده اند که چون اعیان
 فقیر کنیم می بینیم مطالب بسیار بزرگ با در قاف
 اللفظ در سبک و طریقت خودشان بطوری
 گنجانده اند که آن مطالب در همه شبه های امور
 دینی و دنیوی بکاری آید ولی چون این مطالب را
 می خوانیم می گوئیم اینها عرفان باقی است و مشایخ
 طریقت و اهل سلوک اسلام در عالم دیگر غیر عالم
 جسمانیه بوده اند و سخنی گفته و رفته اند حال
 آنکه بفرموده مولانا * خود حقیقت نقد حال
 ما است آن * باطله سخن در ملاحظات شخصیه
 و نوعیه و معنویه بود از شیخ شبستری علیه الرحمه
 یک فرد شنوی از کاشان راز بخاطر آمد که
 می فرماید .

آب مبدل شد در این جو چندبار

عکس ماه و عکس انجیر قرار

این معنی را اگر درست بفهمیم خواهیم
 دانست که شخص در کارها باید ملاحظه بقای
 آثار آن را کرده اقدام نماید نه شخص خود
 و نه ساعت انتفاع خود را ملحوظ دارد در اینجا
 سخنان بسیار خوب است و در واقعش هم گفته
 خواهد شد ولی اساس سخن همین دو کلمه است که
 نکارش یافت .

موافق بر آوردی هککه آخربها در پاریس
 در خصوص روزنامه شده است معادل هزار
 و یکصد و نود اخبارنامه روزانه و هفته و سالیانه
 در شهر مذکور بوده است .

از آن جمله هشتاد یک جریده متعلق با سور
 دیزیه و صد چهارم فزون حقوق و اداره و یکصد
 و پنجاه و نه با مورد تجارت و مالیه و صدوسی و نه
 مزاج و اطائف و سی و یک معارف عمومی تعلق
 دارد و چهار روزنامه نیز در فن فو و کراف و هشت
 در فن معماری و بازده در علم موسیقی و هفده
 در فنون تبار و تاشاخانه و حکایات و هفتاد در
 غرائب و انواع افسانه و صد و چهارده در صنایع
 مختلفه و هشتاد در فنون طب و حکمت نیمه جدول
 و هشتاد و نون و علوم شریعه و بیست و نه در فنون
 عسکریه ریه و بحریه و سی و هشت در صنایع
 فلاحی و زراعت و بیست و سه در فنون معماری
 و بیست و هفت در توضیح و بیان مواد مختلفه
 است . روزنامه های رسمی هر روزی چهارده
 و آنچه از سیاسیات سخن میگوید هفده روزنامه
 بوده است .

کاغذ ارتبر بعنوان ذیل رسیده و خواهش
 کرده بود که در مجله بفی اختر درج شود هفتاد و هشتاد
 در اینجا ثبت می شود .

کول زدن و چشم بندی

روزنامه مرسومه به مریخ در پنجم شهر
 محرم الحرام هذ السنه ۱۲۹۶ در طهران با مضای
 سرکار آقای صبح الدوله محمد حسن خان تازه بیرون
 آمده و البته نسخه از آن با اداره شریفه اختر
 رسیده و با خواهد رسید و منشی محترم اختر ملاحظه
 خواهند فرمود که در عنوان و دیباچه آن چنانکه
 رسم و قرار جمیع روزنامهجات روی زمین است در
 اول روزنامه می نویسند (این روزنامه با کازت
 از فلان کونه مطالب و علوم و فنون باعلان وقایع
 و اخبار سخن خواهد گفت) منشی با بدی مریخ
 هم آنچه در مریخ نوشته خواهد شد در دیباچه
 مریخ قید و تصریح کرده الا از آزادی و حریت
 که ابتدا اسم نبرده مع هذا نمیتوان فهمید که عبدالله
 نام مقاد عبدالله اختری بچه استناد در نمره ۳۷۵
 مورخ ۱۵ محرم هذ السنه در صفحه دوم
 روزنامه مرسومه باریان منطبقه در طهران
 که روزنامه رسمی دولت است با تعجب زیاد و اظهار
 سرزنشای بی موقع که خالی از اختلاط بر تعلق و ربا
 نیست در تعجب روزنامه مریخ چنین می نویسد
 که (همتا به اجازت آموز کار سرازطوق رسمیت
 و پای از قبیل رقیب بیرون کشیده مطلق العنان

در میدان حریت جولان میکنی) عبدالله مقاد
 بعد از دادن داد فصاحت و درج چندین عبارت
 که هیچ لزوم نداشت بازی نویسد (تا اینکه
 بعد از آنکه روزنامه مریخ ایجاد شد و زنده
 آزادی و بشارت حریت او بسام اهل این مملکت
 رسید) حق پرستی و حق بینی منشی محترم احترا
 حکم کرده انصاف می طلسم نمره اول مریخ در پنجم
 محرم بیرون آمده و رقمه عبدالله مریخ در ۱۵
 محرم در روزنامه رسمی طهران منع شد تا این
 افتخار و تعجب و سرور بی موقع قبل از وقت را
 دلیل چیست که عبدالله مقاد فقط مدیون
 و سادات حقوق است و سادیت که در دیباچه و عنوان
 مریخ نوشته شده با آزادی و حریت ناویل و تفسیر
 نوده سهر و خصای عقلم آمده و از بعد و تلفظ
 چنان نوشته باید گفت اشده مکار و ناچند چشم
 بندی تا کی و نیز عبدالله مریخ در چند جای همان
 رقمه لفظ و عبارات بی منی چند نوشته اش این که
 می نویسد (تمیذایم بچه زبان رب النوع حرب را
 که ناز از مطامع سعادت و لذت نفس ایران مانع شده
 تهتیت گویم) بنده حقیر عبدالله اختری می گویم
 که اگر ما غیرت و حقیقت و حب وطن داشته باشیم
 باید با هزاران آه و حسرت بخود تعزیت گویم
 نه تهتیت چرا که هنوز خیالات پست خود را با چنین
 الفاظ و عبارات ابله فریبانه مشغول می کنیم و از
 هجوم سیلهای مهیب و حوادث ناگوار ناگهانی
 هرگز متنبه نشده و خود را بخواب خرگوشی می ذمیم
 رب النوع حرب با اسلامان چه مناسبت دارد این
 عقیده و نایان قدم است ما اهل اسلام که رب
 النوعها یعنی خداهای متعدد قابل و معتقد نیستیم
 که ستاره مریخ را رب النوع حرب بدانیم مورد
 سرزنش است صاحبان چنین اعتقادات فاسده
 چرا به آیین شرع خود دمان حرف نبرند که همه
 بفهمند و نیز عبدالله مقاد در همان رقمه می نویسد
 (بهرام فلک که بصفت خون آشامی موصوف
 و بهرم سعادت معروف بود اینک با این خجسته مولود
 یعنی روزنامه مریخ شرف همتا می یافته الی آخر
 صباره) از وجود ان اختر انصاف میخواهم آیا این
 عبارات صحیح است آیا می توان گفت مثلا روح
 اسکندر کبر شاد شده فخر کند که با اسکندر کوشای
 فلان قریه همتا شده با روح پاک حضرت موسی
 علی نبیا و علیه السلام سرور و مقهر شود که با آقا
 موسی دیوانه هم اسم گشته بلی در شعر و شاعری
 و انشادر ایران معمول است اغراقی کو بی و تشبیهات

نامناسب بی معنی ولی در روزنامه رسمی دولتی که همه جای دنیا منتشر می شود از نوشتن آنچه نجات صبارت که محض چاپلوسی آن به آموزگار شعبه کار است باید اجتناب ورزید در این باب مضمینهای حق و صدق زیاد داشتم لکن بچندین ملاحظه صرف نظر کردم حال داخلی شوم با اعتراضاتی که در مطالب و صبارت روزنامه مریخ دارم من جمله در صفحه دوم نمره اول چنین می نویسد .

فایده

- (عوام الناس از بد و ظلم تا کنون از هر طایفه)
- (و هر ملت که بوده هستند مطلبی را که نظام)
- (عالم منوط و مربوط بدان است باین کلام)
- (بی معنی و قول مستهجن تحول نموده اند)
- (که قوت طرفی سبب بطلان حقانیت طرفی)
- (است باین معنی که هر شخص با هر ملت که قوت)
- (بدنی با قدرت حربی دارد می تواند بر دست)
- (خود نا حسابی کند شاید در ارمنه سابقه که)
- (هنوز قانون تمدن رواجی نداشته و حقوق)
- (ملل را وقتی نبوده این تصورات صورت)
- (صحت و حقیقتی داشته الی آخره)

واقعا اگر این سخنان حقیقت دارد که مریخ می گوید که یک شخص باین دولت و ملت با قدرت نمی تواند بر دست و به بی قدرت تر از خود زور

شاه عباس

در نهم و نود و پنج یا شاه شد و بمشورت مرشد قلینان روز جلوس چند نفر از سردار کارا بخو مخوامی ما رو برادر بگشت دستر مصطفی میرزا عمیری خود را ترویج نمود چندی نداشت که سرداران برسم سابق اتفاق کرده بر دوسرای شاه آمده فریاد برآوردند که ما مرشد قلینان را میخواهیم و اگر پادشاه او را بخواد پادشاهرا هم میخواهیم شاه عباس از سرا بیرون آمده مرشد قلینان را بخواست و فریاد برآورد که من مرشد قلینان را خواهم هر کس مرا خواهد بسوی او ورود بعضی سرکردگان خایف شده بجانب او رفتند و برخی که پایداری کردند بحکم شاه عباس سرشان بیرین

کند و قانون تمدن و حقوق ملل و عهدنامه هارا سد طریق تمدنی متعدیان میداند از گذشته ها چند واقعه را می نویسم تا رسم به واقعات ۴۶ سال قبل به اینطرف در زمان سرکونسللی بوناپارت ناپلئون اول که دولت انگلیس بموجب عهدنامه این عهد کرده بود جزیره مالطه را تخریب کند چرا نکرد و ناپلئون اول محض حفظ حقوق عهدنامه مجددا شروع بچنگ نمود سبب چه بود ایام طورهای روس جنگهای متعددی که بعد از هر عهدنامه با وات عثمانیه کرده و در هر جنگ یک قسمت بزرگ از خاک عثمانی را متصرف شدند و همچنین دولت روس بعد از عهدنامه کلستان قراباغ که با دولت ایران داشت محض طمع بردست اندازی بچنگ ایران میکرد و مغفور عباس میرزا نایب السلطنه نامه شکایت آمبر به پرنس مترنیخ صدر اعظم با وزیر امور خارجه دولت آوستریا از تعدیات روس نوشت مع هذا دولت روس باسظهار قوت قادرانه خود از عهدنامه کلستان صرف نظر کرده و با ایران جنگ در انداخته باز قسمت زیادی از خاک ایران را متصرف شده و عهدنامه ترکمان چانی را بدخلخواه خود منعقد کرد اینها را چه معنی باید داد آیا باید گفت که آن ایام هنوز حقوق ملل و عهود دیوانی را چندان رعایت نمی شده بازی بیابیم به وقوعات بیست و هفت

سال قبل تا حال بعد از جنگ سبواستوپول که شش دولت بزرگ بموجب عهدنامه پاریس به استقلال سلطنت و تمامیت مملکت عثمانیه ضمانت کردند و نیز موافق همان عهدنامه مابین دول سببه مقرر شد که از دول معاهدین اگر دولوات در مسئله باهم مخالفت بکنند بررض بیخ دولت دیگر برسانند و بدون این اقدام بچنگ نکنند باوصف این دولت فرانسه چه با آوستریه جنگ کرد و بعد دواتین روس و ایتالیا متغفا چرا با آوستریه دعوی کردند آنوقت هم حقوق و عهود رعایت نمی شد دولت روس موافق عهدنامه پاریس حق نداشت در بحر سیاه کشتیهای جنگی داشته باشد در حالتیکه روس با فرانسه شروع بچنگ کرد دولت روس فرصت را غنیمت شمرده این حق را مجددا برای خود تحصیل کرد مگر دول معاهدین بمل خود این حق را به روس دادند خیر انگلیس چون متفق نداشت نتوانست در حمایت دولت عثمانی جواب روس بدهد این بود که باغضی کذا کردند ایا این شازدیک و هولتین دست دوات دایمارک و ملک او بود تخمینا هفده سال قبل دواتین روس و آوستریه متفق شدند بقوت حرب از او گرفتند این تعدی آنها بکدام فصل حقوق ملل با عهود دیوانی موافق بود دولت روس لهستانها را آنهمه لکه مال کرده انواع نهیات در برابر انگلست نمود و به حرف و نصیحت

مستخلص دارند و چون از این کار آسود شد نظم مملکت برداشت و اصفهان را بان تخت کرده اینه طایفه در آن ساخت که هنوز ریاست و مقام انظار است و سالی سه ماه را بجهت تزیین آنجا اسبان میارند ان معیت که آن مملکت از زحمت ار بکان محفوظ ماند و در زمان نادر نیز پادشاه شکر نهاد چند بار لشکر بقرستان کشیده به مقصد بازگشت و با سلطان عثمانی نیز بارها جنگ و صلح کرد چند نوبت نیز لشکر بقرستان کشیده بعضی از شهرهای آنجا را خراب کرد و از آنجا اسیری آورد بغداد را نیز بگرفت و زیارت عتبات عالیات قایل شد دود فیه از اسپانیول و پورتغال ایلیمی نزد او آمده بدخوشی بازگشتند و او نیز ایلیمی بان دو مملکت و با ایتالیا فرستاد زیاد تعصب مذهب داشت

رفت رکار مرشد قلینان بالا گرفت آنکه لشکر از یک بازجرات آمده قتل و غارت کردند و شاه عباس با سپاهی رو بخراسان نهاد در اصفهان مرشد قلینان را که غروری پیدا کرده و بحرف شاه عثمانی نمیکرد بگشت و میرزا محمد عثمانی الدوله را وزیر کرد و در آنجا شنید که از بکان در مشهد کشتار و بانی کرده اند برحق عجله نمود و چون از بکان آمدن شاه عباس را شنیدند بقرستان بازگشتند شاه عباس بمشهد آمده چندی در آنجا ماند و باقی ماند کار انسللی داد و بقزوین بازگشت و اصفهان الدوله را از بد کرداری پسرش خانه نشین و لقب او را بحاتم یک اردو بادی داد و با سلطان محمد پادشاه عثمانی مصالحه نموده فرار دادند که هر چه از ملک بکدیگر در تصرف دارند واکذارند و اسرای طرفین را

و توسط تمديد هيچ دولت اعتنا نكرد و گفت بامور داخله من كسى حق مداخله ندارد اما خودش مظلوم بودن بلغارهارا بهانه كرده اينقدر انگشت بكارهاي عثماني كرد كه آخر كار را بچيك كشيدند و مقصود خود را از پيش برده عهدنامه ايستافتوس را بادولت عثماني بست و در حالتيكه هنوز در دروازه اسلامبول بود دولت انگليس جلو او را گرفته مجلس كونگره را در برلين فراهم آورد و نتيجه اش معلوم است كه چه شد روس در تركستان چه حق دارد انگليس در افغانستان چه ميكند محمد شاه مغفور هرات را كه ملك قدم ايران بود مي خواست بگيرد روس چرا تقويت ميگردد و انگليس با کدام قانون تمدن مانع شد تا بوليون اول كه پيغمبر سلاطين بودي گفت (عهدنامه ها در سرنيزه ها است) يعني قدرت و قوت عسكريه هر دولت زياد است عهدنامه او با سايرين مجري است آيا انصاف است مثل نابوليون شخصي را داخل عوام الناس شمرد مرحوم ميرزا بزرگ قائم مقام در ايام جنگ دولت ايران با روس از ايليچي انگليس ثنا كرد كه دولت انگليس بادولت ايران در جنگ با روس جتفق باشد ايليچي جواب داده بود كه محال است دولت انگليس با دولتيكه اشكر منظم و صاحب منصبان معلم و اسلحه كامل و قلعيان مستحكم مملو از آذوقه وغيره وغيره نداشته باشد در جنگ اتفاق كند

در عهد او شخصي تا بهيچي مذهب در قزوین پیدا شد و جعي با واردت پیدا کردند شاه عباس حکم کرد او را با سر بدانش بکشند ساده زیارت بشود مقدس رفت و در بیشتر از مواضع ایران عمارت ساخت و در راهها کاروانسراها بنا کرد آخر نيزه خود صني مبرزارا وليعهد کرده خود در مازندران در هزار و سي و هفت انتقال نمود پادشاهيش چهل و سه سال .

شاه صفي

چون پادشاهي نشست حکام به نيت او باصفهان آمدند و او بعضي را دوباره بحکومت خود مامور و برخي را معزول کرده ديکري را بجاي

بنده باختر هم عقیده هنم هر دولتي كه قانون مذهبي و ملتي و دولتي خود را كاملا رعایت نميابد و بارعايای خود بسدالت و نصفت رفتار كند و در آبادي مملكت خود چنانكه بايد بكوشد مساوي اورتق خواهد كرد و از تسلط بيگانگان حتي الامكان مصون خواهد بود و الا به بهاي اين حرفها هيچ نخواهد داد جز ملامت . روزنامه بايد افكار و اطوار و اخلاق مردم را اصلاح نموده چشم بصيرت ملت را باز كند اينكه برده از تورييه پيش چشم مردم كشيده در وادي جهل و ناداني حيران و سرگردان نگاه دارد بجملا حرفهاي كفتني زياد است و مجال كم هيمنقدر كه نوشته شد اگر در دلهاي سرد شده اثر كند خيلي كارها پيش خواهد رفت منشي محترم اختر در طبع همه اين مراسله با هر فقره آنرا كه در خير خواهي نسبت به ملت و دولت ايران صلاح بداند مختار است .

۲۸ ربيع الاولی ۱۳۹۶

از تبریز عبده الله

اعلان

عالیه حضرت همراه میرا عباس دو کتبه (طیب)

ایشان گذاشت پس از چندی اهل کیلان آشوبی پیاپیموده یکی را پادشاهی برداشتند و او را غریب شاه خواندند و جعی دورا و جمع شده و وی با زندران هم گاهی دست اندازی میکرد شاه صفي لشکری بد آنجا مامور و بعد از جنگها برایشان غلبه کردند و غریب شاهرا باصفهان آورده در میدان نقش جهان بکشند و برادروی در کیلان سرکشی کرده و آخر فرمان شاه صفي از پادرامد و ترکمانان استرآباد را که هر روز آشوبی میکردند نیز مقرر کرده و با همه بزرگان و سرگردگان بخراسان رفت و بسیاری از شاهزادگان صفوی را در آنجا بکشت بدادوخان کریمی شبی درستی بد کفنه وی رنجید و صبح بهر بقرا باغ رفت و لشکریان شاه را در آنجا بکشت و با حاکم کر جستان هم دست شده و بناخت و ناز

مشهور ایرانی که در معالجه اقسام ناخوشیهای چشم مهارت تمام دارد و از جانب دولت علیه ایران و دولت بهیة روس شهادتنامه های فوق العاده دارد و حامل نشانهای متعدد از آن دو دولت است و سالهای دراز در برترسبورگ و مسکو نیز اجرای علم و صنعت کرده و نام و شهرت خود را بدرجه بلند رسانیده است و شهادت نامه های بسیار از بزرگان و شاهزادگان عظام و کسانیکه مهارت موی الیه را برای العین مشاهده کرده اند دارد اکنون به نیت عزیمت زیارت مکه معظمه و مدینه منوره بدر سعادت آمد است لهذا اعلان میشود کسانیکه محتاج معالجه امراض چشم باشند به آنجا به موی الیه مراجعت کنند . منزل موی الیه در نشانی عینی در جاده موصلی که موصلی گفته میشود در زقاق شیخوس شماره (۱۵) است همه روزه تا ساعت نه در خانه مذکور موی الیه را میتوان دید .

حاج میرزا علی

اذر با بجان آمدند شاه صفوی نیز با سپاهی عزم کر جستان کرد چون بفرزین رسید بسری از وی بوجود آمد او را شاه عباس نامید امام قلیخان افشار را که حکومت شیراز داشت با سپه سرش که ملازم اردو بودند شبی در صفتی حکم کرد سر بریدند و هر چه از کسان او یافتند بکشند و با کم دیگر بجای او فرستاد و رو بکر جستان آورد داود خان ترسیده بحکمت عثماني گریخت و با کم کر جستان بمحضرت آمده شاه صفي از او در گذشت و شاه صفي ابرو از او که در تصرف عثماني بود بگرفت سلطان مراد پادشاه عثماني نیز لشکر بغداد کشید و آن شهر را محاصره نمود و قتل زیاد کرد شاه صفي بطرف بغداد رفت و بالشکر عثماني صلح کرد

(باقی دارد)



مطبعه و اداره خانه **اختر** **۲۵**
 در راسته باغالی است نمره **۲۵**
 در کارهای متعلق به اداره به آقا محمد ظاهر رجوع میشود.
 اسامی وکلای کرام در ممالک دور و نزدیک گاهی در صفحه آخرین نکاشته خواهد شد.
 روز چهارشنبه ۲ جادی الاول سنه ۱۲۹۶
 ۱۱ نisan رومی و ۲۳ آوریل ۱۸۷۹

تعارف بدلات مالیات
 دارالسلامه اسلامبول ۰۳ مجیدی سیم
 دیگر مالک محروسه عثمانیه ۷۵ فروش صاغ
 مالک محروسه ایران ۲۵ قران
 مالک هندوستان و بنادر ۱۵ رومی نقره
 مالک روس و قفقاز ۱۵ روبل کاغذی
 ممالک اروپا ۲۵ فرانک
 پست همه بیا بدهد اداره است.

**این نامه از هر گونه وقایع و اخبار و از سیاست و پولیتیک و علم و ادب و دیگر منافع عامه معین -
 و نوشتهجات سود مند را بامتنان می پذیرد - در نوشتهجات کاغذهایی که از خارج میرسد اداره آزا
 صاحبش نباید استرداد بکند - کاغذهایی که بول پست ندارد قبول نخواهد شد -**

**بیکار طبع می شود - اوراق
 را که نوشته نمی شود
 نخواهد شد -**

تکرارها

از بهر سبب ۲۵ ربیع الآخر **اعلا**
 حضرت امپراتور در جواب تبریک رئیس هیئت بزرگ زادگان برای سلامت یافتن از سوء قصدی که اتفاق افتاده بود چنان گفتند که آرزو مند بودم در یک موقع مشروعی ابتداء بایشم یعنی فرار نیک در کلیه کارها بدم ولی وقوع این قصدهای آخری بعدی مخالف آرزویم شده است که نه تنها بملاحظه شخص خود بل برای وقایع جمعیت انسانی ملت روس مجبور شدم که تدابیر فوق العاده در این مطالب بکار برده شود.

از بهر سبب ۲۵ ربیع الآخر **میو**
 فوریه سفیر فرانسه مقیم اسلامبول پاریس رسید.

در مکاره (انگولم) نام توپچی امروز
 از قضا اجزای تار به آتش گرفته و از این صدمه هفت نفر تلف شده خیلی زخمی زخمی هم هست - بیم و اندیشه هست که در زخمهای مکاره مزبور نیز پاره نشنها پیدا بشود.

از لندن ۲۵ ربیع الآخر **کازت (دبلی**
 تلگراف) میگوید که بملاحظه خطرهایی که در صورت عدم اقامه صا کر مختلط در روم ابلی شرقی محقق الوقوع است اعتقاد توان کرد که برای رفع و عدم وقوع آن در میان دولتین انگلیس و عثمانی ابتلاف افکاری حاصل بشود.

(میو و بلسون) سر نیب از جانب دولت انگلیس بکونسلیگری اناتولی معین شد.

از لندن ۲۶ ربیع الآخر **بموجب خبر**
 تلگرافی که از (مادرید) رسیده است معلوم می شود لشکریان انگلیس که در تاریخ بیست و هشتم مارس فرنگی برای خلاصی دادن (مارسون) سر نیب و محصورین قلعه (اکو و) فرستاده شده است شش هزار نفر بوده اند جمیع عشار زولوس که در اطراف قلعه مذکور هستند می و پنجم هزار نفر بوده و منتظر هجوم قوت امدادیه انگلیس بوده اند - بقدر دو هزار نفر از زوایاها بار دوگاه (اور) سر نیب هجوم آورنده ولی بشکست و تلفات زیاد عقب نشسته اند.

از لندن ۲۶ ربیع الآخر **کازت تاس**
 میگوید اگر چه لایحه که از جانب باغالی درباره روم ابلی شرقی بدو آنها فرستاده شده بود اساسا از جانب دولتها پذیرفته شده است ولی در فروعات مطلب اصلاح و ته دلی ملحوظ بوده است.

(بلان) یعنی ترتیب نقشه مالی که از جانب خدیو مصر گذاشته شده است تا بطلان و بکار نخوردن بلان مزبور ظاهر نشود مظنون است که از جانب دولتین فرانسه و انگلیس حرکتی در باره مصر وقوع زرد.

فرقه از عساکر هندوستان مامور شده اند که در بکابل حرکت نمایند.

از مارسیل ۲۶ ربیع الآخر **از جانب**
 مجلس صبحه مقرر شده است که فرار کرانتین

در باب اشیاء وارده از سواحل عثمانی بکلی برداشته بشود.

بعد از وقوع سوء قصدی که در حق اعلا حضرت امپراتور روس شده است باره تدابیر لشکری بکار برده شده صاحب منصبان روس هم که مأذوناندر (نیس) و (موناکو) بودند مامور شدند که در سرمایه های خود شان حاضر باشند.

تربیکراد ایضا **اینکه شایع**
 شده بود در شهر (نیس) سوء قصدی بر ضد پرنس صربستان شده است بی اصل است.

تخصیص پست که قرار داد رسم کرک استه و معمولات اوستریا و مجارستان در خاک صربستان زیاد شده است.

از لندن ۲۶ ربیع الآخر **لورد (دری)**
 وزیر خارجه سابق انگلستان بطور قطعی اعلان کرده است که من از گروه هواخواهان وضع حاضر دولت نیستم.

لورد (مارس) مدیر پست عمومی در مجلس امری می معونان بیان کرده است که دولت انگلیس بادتو نهی بزرگ متفق است و امید واری هست که مطالب معوقه بخوبی نتیجه پذیر بشود.

بملاحظه همین بیانات موی الیه تکلیفی که از جانب میو (کازتیک) در باب تصحیح حدود یونان شده بود رد کرده شد.

از قاهره ایضا **دیروز در (طنطا)**
 جناب خدیو مصر باطور شایسته استقبال کرده شد.

از لندن ایضا کازت (تایمس) گفت
نسخه دومی امروز مکانی را که در میان جناب
خدو مصر و اخبار نیکار تایمس در مصر شده
است بموجب بخاره تلگرافی بدین فرار نشر کرده
است .

جناب خدو مصر هیئت سابق نظار را برای
اینکه تدابیر غیر مشروع پیش گرفته و تواب را
تغیر و بر اعیان مملکت اعتماد نداشته مسم
میکرد .

جناب خدو اظهار کردند هرگاه بداره مملکت
مساعدت بشود باستاند هواخواهان ملت بحفظ
امنیّت و آسایش مملکت ضمانت میکنم .

از پترزبورگ ۲۶ ربیع الآخر (سولو
ویف) نام که قصد جان اعلا حضرت امپراتور
کرده بود تا کنون معلم اطفال مکتب بوده است .
از جناب حکومت برای ضبط و منع از باب فتنه و فساد
تدابیر سخت پیش گرفته شده است .

از لندن ایضا (سیراستافورت نورت
قوت) وزیر مالیه انگلیس در جواب سوالی گفته
است که - حکومت انگلیس در باره مصر هیچ
خواهشی از دولت عثمانی نکرده است . بدولت
فرانسه که بقدر انگلیس در منافع مصر حصه مند
است در این باب مذاکرات هست . در خصوص
مسئله روم ایللی شرقی مذاکراتی که در باب گذشته
شدن قشون مختلط در میان بود اگر چه تمام نشده
است ولی نظر دولت حکومت بجانب دیگر مخطوف
است .

مسیو (کارزیک) در باب مسئله یونان
سوال کرده و جناب ولینک در بار انگلیس را
تفصیح کرده گفته است که چون یونانستان در ایام
جنگ سابق بموجب نصاب انگلیس قاعده
بطرفی را رعایت کرده اقدام بچنگ نمود لهذا
حکومت انگلیس را است که یونانستان را تصاحب
نموده قرار کونکره را این را در باب تفصیح حدود
یونان منظم دانسته در اجرای آن سعی نماید .

ایر تکلیف مسیو (کارزیک) از جناب
مسیو (کلادسون) باصرار تصدیق کرده
شده است .

(سیراستافورت) در جواب مسیو (کارزیک)
گفته است در میان دولتین عثمانی و یونان حصول

بند بافکار که مقرون بعمل و حقانیت و موجب
عنونیت طرفین باشد زیاده بر آنچه آسایش اروپا را
لازم است نیز از امور مهمه منافع دولت عثمانی
است و در این باب هنوز مذاکرات برقرار است
حکومت انگلیس در این فقره موقفیت خود را
امیدوار است هرگاه عکس این حال بوقوع برسد
چنانکه چاره برای انجام دادن این فقره باقی نماند
آنوقت مسئله توسط دواتها میان خواهد آمد
که در آن صورت انگلستان نیز حاضر است که در این
توسط اشترک نماید . و علاوه بر این گفته است
امیدوارم که مسیو کارزیک از این بیانات و خاطر
بجی دادن من ممنون شده تکلیفی را که در این
خصوص کرده است باز پس گیرد .

از لندن ۲۷ ربیع الآخر (سیریار
سیریار) در جواب سوالی که کرده شد بمساعده
برلین خصوصاً فقره استیلا کردن عساکر عثمانی
بالکانها را تعرض کرد . لورد سالیسبری ولورد
یکونسفیلد گذاشته شدن عساکر عثمانی را
در بالکانها تصدیق میکنند .

از لندن ۲۷ ربیع الآخر (سیر
توماس میچل) از جناب دولت انگلیس
بمیزال قونسلیگری روم ایللی شرقی تعیین کرده
شد .

(کاپتن اندرسان) نیز از جناب دولت
انگلیس بمضویت کومیسسیون تحدید حدود
صربستان تعیین شده است .

از فرار بکه کازت تایمس مینو بسد دولت
روس تکلیف کرده است که علقو پاشا والی روم
ایللی شرقی و کومیسسیون ولایت مذکور مادونیت
این را داشته باشد که در حین زوم فرستاده شدن
عساکر مختلط را با آنچه از دولتها خواهش نمایند .

از پترزبورگ ایضا از جناب اعلا
حضرت امپراتور امر و اراده صادر شده است
که در پترزبورگ و سایر ولایات روس حکام و ولایه
صاحب قدرت تعیین بشود که در باب رفع فساد
اهل شورش و سخت گیری در باره آنان دارای
اقتدار مطلق بوده باشند . مضمون این امر
و اراده امپراتور مانند اعلان اداره عرفیه
است .

از پاریس ایضا اینکه شایع
شده بود که در میان دولتها در باب عقد کونفرانسی
مذاکرات هست بی اصل است .

از بلگراد ایضا یک فرقه
از نانو دهاکاز (پرشتینه) بیآمدند بروی لشکریان
صربستان که در (پرهولاج) بودند هجوم آور
شدند .

از جناب حکومت صربستان ایلیچی صربستان
مقیم اسلامبول مأمور شده است که در این فقره
بایعالی راپروست بکند .

از لندن ایضا جناب (سیریار)
سفیر دولت انگلیس در اسلامبول در جواب هیئت
مبصوئه که از کونکلی وضع و روش پولیتیک
انگلیس در باره روم ایللی شرقی سوال کرده
بودند گفته است . که دولت انگلیس در باب
گذشته شدن عساکر عثمانی در بالکانها چنانکه
در عهدنامه برلین مقید است در اجرای آن ماده
اصرار خواهد کرد .

از پاریس ۱ جادی الاول (والیکری
ولایت روم ایللی شرقی که بجانب علقو پاشا توجه
شده بود رسماً بخود مشار الیه تبلیغ کرده شد .
بنابرین روز بخصیبه آینده از اینجارو باسلامبول
حرکت خواهد کرد .

در میان دولتین انگلیس و روس بجز از موادی
که ذیلا نوشته می شود ائتلاف تمام حاصل
شده است .

دولت روس گذاشته شدن عساکر عثمانی را
در (اهتان) رد میکند . بعد از آنکه قشون
روس از روم ایللی شرقی تماماً بیرون رفتند خواهش
میکند که کیفیت دخول و عدم دخول عساکر
عثمانی را بشهر (ریغوس) حواله بانضاق آراه
کومیسسیون تنظیمات روم ایللی شرقی کرده شود .

کمیسیون انگلیس و روس بایعالی یثاقوت
مهدالآل خواهند فرستاد . میگویند بایعالی
در باب گذاشته شدن عساکر مختلط در روم ایللی
شرقی بدولتها دوباره مذاکرات شروع خواهد
کرد .

قاهره ایضا کومیسسیون فروضات
مصر اجرای امر و اراده خدو مصر را که در ماه

شهرین تان سال ۱۸۷۶ میلادی صادر شده است
طلب میکنند . جناب خدیو مصر (لایحه
ملت) را امروز امضا کرده است .

از پاریس ایضا ﴿ در قرعه که
امروز برای عضویت مجلس معونان کشیده شد
از جناب دائرة هتم بلدیة شهر پاریس میو
(کودل) از هواخواهان یوناپارث و از جناب
اهالی شهر (وردو) میو (بلانکی) که
از هواخواهان جمهوریت مفرطه است اعضا
انتخاب شدند .

مظنون است که مجلس معونان انتخاب میو
بلانکی برای اینکه بطور مشروع نبوده است
پذیرند .

از لندن ایضا ﴿ هیئت معونان
بلغار که برای الحاق روم ایلی شرقی به بلغارستان
پاروپا رفته بودند این بار لندن رسیده اند .

از پاریس ایضا ﴿ در قرعه که دیروز
کشیده شد هشت نفر به عضویت مجلس معونان
انتخاب شدند که از آنها پنج نفر از هواخواهان
جمهوریت و یک نفر طالب جمهوریت مفرطه
و دو نفر از هواخواهان وضع حاضر بوده اند .

از پاریس ایضا ﴿ از جناب حکومت
فرانسه بعضی امرای صکر به عثمانی را نشانی
(زیبون) اعطا شده است .

از وین ایضا ﴿ اعلا حضرت
امپراتور بمناسبت بودن روز مخصوص ازدواج
خود شان تبریکنامه های هیئت وکلای مجلس
معونان مجارستان و خروانتان را پذیرفتند .

در مجلس معونان در انجمن مذاکره بودجه
(یعنی میزان دخل و خرج) وزیر مالیه بیان
کرده است که اکنون در موقع آن نیست که بودجه
مالیه نوشته شود ولی در موقعش که مقتضی شد
کومیسیون تحقیق و تفتیش بودجه را دعوت
خواهم کرد .

ان ای جسدی الاولی ﴿ دیروز قرار
انتخاب عموم و آر بلدیة یونانستان گذاشته شد .
بمناسبت اینکه از جناب حکومت در امر انتخاب
مداخله نشد امنیت و آسایش را خللی نرسید . این
قرار انتخاب را که تازه کی گذاشته شده است از

جناب مجلس معونان پذیرفته شد . میو (سوجو)
فرزند (جنرال سوجو) بامنی شهر (بیکر یکی
کری) آن منصوب شد . اینکه شایع شده بود
از جناب حکومت یونان در باب اجرای احکام
کونکره برلین صرف مساعی نخواهد شد بی اصل
است بخلاف آن حکومت یونان در باب اجرای
خواهشهای کونکره هر گونه تشبث را بعمل خواهد
آورد .

واختر

روز دوشنبه گذشته در زیر ریاست جناب
مستطاب صدراعظم کومیسیون مرکب از بعضی
وکلای فنیام و مامورین بانک منعقد شده است .
گویا در امور مالیه مذاکرات داشته اند .

از جناب باجمالی امضا شدن مفاو له نامه
(بنکی بازار) بوسنه و هرک در میان دولت
علیه و دولت اوستریا شام روز دوشنبه گذشته بموم
سفرای دولت علیة که در پای تخت دولتها هستند
بواسطه تلگراف اخبار کرده شده است .

جناب کونتز بیچی سفیر اوستریا برای بردن
اصل مفاو له نامه مذکور را بون روز جمعه آینده
از اسلامبول حرکت خواهد کرد .
(وقت)

جناب (سیریلارد) سفیر کبیر دولت انگلیس
در اسلامبول که بیشتر هزیمت مشارالیه را بلندن
نوشته بودیم روز یکشنبه گذشته از لندن رو
باسلامبول حرکت کرده است مشارالیه دو روز
در پاریس اقامت کرده پس از آن به (ونیدیک)
آمده در او اخر ماه آوریل بدر سعادت خواهد رسید .

میو (کوندوروتی) سفیر یونان در اسلامبول
که پیشتر ماذونا با نرفته بود باز بدر سعادت برگشته
دیروز صبحی وارد اسلامبول شده و بیکم

بسفارتخانه دولت مشارالیه که در بیک اوغلی واقع
است رفته است .

اینکه شایع شده بود دولت روس تکلیف
کرده است که در روم ایلی شرقی تنها قشون دولت
ایتالی گذاشته شود شایعه مذکور در روم تکذیب
کرده شده است .

در محله بلاط اسلامبول مکتبی برای اطفال
دختران روم تأسیس و بنا شده بامر انشای آنجا
شروع کرده اند .

از جناب دولت علیه ایران عالیجه اندون
آقا در (آله بازاری) بوکالت امور کار پرداز
معین شده است .

روزنامه (لوانت هرالد) که سابقا زبان
انگلیسی و فرانسوی در بیک اوغلی طبع و نشر
میشد بواسطه زات و لغزشی بکلی لغو و ابطال
گردید و همان اداره بام مسخر رخصت گرفته
اخبار نامه را منتشر می ساخت این اوقات
بموجب عاطفت نیه شاهانه عفو شده نقاب
مسخری را از روی خود برداشته باز
بصفت لوانت هرالدی جلوه آرای بزم مطبوعات
شده است و همین مضمون را در نسخه نخستین
خود می نویسد که (ما مکه و تقانی را که از چند
ماه باینطرف روی خود گرفته بودیم بمطافت نیه
پادشاهانه برداشتم) انشاء الله بعد از این طوری
نمیکند که بارز را بر و نقاب پنهانی جوید و بدوام
در خدمت مملکت و انصایت کوشش نماید .

(فرار نامه بنکی بازار)

در خصوص تسلط لشکری دولت اوستریا
به (بنکی بازار) از مدتی باینطرف اختلاف
و اشکال در میان دولت علیه عثمانیه و دولت مشار
الیه بود و همه دولتها متظر بودند که در این باب
چه قرارداد میسود و بعضی را اعتقاد چنان بود
که همین مطلب بالاخره باعث برخواستن فتنه و فساد

و منتهی شدن کار بحدک دولت تواند بود بعلت آنکه دولت اوستریا پس از آنکه برای مصلحت موازنه آسایش دو حدود خود و گرفتن جلو خیالات اسلاوی بصوابدید دولتها بوسه و هر سک را استیلا یافت و این استیلا را تمام نمیدانست مگر آنکه ینکی بازار را نیز با استیلا لشکری تصرفی داشته باشد که دهنه است و از جایهای عمده است که بی آنجا نمی تواند آسوده خاطر دو ایالت مذکور را حفظ نماید بل از چیزهای دیگر و از اختلالات آینده نیز این نمی توانستی بشود. چون اینقدرها تجاوز اوستریا هم از حدود حقوق خویش و حقوق مشترک جایز نبود دولت علییه همبنا به هم با آنکه یک ملاحظه لازم می دید که بادولت اوستریا بطور موافقت و اتحاد راه رود برای امن و آسایش برقرار بماند و معلوم بود که اوستریا از و ما راهی در ینکی بازار بایستی داشته باشد این است که بعد از کشاکش بسیار و سؤال و جوابهای چند ابروزها بحال مذاکره منعقد شده قرارنامه در این باب در میان وزارت خارجه و سفارت اوستریا بجزایرستان نوشته شده با مضای طرفین رسیده که بی تاخیر همان قرارنامه بعرض اهلا حضرت پادشاه شوکت پناه رسیده امضا فرمایند و نسخه دیگر را اهلا حضرت امپراتور اوستریا بجزایرستان امضا نموده بقاعده معموله مبادله بشود.

در این مقاله نامه باره بیانات هم در خصوص استیلا لشکری بوسه و هر سک نوشته شده است و شروط استیلا ینکی بازار هم عمده عبارت از این است که دولت اوستریا بجزایرستان مقدار معلومی در دو جای معین لشکر اقامت تواند داشت و حکومت و قوت و اقتدار دولت عثمانی را در آنجا تعرض نخواهد شد و کماکان همه شبهه های امور در دست دولت علیه خواهد بود. گذشتن فرار (ینکی بازار) را نیز چنانکه در صفحه پیش نوشته شده است از جانب سفارت جلبله خارجه بفرمای دولت علیه عثمانیه در دربارهای دول معظمه بواسطه تلکراف اطلاع داده شده است. چون در اینجا اطلاعی بمطبوعات داده نشده است احتمال می رود اخبار نامهای اینجا بعد از چاپ شدن تفصیل مقاله نامه در کاغذهای اروپ ترجمه کرده منتشر نماید معلوم است ما هم ناسی بقاعده این ملکیت خواهیم کرد.

آچمد بعد از ۲۹ آذرماه روی امانه قائمه

بگویی چون ابطال قائمه فرستاده شده است ذیلا قلمداد می شود.

کسور قائمه صدقروشی		
۵۵	۷۷۹۶۶	جمع هفته گذشته
۲۵	۱۱۵۳۵	در ۳۰ و ۳۱ آذر ماه روی
	۰۷۷۱۶	در ۴ و ۵ نیسان روی
۸	۰۸۰۶۱	در ۵ و ۶ نیسان روی
۶۶	۲۷۵۰۴	در ۷ نیسان روی
۷۹	۰۸۳۷۱	در ۸ و ۹ نیسان روی

۳۳ ۱۴۱۱۸۷ بکون
جلتان یکصد و چهل و یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت عدد قائمه صدقروشی وسی و سه فروش است.

کاغذ از بیروت

فیلسوف عوالم معارف و دانشوری و خورشید آسمان نکتہ سرانی و مخنوری ملازمه متر صاحب امتیاز اداره اخذرا بعد از ابقاء و جیبه سپاس و شکر گذاری مزاج می شوم که پیشتر ورقه از بیروت در خصوص مجلس شدن بمصندوق نبل کلکته از کرک و فروش رفتن یک مرد بولدادر در قیمت بخش و در دست محاکمه برون در قونسلخانه دولت فخریه انکلیس بمخدمت آنجناب عرض و درج او را بکمال الحاح و بجز در صحائف اخترخواهشمند شده بودم از آنجا که مجرد کز بنان استکاف اهلیت و مردمی در اجراء دعاوی حاجتمندان تسامح جایز ندانند در نه هفته شماره (۱۳) ثبت فرموده بودند مره بعد اخیری از این ملاطفت شکر گذار و تا افلاک سخن را بجهان دوری است پاینده کی اختر تابنده ات را بجان و جان خواهام. کزون هم بدون ترتیب صفرا و کبریا مخصری از تهیبه ناقصه این قضیه متمکمه بعرض الاطوق کویا میرسام و طبع او را بالطف آن جناب مرروط شمارم شاید از استماع این محاکمه و حکم بعضی را نمونه تمدن و مواهات پوشیده نماید. لکن هرگاه صورت سؤال و جواب مجالس متعدد را معلولا مشروح دارم موجب الطنب است همان قدر می نویسم که در مجلس اول اثبات سرفقت را طلبیدند تا بر جمع عین مال حکم نمایند تا جرایرانی بواسطه حکومت محلیه رسما از رسومات سؤال مجلس بضاعه نمود و از طرف دایره رسومات نوشتند که (م بط) پسر (بط) یهودی پنج صندوق را تسلیم گرفت (و مستخدمین و حالهای

کرک تساما اعتراف نمودند بر طبق شهادت دایره در مجلس اخیری بصدا از کفکوها و تقدیم چنین شهادتنامه رسمیه بطوراتی الذکر حکم صادر نمودند (که در فلان تاریخ م ح) تا جرایرانی در مجلس کونسلاتی دولت انکلیس حاضر شده ادعا نمود که بمصندوق نبل کلکته خصوصی مرا (م بط) از کرک اختلاس نموده و نیز ادعا کرد که (بط) پدر آن بمصندوق را در مخزن خود برده و فروخته مجلس را بعد از تأمل این مطالب ثابت شد پس این دهوارا رهن نمود (م ح) ملزوم است که مصارف مجلس مدعی علیه را بدهد.

امضا ۱۰۰۰۰۰ یعنی من له الحکم
در نزد قواعد دائان مستور نیست که جان این حکم بته بلقظ تأمل است چنانکه هر مستعی از این حکم و عبارت تأمل تأملها دارد عجیبی نیست (سر بر بنه فراوان بود در این مقتل) کویا در دفتر مواسات شرط بوده که شخص سارق و یا بجای رالزم است حین ارتکاب شهودی بر عمل خویش مهیا سازد تا عند المحاکمه اثباتی بر ادعای مدعی شود که در نزد حکام متدنه این قسم راهین رسمیه ملحوظ نیست. زهی آزادی و خودرایی که فچه ها کمره شود. چون داعیت از دایره قانون دورم و از درک مفهوم تأمل عاجزم از آنجناب متأملا رجاء بکنم معنای مجازی و اصطلاحی تأمل را بقیاس مکشوف فرمایند که محض تأمل هم افض ادعاهای محتمه بکردد !!! امضا شخص

اختر

در متن اعلام اگر فقط تأمل نوشته شده است حقیقه در عبارت جای تأمل هست در این مواقع بقواعد معموله تذکر و کاهی تدبر نوشته می شود لکن تأمل ندیده بودیم در هر حال مقصود نزاع لفظی نیست سخن در اصل حکم است و از این قبیل احکام در محاکم نظامیه بیشتر از محاکم شرعیه اتفاق می افتد از فرار بکه معلوم می شود در صدور این احکام شایه موافقت خودمانیها هم داخل بوده است و خدای آگاه است.

پیشتر در یکی از نهضت‌های (اختر) از رفتار و معاملات والی سابق حلب شرحی نوشته بودیم . اخبارنامه (مصر) که در اسکندریه طبع و نشر می شود کاغذی در باب بدرقتاری و حرکات مستبدانه والی سابق حلب در نسخه چهارم مورخ ۱۴ ربیع الآخر درج کرده بود . که مصدق مقال ما نمونه عبرت بودی مانیر ترجمه همان مکتوب را در اینجا می نویسیم تا آنکه اثرهای ناشایست در جهان اشهار بابدونیکخواهان دوری از آن آثار جویند و معلوم بشود که متصدیان کارهای دشت مورد طعن دور و نزدیک و هدف تعرض خودی و بیگانه خواهند شد چنانکه افعال پسندیده و کردارهای نیکو از هر کسی و در زهد هر کسی موجب تحسین و آفرین و سبب بقای نام نیک میباشد .

(ترجمه کاغذ)

اخبار نویسی مخصوص که در حلب داریم نوشته است . شکر خدا را که اندوه را از ما رفع کردانید . عنایت خدا این دلشادی باهالی این ولایت داد و سبب این دلشادی نیست مگر عزل والی اینجا بعد از آنکه دو سال در این ولایت اقامت داشت در حالتیکه برای این ولایت وجود والی و قائم دو بلای بزرگ بودند از حسن اتفاقات رسیدن خبر عزل والی و رفع قائم هر دو در یک روز اتفاق افتاد . باری تعالی خلاص ما را از دو بلای مبرم احسان فرمود و در مقابل آن سرور شدند اهالی از خبر عزل والی و اشتغال و رزیدند بدعای دولت علیه و نیز اظهار تشکر کردند از مساعی بجبهه کونسل دولت انگلیس که در باب عزل اوسعی بلیغ بعمل آورد زیرا از روزیکه بحلب وارد شده است رفتارهای ناکوار و حرکات مستبدانه او بتحقیق پیوسته بعدی که در این نزدیکی اکثر سفرای دیوتها که در اسلامبول هستند در عزل او اتفاق کردند که آنوقت خاطر جمعی مادر باره عزل او بدرجه کمال رسید . چنانکه والی مشارالیه را از جانب صدارت عظمی بدون اطلاع و توسط وزارت داخله و تعیین والی لاحق بواسطه امر تلگرافی بدرسادات احضار کردند و نیز اطلاع حاصل کردیم که والی تازه آماده عزیمت است .

اما ترجمه حال او بوجه اجمال چنین است مدتی که در اینجا بود کمال استبداد را داشته و در کارها بخواهی و هوای نفس خود رفتار

کرده و وجهی از رای خود عدول نمی کرد اگر چه خطیبات خود را آشکارا میسیدید . داخل شد بحلب با توابع و ملازمان و هواخواهان خود و آنها را برای تصرف و مدیری باطراف و نواحی چن کرد و آنان هم در ظلم و تعدی و خوزری و ضایع کردن حقوق بندگان خدا و با مال نمودن عرض و ناموس اهالی هیچ فروگذاری نکردند حتی شامل شد ظلم و تعدی آنان به تبعه دولتهای خارجه هر چند اهالی اظهار داد خواهی و تقلم میکردند دادرسی نمی یافتند تا آنکه یکی از کونسلها از والی مشارالیه بفرمود دولت متبوعه خود در اسلامبول اظهار شکایت کرد در جواب مشغول بودن دولت را با فائله جنگ و مساعده نبودن وقت را بتحقیق این مطلب بیان و اظهار معذرت کردند . سبب بزرگ عزل والی مشارالیه چنانکه خبریده معتبر شما نوشته است مسئله ظلم اهالی محال (زیتون) بوده است که بسیاری از اخبارنامهها تفصیلهای در این مقرر نوشته اند خصوصاً اخبارنامههای ارمنه در اسلامبول چنانکه آنان برای اینکه بمانند که این مطلب بزرگی است و نفع از صاحبان قلم ملت خودشان را که مقدر بتکارش وقوع حال و تحقیق مطلب بودند برای اخبار نگاری با جمعا فرستادند هرگاه شرح و بسطی از اوضاع ظلمی که در اینجا وقوع پوسند است بیان بکنم میترسم مانند ظلمهایی شنیده شود که در ایام چنگیزخان و حجاج و الحاکم با مرافقه و قرا قوش اتفاق افتاده است . من بطور مثل بیان میکنم که با سر والی مشارالیه نوزده نفر از طائفه نسوان محال زیتون در حالتیکه بعضی از آنها نیز حامله بود پای پیاده و دست بسته اخراج بلد کرده شدند حتی در اثنای راه بعضی آنها در میان ضابطهها که مستحفظ آنان بودند وضع حمل کرده اند و آنها را کنهائی نبوده مگر اینکه شوهرهایشان از ظلم و تعدی والی فراری و تنواری بودند . قلا حول و لاقوه الاباقه (مصر)

خارجیه

از اخبارنامههای هندوستان نقلی شود

زیدک بمید نوروز برفز بادی در قندهار آمده هوا بسیار سرد بوده است .

در هفتم ربیع الاول از لاهور نوشته اند تحریراتی از دربار روس بکابل رسیده است و مضمون تحریرات چنان بوده است که دولت روس جایبدری حکومت افغانستان را خواهد داشت . و بدوات انگلیس اطلاع داده شده است که نباید لشکر انگلیس بشهر کابل یورش ببرد و فضیال تسخیر آنجا بیفتند و گرنه باعث رنجش و قطع محاربه دوستی در میان دولت روس و انگلیستان خواهد شد . و نیز بامیر کابل نکارش یافته است که عمل خود را بطوریکه ممکن است با انگلیستان ببرد از دعوی این مطلب طوری نوشته شد بوده است که ظاهر از غیب بصلح داشته و در جز و میسرانده است که اگر قوه ایستاده کی و جنگ با انگلیس داشته باشد پری هم بدینست . امیر یعقوب خان از این تحریرات فرماندهان لشکر انگلیس را که در جلال آباد بوده اند آگاهی داده و خود مضامین از صلح با ناموسی ندانسته است و مع ذلك در صورتیکه دولت انگلیس در مواد صلح ایستاده کی کند بطوری که محمل ناموس یا مضر با استقلال حکومت افغانستان بوده باشد امیر یعقوب خان ناقوه دارد در مدافعه و مقابله خواهد کوشید .

سردار ایوب خان که چند سال پیشتر در ایام گرفتاری امیر یعقوب خان بمس بذر خود از هرات بخراسان آمده در مشهد مقدس مهمان دولت علییه ایران بود اینروزها که برادرش بر تخت امارت افغانستان ممکن یافته است استیذان نموده عازم کابل شده در اوایل ماه مارس با اتفاق پدرزن امیر یعقوب خان با همبده (رجعت) یعنی فوج پیاده نظام و هشت رجعت سواره وارد کابل گردیده است .

در آخر ماه انویه فیض محمد خان فرزند محمد شاه خان غلزئی بامر امیر یعقوب خان بایست تیب سپاهیان جز ایلیچی بسخت دره (کندامش) رسیده مشغول ساختن استحکامات و پاساژها در دره مذکور بوده است . ارسال خان غلزئی هم بایکفوج در (جلدالك) بوده از ترکستان نیزهشت رجعت سپاه که مرحوم شیرعلی خان جمع آوری کرده بوده است بکابل رسیده اند . میو بسند امیر اتور روس هشتاد و بیست نفر از مد کور عطیه داده اند .

کاغذ ذیل در اخبار نامه مفرح القلوب دیده شد
 خدمت جناب منشی محترم و مهم اخبار نامه
 کرامی مفرح القلوب سلام میرسانم

(خوشتر آن باشد که سردلیران)

(گفته آید در حدیث دیگران)

این بنده یکی از مشتربان اخبار نامه کرامی
 اخترم بسیار شوق در مطالعه و مضامین دلپذیر
 اختر دارم افسوس که در ممالک هندوستان بسبب
 عدم علم فارسی این اخبار نامه کرامی قدر دانی پیدا
 نکرده است چون جناب شما از روی حق شناسی
 بکنوع توجه خاصی باختر دارید و اخبار کرامی
 شما با دقت اختر میبرد میخوانم هر وقت از اوقات
 فرصتی حاصل شود بعضی عبارتهای لطیفه آمیز
 بطور عوامانه و محاوره ساده فارسی برای تفریح
 قلوب ناظرین عرض و بیان نمایم و در بعضی
 که عرض خواهم کرد بشخصی هیچ عرضی
 و مقصودی ندارم و اظهار فضل و کمال هم نمیخواهم
 ببل از قبض کل آموخت سخن ور نه بود این همه
 قول و فعل تعبیه در منقارش در عوض زحمت
 تحریرات خود تنای یک نسخه مفرح القلوب را دارم
 و در ادای قیمت آنهم هیچ مضایقه ندارم ...
 در نسخه ۲۱ محرم در اختر طلب حیرت انگیزی
 دیدم که از مفرح القلوب نقل شده بود آن مطلب
 حیرت انگیز این است که اشخاص معظم چند از
 علمای عظام و مسلمانان هندوستان سلیم فارس
 افندی مهمم الجوائب را بکفر نسبت داده اند
 و خاتم سازده اند اگر چه منشی محترم اختر بجهت
 آنکه اعتراض شخصی ایشان وارد نیاید جواب
 استقاراً بسیار کم و مختصر نوشته است ولی با همه
 مختصری در نظر نکته سخنان عالم و صاحبان
 علم و بصیرت چنان صاف و آشکار است که حاجت
 بسیاری دیگر نیست اختر در جواب دو مطلب مجبورا
 خیلی خود داری کرده است یکی در خصوص
 شورش رعیت تبریز و قمره کاغذ دوم دیگر
 در جواب این استغنا والا ممکن بود از برای هر یک
 کلام این دو مسئله هزار کلمه جواب نوشته شود
 هر از نکته باریکتر زمو بجهت است که اگر
 الجوائب را یک کلمه فی اصل باید کافر گفت پس
 اخبار دار الخلافه را چه باید گفت بنده از هوا
 خواهان الجوائب نیستم و چندان میل خاطر بدین
 این اخبار ندارم زیرا این شخص عزیز در اخبار
 نویسی ممالک غریبی دارد اکثر مطالب را بقیاس
 و هوای نفس خود مینویسد و هر وقت از اوقات

یک نیتی ایران و ایرانیان میرسد با وجود اینصالت
 نباید مقام انصاف و حقیقت را از دست بدهیم
 شخص مسلمان پاک را که در یکسای تحت دولت
 فویم و قدیم ملت اسلام صد هزار مسلمان عرب
 و عجم او را مسلمان و فاضل میدانند نباید با شتاب
 کافر گفت ز عشق تابصوری هزار فرسنگ
 است اول شما بر اداری خود را ثابت بکنید
 و بعد بنمایید شما در علم مسلمان و آئین دینداری
 و قوانین انسانی در کدام درجه زنی کرده اید که
 مایه افتخار خود بدانید شما در علم بر عرب و عجم
 چه اقتضاری دارید در کل ممالک هندوستان علم
 فارسی و عربی در کجا است چه نام دارد در یک
 شهری که یکصد هزار مخلوق دارد صد نفر فارسی
 دان و عربی خوان ندارد دولت انگلیس زبانه
 از جهل هزار بجهت رواج دین و علم خود در ممالک
 شما مدرسه دارد چرا در همه شهرهای شما یک
 مدرسه که مخصوص مسلمانان باشد ندارد در کدام
 شهر در کدام مجلس علمای شما دو صد نفر طلاب
 و طالبان علم در عربی و فارسی تحصیل میکنند
 سالها مبلغها رو بیه بعرب و عجم میبرد کتب
 می آید حتی کلام الله چرا از شما یک جلد کتاب
 بیرون نمیروند در ایران هر یک از علماء و فضلاء پیشوایان
 دین اسلام درجات مخصوصی دارند لکن مواوذهای
 شما در عدالت خانهای انگلیس و کالت میکنند
 و علماء در بعضی ریاستهای مسلم مشاخره میکنند
 در ایران احدی از خاندان سلطنت یا وزراء و سفراء
 در حضور اقدس پادشاهی اذن جلوس ندارند
 لکن علماء عظام اذن جلوس دارند چنانکه اعلی
 حضرت پادشاه اسلام پناه به نفس نفیس دو ایام
 عید اهل اسلام به بدین علماء تشریف میبرند
 ولی در هندوستان توابع صاحبان مندو ریاست
 از شخص عالم و فاضل توقع تعظیم و نذرانه دارند
 اگر یک شخص کرسیان (عیسوی) که بیت
 زین قوم انگلیس است نصف شب در خانه
 هر یک از امرای شما برود همان وقت امیر از حرم
 سرای خود بیرون آمده با کمال فروتنی با او ملاقات میکند
 اگر چه کدای عیسوی باشد ولی از مسافران عرب
 و عجم خواه عالم و خواه عوام از مکه معظمه یا مدینه
 منوره که از راههای دور دراز آمده اند غریب الوطن
 هستند خواهش ملاقات میکنند از آنها نفرت
 می نمایند ملاقات خالی را دریغ میدارند یکی
 از علماء در خصوص الجوائب مینویسد که بکه

برابر رفتار هم توقیر مسلمانان را نکند صریح کافر
 است این هم توقیر مسلمانان است در نزد امرای
 شما مثلا در عنوان نحریرات که بحاکم پولیس
 یا غیر حاکم انگلیس که دارند سیصد روپیه
 مواجب است باومینو بد حضور فیض کعبور
 خداوند نعمت یاولینعت فیض رسان قدر دان کرم
 فرمای ز پرستان فلان صاحب بهادر دام اقباله
 العالی ولی بشخص عالم و فاضل خودتان متهای
 القابان این است جناب مولوی صاحب قبله
 و کعبه سلامت باد در ملاقات و تکلم بفلان
 صاحب پیر مرشد میگویند اخبار نکارهای شما
 اکثر مسلمان هستند در اخبارهای خود از برای
 نام فلان راجه هند و دوسطر القاب مینویسند
 لکن اصلا حضرت شاهنشاه ایران را که دولت
 روس و انگلیس و سلاطین فرنگ با کمال احترام
 اصلا حضرت پادشاه ایران مینویسند همیشه
 در این اخبار نامه شاه ایران ذکر میشود
 یا اکثری شاه کج کلاه ایران بیان میکنند زبانه
 از یکسال است که اخبار اختر فریاد میزند اخبار
 نویسی های هندوستان سلطنت روم یا سلطان روم
 یا پادشاه روم غلط است اصلا حضرت سلطان
 عثمانی سلطنت عثمانی دولت علیه عثمانی و وزرای
 عثمانی مینویسد روم ایطالی است دخل سلطنت
 اسلام ندارد باز در روزی بنام اخبار نامه رامپور
 و بریلی مورخه ۱۷ صفر المظفر مینویسند
 سلطنت روم در بار کرده بود سفرای اجنبیه
 بحضور حضرت سلطان معظم حاضر شده بودند
 هنوز برای القاب و عنوانات سلاطین و رجال
 دولت و غیره ترتیب درجه سین در این ممالک تقوه
 ابد کتابچه روزنامه سفر فرنگستان اصلا حضرت
 پادشاه ایران که اینقدر صاف و لطیف محاوره بومیه
 است بزبان انگلیسی لفظ بلفظ ترجمه شده است
 لزومهاست شما دست بدست میگردانید
 و عبارت او را رجوع به اخت فارسی و عربی میکنند
 تا بحال ندانسته اید که کالکه بخاری و موزیکان را
 و تالار و مرال را چگونه میخوانند از همه فقرات
 گذشته صرف نظر کردیم دولت انگلیس بکشد
 و چند سال است که در ممالک هندوستان یک

دستگاه قانون اساسی در علم انسانی جاری کرده است که مناصب لشکر و کشور و عهده های حکومت را درجه سنین و مقام انسانی به ترتیب قرار داده است هر کسی از هند و مسلمان اصلی و ادنی از هر مذهب و هر ملت و هر دینی که بوده باشد این درجات را طی نکند لامحالہ بمناصب عالی خواهد رسید .

اکنون در این مطلب هم قدری غور فرمایید و بمن بنماید در قانون اساسی انگلیس در عرض این صدسال تا بحال شما مسلمانان کدام درجه ای را چه در مناصب کشور و چه در امور لشکر اخذ کرده اید یا عهده های بزرگ در این قانون پیدا کرده اید در این مناصب قوم هندو صد درجه از شما پیش افتاده اند در امور لشکر منتهای ترقی شمار ساله داری است که دارای سبب رویه مواجب است در امور حکومت ملکی کوتوال و تحصیلدار منتهای ترقی و کمال فوق که قابل توجه دولت باشید عهده دینی کری که دارای پانصد رویه مواجب خواهد بود یا آنکه در عدالتها و کالت نمایند این فوق ترقی شما است مطالب را که مفصل و مسلسل عرض کردم از روی افسوس مندی عرض کردم نه بجهت اعتراض شخصی این چند کلمه را محض تقنین خاطر

مهم و محترم اخبار نامه کرامی فرح القلوب عرض کردم بار باقی صحبت باقی انشاء الله فرستی باشد هفته دیگر مضحکه دیگر عرض خواهم نمود .

افق السادات میرزا سید علی طهرانی
مخلص به حجازی از شهر بانس
بریل واقع ممالک مغربی و شمالی

از قراریکه مذکور می شود عسا کر روس در بالکانها بساختن استحکامات مشغولند جنرال استولین و (اکسافوف) مرتب بلفار نیز برای معاینه استحکامات مذکور با تجارفته اند .

اسامی و کلامی اختر در خارج

کسانیکه طالب خریدن سالیانه اختر باشند در طهران بمالجناب سلاله الاطیاب حاجی سید خلف تاجر نجفی رجوع نمایند .
در رشت بمده التجار محمد آقا تاجر اصفهانی .
در اصفهان عالیجناب قرب المحضرت العلیه آقای میرزا علی محمد منشی حضور حضرت والا .

در شیراز عالیجناب نیات دستگاه آقای حاجی سید ابراهیم وکیل شهیندر دولت علیه عثمانی .

در تبریز عالیجناب عمده التجار حاجی سید ابراهیم آقاخان کاشانی .

در بغداد عالیجناب آقا محمد اسماعیل تاجر تبریزی .

در کلکته عمده التجار آقا محمد علی تاجر شیرازی اشهر به چیناوی .

در ازمیر عالیجناب میرزا آقا جان کتابخوش تبریزی .

در کرمان شاهان کاشانکان عالیجناب عزت و منادت آگاه احمد هنر افندی شهیندر دولت علیه عثمانیه .

در همدان عالیجناب عزت همراه حاجی محمد سید افندی شهیندر دولت علیه عثمانیه .

در سنندج جناب والایجناب نیات دستگاه حاجی سید جابر وکیل شهیندر دولت علیه عثمانیه .

در اراک ضرور بمالجناب آقا ملا صادق تاجر دیلمانی .

در بیروت بمالجناب حاجی بابا تاجر دیلمانی .

مشروط که ایروانرا وا گذارد و ایشان نیز به ادراس تسلیم نمایند آنکاه باصفهان باز گشت و فین کاشان را بساخت و پس از چندی در کاشان در سنه هزار و پنجاه و یک درگذشت پاشاد هیش سیزده سال .

شاه عباس دوم

بعد از پدر در کاشان در سن نه سالگی پادشاه شد و غزوین آمده و باز آتجسار پای تخت کرد و مردم را از شرب خمر منع کرد و پادشاه اینکار را کشتن قرارداد از دوات روس و عثمانی ایلیس بدر بار و آمد چون لشکر ترکستان بخراسان خرابی می رسانند رستم خان حاکم خراسانرا حکم کرد لشکر آندمانرا جمع و مهیا کند تا خود شاه

عباس بد آنجا رسید رستم خان برای صلاح کار خود بماطله کرده شاه عباس در خفته سرکردگان خراسان را بکشتن او فرمان داد و ایشان او را و برادرانش را بکشتند امام قلیخان پادشاه ترکستان که بیانی چشمش کم شده بود تادر محضمان پسر خود را بجای خود نشاند قصد مکه معظمه نمود چون بایران رسید شاه عباس فرمان داد که در راه همه جا از او بذیرانی کنند و در قزوین خود نیز کمال اعزاز را در حق او رعایت نمود پس از چندی مردم ترکستان بتادر محمد خان شوریده فرزندش عبدالعزیزخان را پادشاهی برداشتند تادر محمد خان نزد شاه عباس آمده شاه عباس پس از تفقدات لشکری بدو داده تادوباره مالک مالک خود شد و چون جمعی از ترکمان و افغانه بولایات خراسان و کرکان دست اندازی میکردند شاه عباس بجمع شدن لشکر

فرمانداد و خود نیز بچمن بسطام آمد و از آنجا لشکر بقندهار و کابل فرستاد و آن دو کشور را بگرفت بعد از آن بمازندران رفته چندی در اشرف و فرج آباد بعیش گذراند و بقزوین آمد و ایلیسپان روس و عثمانی بدر بار و آمده از ایشان بذیرانی کرده و باز کشتند و شاه باصفهان آمده مردم را استیانت نمود و بمازندران رفت و فرمانداد که چند کشتی روی دریای خود بساختند و بتفرج دریا و شکار مشغول شد چون بازمزم اصفهان کرده در زمان بیمار شد و در هزار و هفتاد و شش درگذشت و جسدش را بقم آورده دفن کردند در آخر اصفهان بار تخت او بود پیشتر عمارات عالیجناب اصفهانرا از قبیل چهل ستون و سردر میدان نقش جهان را از او داد پادشاه هیش بیست و پنجاه سال مدت عمرش پنجاه و پنج سال و زوی او محمد بیگ و میرزا مهدی صدر الممالک .

در حلب عایشان آقا میرزا جواد کتابفروش تبریزی .

در کراچی بندر سند جناب فضیلت مآب میرزا محمد شفیع صاحب مهتم نامه فرح القلوب .

در بنگلور جناب فضایل مآب محمد قاسم صاحب مهتم منشور محمدی .

در مدرس عالیجناب فضیلت مآب نصیرالدین صاحب مشهر جریده شمس الاخبار .

در شهر لکهنو جناب فضایل مآب قمع محمد صاحب مشهر جریده آوار الاخبار .

در حیدرآباد هند در سرکار نظام بمالجه آقا میرزا نصرالله صاحب فدایی .

مراجعت کرده و مشتری بودن خودشانرا بواسطه حضرات معزی البهم و باواسطه پوست مستقیماً

باداره اختر معلوم نمایند .

و همچنین درباره رسائیدن قیمت سالیانه و شش ماهه هر دو وسیله می توانند رسانند .

دیگر اینکه سوی ممالک عثمانیه در هیچ جای کنز از سالیانه ابونه و معاطمه نخواهد بود .

بجز اشخاص محترم و کتابکه سمت استثناء دارند در همه جای قیمت سالیانه را و در ممالک عثمانیه اقل از ششماهه را باید پیشکی لطف نمایند نامدار انتظام و رونق کار جریده گردد .

عموم مشترکین خاصه مشترکین صفحات هندوستان را زحمت اطلاع داده می شود که در صورت امکان وجوه جریده را بلا واسطه در ضمن پاکت بانکنتون انگلیس که پول کاغذی است با پوست خانها بجه کرده بکمر بمرکز اداره اسلامبول ارسال فرمائید و در جاهایی که بانکنتون نیست مانند ممالک ایران بحضرات وکلای کرای رجوع فرمائید - یا حواله تجارنی بدهند .

اعلان

عالیجاه عزت همراه میرزا عباس دو کت (طیب)

شاه سلیمان

پس از شاه عباس دوم بنابر ولایت عهد صنی میرزا پسر او را پادشاه کرده شاه سلیمان نامیدند و چون نه ساله بود وزیر پدرش کار سلطنت را تقلد نمود و شاه را راه مداخله نداد و اگر در کار مختصری هم حکمی میداد قبول نمیکرد و میگفت صرف اطفال شنیدنی نیست شاه سلیمان از این معنی خرابی دلش بود تا روزی پشاشای کره اسیان خود آمده باشیخ علیخان زنکنه امیر اصطلیل از بد رفتاری وزیر و وضع اوشکایت کرد شیخعلی خان عرض نمود که اگر فرمان دهی وزیر را از میان بردارم شاه چون از وزیر خایف بود گفت چگونه میشود عرض کرد فردا علیه اصطلیل را بیهانه گرفتی جیره در اینجا جمع کنم و شاه نیز اینجا بیاید

مشهور ایرانی که در معالجه اقسام ناخوشیهای چشم مهارت تمام دارد و از جانب دولت علیه ایران و دولت بیه روس شهادتنامه های فوق العاده دارد و حامل نشانهای متعدد از آن دودوات است و سالهای دراز در پتربورگ و مسکو نیز اجرای علم و صنعت کرده و نام و شهرت خود را بدرجه بلند رسانیده است و شهادت نامه های بسیار از بزرگان و شاهزادگان عظام و کتابیکه مهارت موی البه را برای العین مشاهده کرده اند دارد اکنون به نیت عزیمت بزیارت مکه معظمه و مدینه منوره بدرسمان آمد است لهذا اعلان میشود کتابیکه محتاج معالجه امراض چشم باشند بمالجه موی البه مراجعت کنند - منزل موی البه در نشانی صنیق در جاده موصلی که مصلی گفته میشود در زقاق شیخوس شماره (۱۵) است همه روزه تا ساعت نه در خانه مذکور موی البه را میتوان دید .

طاهر

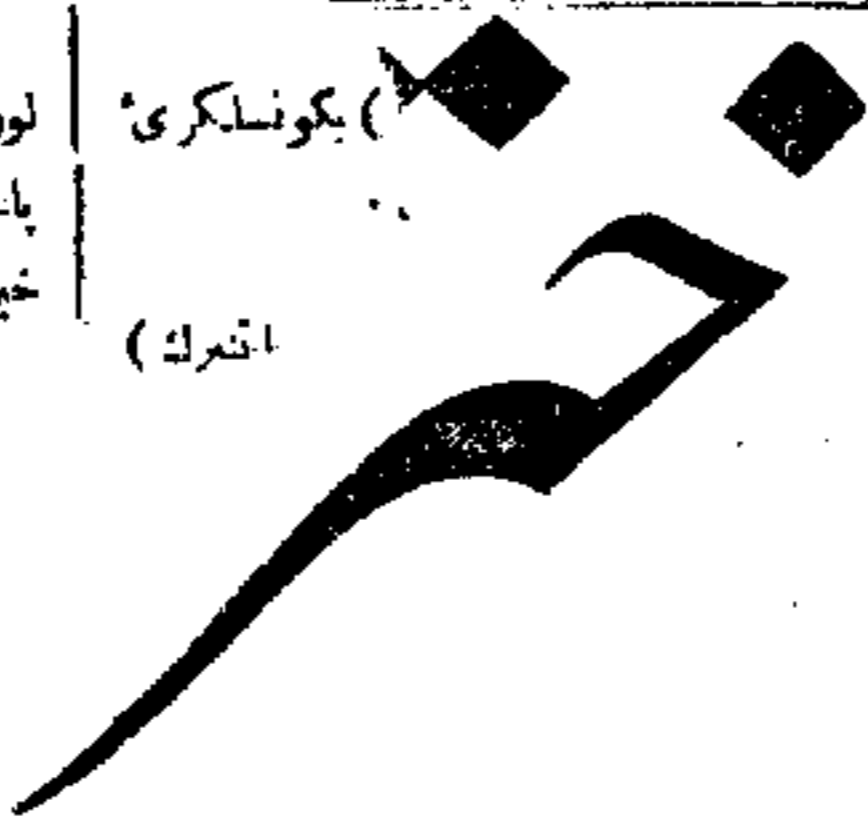
و بسطام را تاخت و تاز کرد و شاه سلیمان شنیده کلبعلی خان شاه او را که سرداری بزرگ بود بالشکری اراسته بدفع او بکرگان فرستاد آدینه چون آگاه شد همه چارنشینان ترکان را در دشت کرگان کرد آورده دور آنها خندق بزرگ کند و خود با سی هزار سوار و در میان خندق آماده جنگ نشست کلبعلی خان بالشکری آنها رسیده از صبح تا عصر مشغول جنگ بودند اگر چه آدینه کشته شد ولی سردار ایران نیز زخم تیری برداشته چون شب بمنزل خود آمد بمرد و لشکرش بازگشته و متفرق شدند پس از چندی سلیمان پشای حاکم سلیمانیه سرکشی آغاز کرد رستم خان سپهسالار ایران را بجنگ وی فرستادند بعد از چند حرب سلیمان پشای مقبول (باقی دارد)

و وزیر را بخواهد و من کارش را تمام کنم صبح چنین کردند و چون وزیر با صطلیل آمد شیخعلی خان در راه دست و سر وزیر را بریده از باغ بزرگ انداخت کسانش چون دیدند متوحش شده هر يك بجائی گریختند و شیخعلی خان وزیر شد و اعتماد الدوله لقب یافت و سالها خوری وزارت کرد که شاه ورهبت همه خوشنود بودند ا کبر شاه پسر محمد شاه هندی از راه فارس بدرگاه شاه آمد و سپاهی خواست که برود بایدر بکنکبد شاه سلیمان او را پندداد وضع کرد و او را نمجیده براه خراسان رفت و در مشهد مقدس در گذشت و پس از آن آشوب کرگان و شورش زکاتانی که از ترک تاملرو جای دارند بر باشد و این اول آشوب آنها و پریشانی دودمان صفویه بود چنانکه آدینه نامی خود را سردار خواند و جعی را جمع کرد و استراباد و باجنان

مطبوعه و اداره خانه اختر
 در راسته باغالی است نمردن ۲۵
 در کارهای متعلق اداره به آقا محمد ظاهر
 رجوع میشود .
 اسامی و کلاهی کرام در ممالک دور و نزدیک
 گاهی در صفحه آخرین نکاتش خواهد شد .
 روز سه شنبه ۱۵ جمادی الاول سنه ۱۲۹۶
 ۲۴ نisan رومی و ۶ مه ۱۸۷۹

(یکونسلگری)

(انتزک)



لورد سالبر تعرفه بدلات سانیات
 پادشاهی ماده اسلامبول ۳ - مجیدی سم
 خیرالدین مالک عربیة عثمانیه ۷۵ فروش صنایع
 مالک محروسه ایران ۲۵ قران
 ممالک هندوستان و بلاد ۱۵ رومی نقره
 مالک روس و قفقاز ۱۵ رویل کاغذی
 مالک اروپا ۲۵ فرانک
 اجرت پوست همه جا بدهنده اداره است .

این نامه از هر گونه وقایع و اخبار و از سیاسیات و پولیتیک و علم و ادب و دیگر منافع عامه سخن خواهد گفت . هفته یکبار مری می شود . اوراق
 و نوشتهجات سود مند را باستان می بندد . در نوشته کاغذهای که از خارج می رسد اداره آزاد است . کاغذی را که نوشته نمی شود
 صاحبش نباید استعزاز بکند . کاغذهای که بول پوست ندارد قبول نخواهد شد .

عرض مخصوص

هفته پیش در اجرت عملیات اداره از جمله
 نفود و بول کاغذی که یک هفته بوضع دیگر متغیر
 شد و قرار سابق راهی کدام قبول نکردند اختلافی
 حاصل و لازم شد که اجرتها با فروش صاع نقره
 داده شود ولیکن هم روزهای بیرین آمدن این
 چربیده بلا حظه اینکه روز چهارشنبه که روز
 پوست است اسباب معطلی نشود روز سه شنبه
 میبایست بدل کرد و بدین جهت تمهید
 چهارشنبه پیش تاخیر افتاد لهذا صدر این فقره را
 از مشترکین کرام خواسته به داز این را از قرار خود
 آگاهی میدهم که از امر روز به بعد نسخهای هفته
 در روزهای سه شنبه طبع و نشر خواهد شد .

امپراتور را کرده بود اقرار کرده است که در باب
 اقدام باین عمل ناشایست در میان چند نفر فرعه
 کشیده شده فرعه بنام اودر آمده است .

از وین ۳ جمادی الاول
 حضرت امپراتور امروز هیئت بزرگتران کان
 و فرستاده کان بوسنه و هرک را بمحضور خود
 پذیرفته در جواب فرستاده کان بوسنه آرزومند
 بودن خود را با سفرار صلح و امن و آسایش دائمی
 در بوسنه بیان کرده اند .

از قاهره
 که از جانب جناب خدیو مصر منتشر شده است مقرر
 بوده است که هیئت شورای مملکتی مرکب از اهالی
 ممالک و بعضی تبعه خارجه که دارای ماذونیت
 وسیعه باشند تشکیل کرده شود .

از پاریس ۳ جمادی الاول
 مسیو و ادینکتون رئیس وزرای فرانسه نونی
 بحکومت یونان فرستاده شده بود از جانب دربارهای
 لندن و پترزبورگ و وین نیز موافق مضمون همان
 نون بدر بار یونان نونی فرستاده شده است .
 همراهی کردن دولت ایتالی در این باب هنوز معلوم
 نیست .

از وین ۴ جمادی الاول
 بودن سال بیست و پنجم از دواج اعلا حضرت
 امپراتور چنانکه در اروپ معمول است از جانب اعلا
 حضرت امپراتور در باره کسانیکه از اهالی اوستریا
 بجزارتان بجهت پولیتیک تمم و محبوس بودند هفت
 عوی اعلان کرده شده است .

از پترزبورگ
 امپراتور روس ۳ راهی علیا حضرت امپراتور
 امر روز بجانب ایواد با حرکت کردند .

از طرف نوری ۴ جمادی الاول
 ملت بلغارستان در بیست و هفتم اوردیل فرنیکی
 (۷ جمادی الاول) اجتماع کرده در ۱۰ جمادی الاول
 نیز برای بلغارستان حکمران انتخاب خواهند
 کرد .

از لندن
 در برمانیه انگلستان در مجلس مبعوثان بیان
 کرده است که برای وقوع عزل (مسیور بود
 ویلسون) از وزارت مالیه مصر مقرر است
 که بدمین آمده و تا موریت سابق خود که در لندن
 داشت اشتغال نماید .

تکلیفنامه که بر ضد مخارج زائده دولت مجلس
 مبعوثان داده شده بود مجلس مذکور در آنتاب
 اقدام بدقیق و تحقیق کرده اند .

از ونس
 لیاورد سفیر انگلستان که عازم اسلامبول است
 باطنجا وارد شد .

از پترزبورگ ۶ جمادی الاول
 روس این فقره را پذیرفته است که موافق اکثریت
 آراء کومیسین تنظیمات روم ابلی شرقی برای
 والی آنجا کافی است که در چین لزوم تنها فسون
 عثمانی با آنجا خواسته بشود .

از پاریس ۶ جمادی الاول
 بوجه

مکرمها

از لندن ۴ جمادی الاول
 خبر تلگرافی که روز چهارشنبه از طهران
 رسیده است یک تپ از فسون ایران از شهید
 رو بهود افغانستان پیش میروند .

از وین ۳ جمادی الاول
 شوالوف سفیر دولت روس در لندن امروز وین
 وارد شد .

از پترزبورگ ۳ جمادی الاول
 (سولوف) نام که قصه دجان اعلا حضرت

موفق روایت کرده می شود که در خصوص ^{بفروش} مصر در میان دولتین فرانسه و انگلیس افکار برقرار بوده است .

جناب خدیو مصر حسب خواهش دولتین انگلیس و فرانسه وزرا معین خواهد کرد . هرگاه خدیو در ایجاب بخلاف رضای دولتین مشارالیهما رفتار بکند اوقت هر دو دولت بر ضد خدیو قوه جبریه بکار خواهند برد .

از قاهره ایضا (رسمی) است بدلات کویونهای دیون یکی شده مصر وخصصات سالانه که بحساب رأس المال و کویون استقراض سال ۱۸۶۴ باید داده شود حاضر و موجود است .

از لندن ۵ جادای الاول مجلس معونان در ۲۸ ماه آوریل در باب مسائل معوقه گفتگو خواهد کرد . بنا بر روایت کازت (تیس) (مسیو ویلیام) جنرال کونسل دولت انگلیس معین مصر در روز از لندن بجانب مصر حرکت کرده است .

کازت (دبلی تلگراف) بیان میکند که کتبیهای جنکی دولتین فرانسه و انگلیس آماده است که اگر مقتضی بشود روی اسکندریه حرکت بکنند .

از لندن ۵ جادای الاول در جواب سؤال که در مجلس معونان درباره تکلیف دولت عثمانی در عزل خدیو مصر شده است (سیراستانفورت نورتقوت) گفته است که برای من بوجهی ممکن نیست تبلیغات محرمانه را که بادولتهای خارجه در میان هست در مجلس اظهار کنم .

مسیو (ریوریلسون) وزیر سابق مالیه مصر مأمور شده است که بلندن مراجعت نماید .

از وین ایضا خود نمایه سا که بقرار معمول بمناسبت روز مخصوص سال بدست ونیم ازدواج اعلا حضرت ایپراتور که فریبود از جانب اهالی در حضور اعلا حضرت ایپراتور وغلیا حضرت ایپراتریس بعمل آورده بشود برای مساعد نیودن هوا پروزیست و هفتم آوریل بناخبرافاد :

دیگر اینکه سوا ^{والوف} سفیراندن دولت روس از سالیانه ایونه ومقاطه از کونت اندراسی دیدن کرد .

عزیزان بآب وضع اداره بوسه والتصاق راه آهن اوستریا براه آهن صربستان ودر باره مقاله نامه کرکها که باصر بستن در میان بود بعد از قیل و قال بسیار در میان وکلا موافقت افکار حاصل شده قراریکه در خصوص موادمذکور باید داد بشود مجلس وکلا که احتمال دارد روز بهتنبه آینده منعقد بشود مانده است .

از اتن ۵ جادای الاول علیا حضرت (اولکا) زن پادشاه اتن امر وز صبح باو پور (بومینا) نام رو بطرف قریم از ایجا حرکت کرد . مشارالیه باعلیا حضرت ایپراتریس دوس ملاقات کرده از عدم تصادق سوء قصدیکه درباره اعلا حضرت ایپراتور شده بود اظهار تنبیت خواهد کرد .

مسیو (رادویچ) ایلیچی المان مقیم اتن فردا بیرلین عزیمت خواهد کرد . کویا در زمان غیاب مسیو (دبلور) مشارالیه به نیابت وزارت خارجه معین خواهد شد (بارون پلستی) نیز برای مصالحتگذاری در اتن از جانب دولت مشارالیه وارد ایجا شده است .

از پترسبورگ ۵ جادای الاول والی پترسبورگ امر نامه نشر کرده است که هرکس از اشخاص نظام و غیر نظام آنچه اسلحه دارد باید بحکومت اظهار نماید .

از پاریس ایضا دولت فرانسه وانگلیس متفقا در روز خدیو مصر بکثوت ارسال کردند در نوت من پور نوشته بوده است که باید خدیو مصر وزرا انگلیسی و فرانسوی معین نمایند و نیز ایشان را بدون رضای دولتین مشارالیه نباید عزل نماید اگر این نوت از طرف خدیو قبول نشود دولتین مشارالیه قوه جبریه بر ضد خدیو بکار خواهند برد .

از پاریس ۶ جادای الاول تحریرات عمومیها که درباره مسئله یونان مسیو وادینکتون نوشته بود امروز بدر بار دواتها فرستاده شده است . کازت (نان) میگوید از قرار مذاکرانی که در باب مسئله یونان در میان هست امیدواری

حاصل است که مسئله مذکور در این نزدیکی برطرف بشود .

از وین ۷ جادای الاول بمناسبت روز مخصوص ازدواج اعلا حضرت ایپراتور خود نمایه ای رسمی که مقرر بود از جانب اداره بلدییه گرفته شود امروز بعمل آورده شد . در حین اجرای رسم مذکور جهت بسیاری که از اهالی حاضر بودند بطورهای شایسته تبصیر و ثنا خوانی اعلا حضرت ایپراتور و ایپراتریس بلند آواز شدند .

اعلا حضرت ایپراتور از وزیر بلدییه بمناسبت این خود نمایی و شلکها اظهار ممنونیت را کردند .

از قاهره ۷ جادای الاول مسیو (بلین) وزیر سابق فوائد عامه مصر از جانب حکومت فرانسه مأمور شده است که در مصر بماند .

(باروت) بیکرا منصب و لقب پاشای اعطا گردیده بریاست هیئت نظار معین شده است .

از لندن ۶ جادای الاول عایا حضرت ملکه انگلستان به بیلاق (ونلسور) عودت نمودند .

از پاریس ۸ جادای الاول کازت (ریو بلیک فرانسه) مینو بد . در باب مسئله یونان در میان دواتها اتفاق حاصل شده است . برای برطرف کردن این مسئله احتمال هست که در اسلامبول مجلس کونفرانسی مرکب از مأمورین دواتها منعقد بشود .

از وین ۸ جادای الاول حکمران بلغارستان امروز انتخاب شد . چونکه اعلا حضرت ایپراتور روس تبعه خود را از انتخاب شدن بحکمرانی آنجا منع کرده است بنابراین انتخاب (پرنس باینبیک) محقق بنظر میآید .

از لندن ۷ جادای الاول برای اجرای احکام عهدنامه برلین که در باره یونان است در لندن کمیته مرکب از روهما تشکیل شده است .

از قراریکه کازت (دبلی تلگراف) مینویسد در تحریرات عمومیها که در باب تصحیح حدود یونان از جانب (مسیو وادینکتون) بدواتها

فرستاده شده است خطی معین نشده تهادواتها برای استماع مطالب دولتی عثمانی و یونان دعوت کرده شده است .

✦ از لندن ایضا ✦ (مسبو پورک)
مستشار وزارت خارجه در جواب سؤالی گفته است . وضع ولایت (کرید) چنانکه موجب ممنونیت باشد نیت کونسل انگلیس مقیم گریدرا اعتقاد بر این است که سبب این عدم ممنونیت ناشی از آن است که بقدر کفایت ها کر (جاندارم) در آنجا نبوده است .

(سیراستافورت تورنتوت) از اتفاق عمومی در باب تسریع اجرای عهدنامه برلین درباره روم ایلی شرقی گفتگو کرده است .

✦ از لندن ۸ جادی الاول ✦ دیروز در مجلس معونان وزیرمالیه انگلیس در جواب سؤالی گفته است مذاکراتی که در باب گذاشته شدن عساکر مختلط در روم ایلی شرقی در میان دو تهاجر دهنسوز برقرار است و نزدیک است که مطالب معوقه در این باب برطرف شده و هن قریب بحری گردد .

✦ از پترزبورگ ۷ جادی الاول ✦ دولت روس راضی نمی شود که جنرال اغتایفیا (برنس دوندوقوف کورساقوف) بحکمرانی بلغارستان انتخاب کرده شوند .

✦ از روم ایضا ✦ درباره تشکیل یک هیئت اتحاد جمهوری برای اینکه حاکمیت ملیه را از قوه بفصل آورند از جانب جنرال غاربالدی بیاننامه منتشر شده است . ملاحظه اینکه جمعیت مذکور و طائف خودشانرا بوسائط صلح پروری و مسالمت جوئی بکار خواهند برد و جمعی از جانب حکومت پمانت نخواهند دید .

✦ از پاریس ایضا ✦ مملکت (تورید) که از مضائق قریب است موقتاً باالت (هوجه یک) الحاق کرده شده است .

اعلا حضرت امپراطور و امپراتریس روس دیروز با بلوادیا وارد گردیده اند و در هر گذرگاه از جانب اهالی بطور شایسته پذیرفته شده اند .

✦ از لندن ۸ جادی الاول ✦ از جانب

دولت انگلیس (مسبو درانیج) بگوانسگری سفارت اسلامبول معین شده است .

✦ از طرنوی ایضا ✦ (برنس بائمبرک)
بنام برنس الکساندر باتفاق آراه بحکمرانی بلغارستان انتخاب شده است .

✦ از وین ایضا ✦ (مسبو آنین) دیرکتور اخبارنامه (نایه فزایه پرهسه) وفات کرده است .

✦ از پاریس ۹ جادی الاول ✦ اخبارنامه (دهبا) بموجب خبر تلگرافی که از وین گرفته است مینویسد (کونت شوالوف) از وین بجانب پترزبورگ حرکت کرد . مشارالیه نتوانست همراهی دولت اوستریا را برای طول دادن مدت اقامت قشون روس در روم ایلی شرقی تمامه شعبان آینده تحصیل نماید .

✦ از لندن ایضا ✦ (سیرکارت وولسی)
والی جزیره قبریس بمناسبت اینکه پیش از این در مدافع امید سمت کوماندانی قشون انگلیس را داشته است مامور شده است که به (ناتال) رفته در جنگ زولوسها بلورد جلفورد کنگ نماید .

مسبو (سال) از جانب دولت انگلیس برای کومیسسیون تحدید حدود قره طاع کومیسر تعیین شده است .

✦ از لندن ۱۰ جادی الاول ✦ دیروز در یک مهمانی که در (میدلس) داده شده است لورد سالسبری خطابه مهمی خوانده است که فقرات مهمه خطابه مذکور این است .

همگی دولت های اروپا اجرای احکام عهدنامه برلین را مقرر داشته اند . اگر با بعضی برای شناساندن حقوق حکمرانی خود را با اهالی روم ایلی شرقی صرف مساعی نماید کونکره برلین روم ایلی شرقی را مختاریت اداره داده و بهمین مناسبت این مسئله بخوبی انجام پذیر خواهد شد . هرگاه اهالی روم ایلی شرقی احکام عهدنامه برلین را بطور مشروع رعایت نمایند زیاده از املات ای اروپا آزادی و خوش بختی را مالک خواهند شد اگر در رعایت قرارداد کونکره برلین تکامل نمایند مورد مواخذه و تنبیه خواهند گردید . پس از آن

لورد سالسبری محاسن افکار و نیات اهلا حضرت پادشاهی راستایش کرده از جناب مستطاب خیرالدین پاشای صدر اعظم و از وزیر خارجه و سایر وکلا نیز تمجید کرده گفته است . هرگاه موفق باشند بر اینکه اصلاحات لازم را از قوه بفصل بیاورند دولت عثمانی را از محو و زوالی که موجب فلاکت اروپا است رهایی خواهند داد .

✦ از پترزبورگ ۹ جادی الاول ✦ بنا بر روایت اخبارنامه از آنس روس در شهر (اورنیورک) حریق واقف شده قسمت بزرگی از شهر مذکور سوخته و ضرر بسیار وارد شده است .

✦ از هوجه یک ایضا ✦ (جنرال او پروجف) از صاحب منصبان ارکان حرب روس از اینجا رو باسلامبول حرکت کرد . موی الیه از جانب اهلا حضرت امپراتور روس شامل نامه مخصوصی است که باعلا حضرت پادشاهی تقدیم نماید .

✦ از طرنوی ۸ جادی الاول ✦ در بیاننامه که نشر شده است سیرش کرده است که باید اهالی بلغارستان از دایره قرارداد عهدنامه برلین تجاوز نموده و باعث حدوث شورش نشوند .

✦ از اتن ۱۰ جادی الاول ✦ یک فیلودوتای انگلیس که مرکب از کشتیهای جنگی زره دار (روبرت) و (ساج) و (ته مرد) باوایور کوچک (فلامینگو) نام دیروز از سلاویک بلنکرگاه (فال) (در یونانستان است) آمده است . (دوک کونونم) همراهی زن خود از جزیره (ردوس) باقی خواهند آمد .

مسبو (کوموندوروس) و مسبو (اوکرینوس) که در (موره) مشغول سیاحت بودند در چین وارد شدند به (پاتر) از جانب اهالی بطور فوق العاده پذیرفته شده اند . مشارالیهما هفته آینده باقی خواهند آمد .

✦ از پترزبورگ ۱۰ جادی الاول ✦ در حریق که در اورنیورک شده بود نصد و چهل ونه خانه و دو کلیسا و یک جامع شریف سوخته است .

✦ از پتسده (پای تخت بلغارستان) ایضا ✦ دیروز شهر (سکدن) بسختی طغیان کرد سدی را که تازه کی می ساختند خراب کرده آلات تعمیر را نیز ضایع کرده است .

از اتن ایضا ﴿ بارون دییش مصلحتگذار
دوات المان بایجا رسیده از جانب اعلا حضرت
پادشا یونان بطور مخصوص پذیرفته شده است .

ازون ۱۱ جادی الاول ﴿ کازت
(دووین) صورت نظامنامه را که در باب الحاق
(اشوزنی) بیات (دالمچیا) بود بطور
رسمی نشر کرده است . و نیز اعسای وضع
کراتینرا که پیشتر رای وقوع ناخوشی در ممالک
روسیه باشاه و مسافرن صکه از ممالک روس
و بلغارستان بنگک اوستریا وارده بشد اعلان
کرده است .

از برلین ۱۰ جادی الاول ﴿ (برنس)
باید بربک (حکمران تازه بلغارستان) برای رفتن
به بلغارستان تا بازنده روز رخصت حاصل کرده
است .

برنس مشارالیه هیئت معونه بلغارستان را
که برای تقدیم کردن التماسنامه حکمرانی زده مشار
الیه خواهد آمد در شهر (دارهستان) پذیرایی
خواهد کرد .

ازون ایضا ﴿ تکلیفی که بموجب
نوت (مسبووادینکون) وزیر خارجه فرانسه
در باب تصحیح حدود یونان شده بود از جانب
دوات اوستریا پذیرفته شده است .

از برلین ایضا ﴿ بیانات کومیسون
تجدید حدود بلغارستان در باره (طایفه عرب)
برضد آزوی حکومت رومانیا است . زیرا
باعتقاد کومیسون مذکور طایفه عرب به شهر سلمسره
غایر بوده است .

از پاریس ۱۰ جادی الاول ﴿ علیسا
حضرت ملکه انگلستان امشرا از اتالی بایجا
وارد شدند . فردارا ارا بجا از ولندن حرکت
خواهد کرد .

از لندن ایضا ﴿ بموجب اخبار تکرانی
د از قاهره رسیده است هیئت شورای مملکتی
که از جانب جناب خدیو مصر امر تشکیل آن
صاحب شده است مقرر بوده است که ریاس هیئت
مذکور از اهل مملکت بوده هیئت نظام را نیز
ریاست بکند . شورای مذکور را دو نفر قائم مقام
روس و پنج نفر از اهالی اروپ و پنج دیگر از اهالی
مملکت اعضا معین خواهد شد . در اجتماع

و مذاکرات هیئت مذکور که متعلق بامر مالیه
و پولینک باشد جناب خدیو مصر بالذات ریاست
خواهد کرد .

از لندن ۱۲ جادی الاول ﴿ کازت
(تائیس) مینویسد گذاشته شدن عساکر عثمانی را
در (اهتان) و برغوس (دولت روس قبول
نمیکند ولی بجز از روسیه همه دولتهای بزرگ
تکلیف باهمالی را تنها در باره گذاشته شدن عساکر
عثمانی در برغوس پذیرفته اند .

از لاهور ایضا ﴿ در اردو کاه انگلیس
برای مذاکرات صلحیه انتظار کشیده می شود
که بقهوب خان خود شخصا بایجا بیاید .

ازون ۱۱ جادی الاول ﴿ بنا بر روایت
کازت (پولینک کورسپوندانج) دولت فرانسه
در باب تصحیح حدود یونان تکلیف میکند که
در اسلامبول مجلس کونفرانسی مرکب از سفرای
دواتها منعقد بشود . دوات انگلیس هم در این
مسئله مذاکرات سفرای دواتها را که در اسلامبول
هستند کافی میداند .

از لندن ۱۲ جادی الاول ﴿ دولتین
انگلیس و اوستریا منتخب شدن برنس باید بربک را
بجکمرانی بلغارستان بطور قطعی قبول میکنند .

از لندن ایضا ﴿ ورود کونت شوالوف سفیر
روس را بلندن امروز انتظار کشیده می شود .

از لندن ۱۴ جادی الاول ﴿ اخبارنامه
موت کسزروی که نیم رسمی است می نویسد .
از قراری که اطلاع حاصل کرده ایم کوبا دولت
اوستریا طول دادن مدت اقامت لشکر روس
را در روم ابلی شرقی همراهی میکند . بشرط
آنکه دولت روس بلغارستان را بیان نماید
در قدر در باب الحاق روم ابلی شرقی بلغارستان
بکوشد قائم خواهد داد .

از لندن ۱۲ جادی الاول ﴿ کازت
تائیس در نسخه امروزی (یعنی روز شنبه
گذشته) می نوید که دولت روس در باب اشغال
عساکر عثمانی (برغوس) و (اهتان) را
همراهی نمیکند و همچنین موافقت نمیکند بر اینکه
فزون عثمانی در بالکانها گذاشته شود .

ازون ایضا ﴿ اعلا حضرت امپراتور
و امپراتریس اوستریا امروز ازون رو بجناب
(بسته) حرکت کردند .

داخلیه

وزارت ضبطیه بمهد جناب حافظ پاشای
قریق بحول فرموده شده است .

وزارت جلیله مالیه بمهد جناب عضو قوت
مآب زهدی یک افندی .

وکالت امانتیه شهر بجناب دولاب محمد
عارف پاشا وزیر اسبق ضبطیه .

روزنامه (زجان حقیقت) مینویسد که
امروزها در (چورلی) جسد سر بریده یکی
ارده باشیان عساکر عثمانی را پیدا کرده در جعبوی
قاتل بوده اند تا اینکه سه نفر از باغراهای آن صحت
بشبه گرفتار شده بعد از استنطاق هر سه نفر
اعتراف بعمل شنیع قتل کرده اند و کیفیت چنان
بوده است که ده باشی هر قوم در خارج از شهر با آنان
دچار شده یکی از بلفه ریان گفته است که این ده باشی را
بکشیم اگر چه دیگران راضی نشده اند باز آن
یکی ده باشی بیچاره را بسیکاه کشیدن دعوت کرده
در حالتیکه نشسته بوده اند بلفسار مذکور
غفلت زانجی بسرده باشی زده بیچاره مدهوش
افتاده است پس از آن سرش را نیز بریده جسدش را
بآب انداخته اند . چون سبب اینگونه حرکات
وحشیانه و ظالمانه را پرسیده اند قاتل مذکور بی باکانه
گفته است برای آن کردم که (یک ترک دیگری
نیز کم شود)

جناب جلالتهب معین المذک سفیر کبیر دوات
علیه ایران روز یکشنبه گذشته بسرای
همایون ملو کانه موسوم به سرای

(بلدز) عزیمت و اجرت مخصوصه بحضور
مفترت کجور اصلاح حضرت شوکتآب پادشاهانه
رسیده بقدریک ساعت در حضرت همایون بوده
اند در آخر مجلس اعلا حضرت شاهنشاهی محض
اراز توجه خاص واقامه علامت اختصاص در
حق جناب سفیر کبیر مشارالیه بدست تأیید پوست
مبارک شاهانه بزرگترین نشان دوات علیه عثمانیها
که در میان محفوظه آماده بوده است . یعنی نشان
عالی عثمانی از درجه اول بلحاظ بزرگی آن را بجناب
مشارالیه اعطا و هنگام انصراف سفیر کبیر از محفل
همایون بلفظ مبارک برای شب دوشنبه که بر شب
باشد بطعام دعوت فرموده بودند . از قراریکه
اصلاح حاصل کردیم روز یکشنبه کسالتی در مزاج
همایون پادشاهی حاصل و بدین واسطه بجناب
سفیر کبیر تخریر اطلاع داده شده است که شام
سه شنبه یعنی امشب را در سرای همایون صرف
طعام نماید .

﴿ افتخار اسلامیان ﴾

پوسته ما اینگونه اخبار و حوادث را
با کمال افتخار در این جریده مینویسیم و یقین داریم
که مشترکین کرام که خیرخواه اسلام و جمعیت اسلامی
هستند همیشه از شنیدن اینگونه اخبار محفوظ
و خوشوقت می شوند و گذشته از ملاحظات شخصی
این معاملات را که از جناب پادشاه عظیم الشان
که ملاذ اسلام و پناه اسلامیان است در حق سفیر کبیر
پادشاه دوات قدیم مسلمانی که در مقام مستأ و موقع
مهمی از مشرق زمین تمکن دارد و اقتصاد مال
اسلامیه را روابط دولت و ملت تابعه آنحضرت
مدار و موقوف علیه است بسیار مغنم دانسته این
زمان سعادت فرین را مقدمه یک نیک یعنی بزرگی
برای خودشان خواهند دانست . امیدواریم که
تاهی اجزای ممالک و اولین اسلام و عموم حکومت
و جمعیت های اسلام از ارکان دولت و مملکت و مشایخ
و شریف و وضع احوال تابع نیات مقدسه پادشاه دین
پناه شده از مداول آیت کریمه ﴿ اعیننی بقوه
اجمعل ببنکم وینهم ردما ﴾ تکلیف خود را
در اعانت فعلیه برای تجسم نیات انعام آبان پادشاهی
معین نمایند و بدقت تمام به بینند که سلسله سیدی
برای مردم بین السدین باید کشیده شود امروز از همه
چیزی لازمتر است . و دولتمردان این امت با همه
قوانین در دست این سد محتاج باعانات غلبه اهالی
است و گرنه بذات و ارادات صورت فعلیه نخواهد
پذیرفت و این سد مطلوب بسته نتواند شد .

پس باید همه اجزای وطن اسلام بکدل
و یکجهت شویم و اسباب نفاق و اختلاف را از میان
افراد برداریم و بکلمه جامعه بگراییم ناموس اعظم
مسلمانی را حفظ کنیم و فکر فردا را پیش از فردا
کنیم که چون پشیمان نوبم سود ندهد .

(جنرال اوروجوف) که حامل نامه مخصوصی

از جناب اعلا حضرت امپراتور روس بود روز
شنبه گذشته وارد اسلامبول شده به همراهی جناب
(پرنس لباتوف) سفیر دوات مشارالیه باین
همایون عزیمت و نامه مذکور را باعلا حضرت
پادشاهی تقدیم کرده است .

اخبار نویس کازرت (اوتان) مینویسد
(مسیوریک) که از جناب فرانسه کومیسر
روم ایلی شرقی است پیشترها بحضور همایون
اعلا حضرت پادشاهی مشرف شده باره اطلاعات
خود را درباره وضع ایالت مذکور معروض
حضور همایون کرده است .

تکلیفی که از جناب دوات روس در خصوص
عقد مجلس کونفرانس برای انجام دادن مسئله
روم ایلی شرقی بدو تها شده بود تمام از جناب دوات
المان پذیرفته شده دوتهای دیگر در ایالت موافقت
نکرده اند بشار این تکلیف مذکور هم مانند
تکلیف فرستاده شدن مساکر بخاند بر طرف
شده است . تکلیفی که از جناب دولت علیه در باب
حاصل دادن مدت ماموریت کومیسر یون روم ایلی
شرقی تا یکسال و همین کردن یکی را تا یکسال موافقت
به نیابت والیکری روم ایلی شرقی و در طرف مدت
مذکور تاخیر فرستاده شدن قشون عثمانی با کاپا
شده بود از جناب دوتهای بزرگ پذیرفته شده
است .

﴿ نظامات اساسیه روم ایلی ﴾

فقره در کازرت (لوانت هراند) بعنوان بالا
دیدمش که ترجمه آنرا ذیلا مینویسیم .
روز شنبه گذشته نظامات اساسیه روم ایلی

شرقی در حاشیه که بجز کومیسرهای اول دوتین
انگلیس و روس همه کومیسرها حاضر بودند
در (سرای خلعه) تصدیق و امضا کرده شد .
بموجب قراردادیکه در ماه ایلول (شوال) گذشته
از جناب کومیسرهای اروپا بضمیمه آراء کومیسرهای
عثمانی داده شده و دوزر باعالی نیز مقبول افتاده
بود دیگر متخنی نیست که قرارداد مذکور را
از جناب باعالی تدقیق و واریسی کرده شود .
اشکالات املاک و فقیه و حقوق تصرفه املاک
ساره نیز بطور خوبی چنانکه سار املاک عثمانی را
هم نمونه باشد انجام داده شده است . از قراریکه
شدیم از جناب باعالی مقرر بوده است که نظامات
اساسیه مذکور در سایر اقسام ممالک دولت علیه
نیز تطبیق نموده عمومیت داده شود زیرا هنوز
برای سایر ولایات عثمانی اساس اصلاحی گذاشته
نشده است . در صورت تعمیم این نظامات اساسیه
چنان است که باعالی احکام ماده بیست و سوم
عهدنامه برلین را هم اجرا کرده است .

﴿ اختر ﴾

این فقره آخری که لوانت هراند نوشته است
محتاج تصحیح است زیرا نظامات اساسیه ولایات
جد اگاه نوشته شده باجرائی آن اقدام خواهد شد .

مسیو بوزک مستشار وزارت خارجه انگلیس
که پیشتر تلگرافها خبر داده بودند که مستشار
الیه برای سیاحت بیاریس رفتن است از قرار
اشاعتی که در ایالت حاصل شده است معلوم
می شود که مستشار الیه با دیپلوماتهای فرانسه
در خصوص مسئله مصر مذاکرات داشته است .
چنانکه نام مشارالیه در دستکار وزارت خارجه
فرانسه و سفارتخانه انگلیس مهمانها از
دیپلوماتیک داده شده است . مسیو (کاسا)
و بعض دیگر از ارباب بولنیک در خصوص
مسئله مصر سخنها می خنندند و کوه دول دیپلوماتهای
انگلیس بر این قبیل بطور استعمال رفتار دارند .
تمامات سفری که از جناب خدیو مسر امسال
آورده می شود موجب اندیشه و هیجان شده است .
دیپلوماتهای فرانسه در مسئله مصر متفق بودند
انگلیس را با فرانسه اشتغال دارند .

بوزیک انگلیس را چنان میدانند که هرگاه خیال

سو بشر را گمراه هندوستان است خطری ملحوظ نشود در ایفاء بدلات کوپون و عدم ایفاء آن را اهمیت نداده و سلب خود را که (عدم مداخله) است ترک نخواهد کرد . با وجود این اگر چه مظنون است که در باب دوباره منسوب شدن مسیو (رور و بلون) و مسیو (بلیز) پوزارهای ماهیه و فواید علمه در میان دولتین مشارالیهما اتفاق افکار هست ولی معلوم نیست که این فقره از جانب خدیوی پذیرفته خواهد شد یا نه .

خارجیه

دُر ز پر کوماندانی براس (دوافورک) چهار نوبت کر روس که هر نوبتی مرکب از دو هزار نفر بوده است رو به طرف مرو حرکت خواهد کرد .

اغتشاش داخلی روس

امروزها تمامی نظردقت مطبوعات اروپا مملوف با اغتشاش داخلی دولت روس است . چنانکه کازت ناپس نیز موافق اطلاعاتیکه از پتسبورگ حاصل کرده است در باره اغتشاش ممالک روس فقرات ذیل را می نویسد .

دولت روس خود را در میان دهشت بزرگی می بیند زیرا اکنون معلوم می شود که از افراد مامورین پولیس در صدی هفتاد و پنج از گروه نوبلیست بوده اند بهمین ملاحظه سایر مامورین پولیس نیز خوف و دهشت طاری شده قرارداد اند که از ماموریت خودشان استعفا نمایند . قتی که منسوب بخانواده معتبری بوده در سمرای ایپراتوری بر تقرب زیاد داشت برای اینکه در باره او شبهه اقتصاد بودند در حالتی که مومی الیها در مزرع خود بوده است از جانب حکومت مامورین پولیس را بتوقیف و حبس او امر داده شده مزبور هم مامورین پولیس تسلیم نشده بر روی مامورین مذکور کاوره انداخته است . در حین استنطاق گفته است که هر چند من خود از گروه نوبلیست نیستم ولی دوست و هواخواه آن گروه هستم .

اگر چه اکنون را در ممالک روس بکمیثت پولیس بطور پنهانی تشکیل یافته است ولی از روش

کار بدی است که کاری از پیش نتوانند برد . هر چند در حقیقت مقدار جاعت مذکوره بسیار نیست ولی بجهت اینکه خیلی کارکن وزکی وجود هستند و از هیچ چیز خوف و بچی ندارند در نزد اهالی وقتی پیدا کرده میتوانند هر کس را که بخواهند با ساقی فریب داده داخل جمعیت خودشان نمایند که در این صورت زیاد شدن جمعیت خودشان را امیدواری تمام دارند .

اگر چه این گروه نوبلیست در حقیقت عبارت از پاره مردمان ار اافل و خونی و شرارت پیشه هستند و از اشخاص معتبر و صاحب تک و ناموس آنان را هواخواهی نیست ولی برای اینکه بجز از گروه نوبلیست هیتی پیدانیت که در مقابل حرکات مستبدانه و بد رفتارهای حکومت روس بایستد اهالی لابد اظهار هواخواهی در باره آنان می کنند . اگر حکومت روس یکی موافق آرزوی اهالی رفتار کند معبرین اهالی نیز نوبلیستهارا مانند یک فرقه قطاع الطریق و خونریز خواهند انگاشت . در حالتیکه در میان اروپ حکومتهای قانون شناس مانند دولت عثمانی و حکومتهای قرطاطخ و بلغارستان هست دانشمندان اهالی روس دلگیری دارند از اینکه ملت بزرگی مانند روس هنوز در زیر اداره و خود سرانه حکومت اسیر مانده اند این است کسانیکه از گروه نوبلیست نیستند بر ضد دولت روس اظهار دوستی در باره آنان می کنند .

اعلا حضرت ایپراتور میل دارند که در ممالک خودشان قانون اساسی بگذارند ولی بزرگان مملکت که زیاد از ایپراتور از وضع حاضر و اداره خود سرانه متفع می شوند اعلا حضرت مشارالیه را مانعت کرده میرساند که هر گاه قانون اساسی گذاشته شود استقلال دولت بلرزه محو و یا مال خواهد شد حال آنکه حکم این مختما بر عکس است زیرا در حالتیکه باهالی قانون اساسی داده شود آنوقت پادشاه در حقیقت اهالی را بمنزله پدر خواهد شد که در این صورت غایب نوبلیست بکلی رفع خواهد گردید بعلمت اینکه اهالی از وضع قانون اساسی و آزادی شکر گذار پادشاه شده بوجهی هواخواهی از آنگونه مردمان شمر بر نخواهند کرد سهل است که آنان را گرفته بچکومت نیز می سپارند . چه فایده که اعلا حضرت ایپراتور در این باب ضروری نگر موده سبب از دیاد جمعیت این گروه مفسد می شوند .

(نابه فرایه پرده) می نویسد . پیش ازور و دخبر سو و فصدی که بیشتر باعلا حضرت ایپراتور روس کرده شد . پراس لوبانوف سفیر دولت روس مقیم اسلامبول بواسطه پوست یک پاکت سر بسته بنام خود میگیرد . وقت کشادن پاکت مذکور صورت ایپراتور را در حالتیکه بالناس رسمی خود و در روی صندلی نشسته و (صواب) که علامت رسمی بیرق دولت روس است در زیر پای ایپراتور مشار الیه بخاک افتاده بر روی دل ایپراتور نیز چهری گذاشته بر قبضه آن عبارت نوبلیست نوشته بوده اند .

در دو ساعت بعد از وصول این تصویر خبر سو و فصد در باره ایپراتور بواسطه اخبار تلگرافی بسفیر مشار الیه رسیده است .

ترجمان حقیقت

اخبار نامهای وین می نویسند که نهر مسکو طغیان کرده و بسیاری از اطراف شهر مذکور را آب فرا گرفته است بعدی که بیم و اندیشه بوده است که تمامی شهر را آب استیلا نماید .

در ولایت هوجیه یک بجهت اندیشه و بیم اغتشاش عمومی و گرفتن جلو آنگونه وقوعات از جانب حکومت روس بجمع آوری یک قوه بزرگ عسکری اقدام شده است .

اخبار نامهای برلین می نویسند در ممالک روس بجز از نوبلیستها جمعیت فساد می بنام (طفل سرخ) بنامه کی پیدا شده که آنان هم با جمعیت نوبلیستها اتفاق ورزیده اند که بجهت همین اتفاق دایره فساد هر دو وسعت یافته هر روز بفساد و شرارت خود میافزایند .

(ترجمان حقیقت)

(المان)

در سال هزار و هشتصد و هشتاد و دو در برلین یک بازار عمومی کشاده خواهد شد .

در سال ۱۸۷۶ در المان از طرف پولیس ۸۷۳۸ نفر سائل گرفتار شده است همچنین در سال